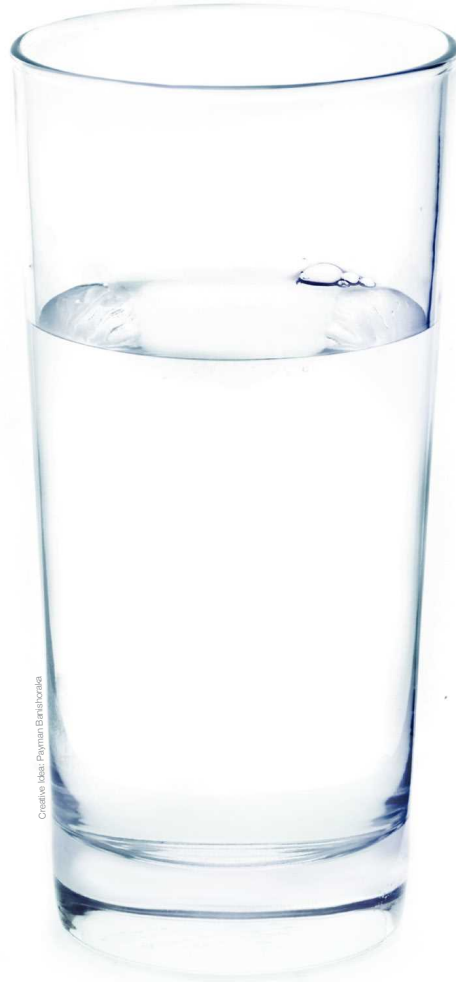


اقتصاد سرکش

مجموعه گزارش و یادداشت‌هایی با موضوع:

- نظام پولی و بانکی: بررسی رابطه بین نرخ ارز، تورم و نرخ بهره بانکی، ادغام بانک‌های نظامی، بازار متشکل ارزی و ارکان شفافیت در صورت‌های مالی بانکی
- مدیریت زمان
- اقتصاد کلان: چشم‌انداز اقتصادی سال ۱۳۹۸، ابرتورم، راه‌های برون‌رفت از مشکلات اقتصادی
- گزارشی از وضعیت شعبه مونیخ بانک خاورمیانه





Creative: Iaa Payman Barshkrafte

شفافیت، اعتماد، امنیت



بانک خاورمیانه
Middle East Bank



www.middleeastbank.ir
info@middleeastbank.ir



ساحل محمودآباد، تیر ۱۳۹۸
عکاس: غلامرضا احمدی، خبرگزاری تسنیم



ساحل محل دفن زباله نیست
محیط زیست را آلوده نکنیم...

۵

سرمقاله

دیوار کوتاه بانک‌ها

مطالب
این شماره

بانک

۶

۸

چالش در سه
میدان

نرخ ارز، نرخ بهره و تورم



۱۴

«آفتاب خاورمیانه» در گفت‌وگو با دو
کارشناس بانکی و ارزی بررسی کرد

فرجام بازار متشکل ارزی

۱۲

ارکان شفافیت

۱۸

بررسی ادغام بانک‌های
نظامی



۲۰ کسب و کار

در جستجوی زمان از دست رفته

چرا همه آن قدر مشغول هستند؟

۲۲

۲۷

سرقت داده‌ها بدون اتصال به شبکه

قصه مرد پیشرو صنعت مواد غذایی ایران

۲۸

اینفوگرافیک ما صبر نمی‌کنیم



۳۰

۳۴

ابر تورم

اقتصاد

۳۲



۳۶

وضعیت خاص

چگونه چشم‌انداز سیاه را کمی سفید کنیم؟

۴۰

دلیل تمایل دولت برای ایجاد تورم

۳۸

وضعیت نامعلوم

«هایک» و جریان بازار

۴۴

اخبار

۴۲

مونیخ اولین مقصد اروپایی بانک خاورمیانه

۴۱

خاورمیانه آفتاب

نشریه داخلی بانک خاورمیانه
سال ششم | شماره ۱۹ | تیر ۹۸

سردبیر: محسن کریمی

دبیر اجرایی: سینا زارعی

مدیر هنری و طراح گرافیک: حنا نیا زمند

- آفتاب خاورمیانه یک نشریه داخلی و مستقل است که تمامی حقوق آن به بانک خاورمیانه تعلق دارد.
 - مسوولیت مطالب نشریه با پدیدآورندگان است و انتشار آنها لزوماً به معنی تایید تمام یا بخشی از مطالب نیست.
 - نقل مطلب از نشریه با ذکر منبع مانعی ندارد.
 - منابع در آرشیو نشریه موجودند.
- بانک خاورمیانه به منظور عمل به بخشی از مسوولیت اجتماعی خود و جلوگیری از قطع درختان و مصرف بی‌رویه آب به جای کاغذ معمولی از «کاغذ سنگ»* برای چاپ نشریه آفتاب خاورمیانه استفاده می‌کند.

نشانی: تهران، خیابان احمد قصیر (بخارست)، نبش خیابان پنجم، شماره ۲، ساختمان مرکزی بانک خاورمیانه
کد پستی: ۱۵۱۳۶۴۵۷۱۷
تهران، صندوق پستی: ۴۴۴۵-۱۵۸۷۵

تلفن: ۸۰۰۰ ۴۲۱۷
دورنگار: ۱۰۹۵ ۸۸۷۰
پیام کوتاه: ۳۰۰۰۴۲۱۷۸
مرکز ارتباط با مشتریان: ۶۶۹۰ ۸۸۷۲
امور سهامداران: ۸۰٪ ۴۲۱۷
تحریریه آفتاب خاورمیانه: ۸۵۵۶ ۴۲۱۷

برای دریافت فایل الکترونیکی نشریه لطفاً یک ایمیل با عنوان اشتراک آفتاب خاورمیانه به نشانی info@middleeastbank.ir ارسال فرمایید.

دیدگاه‌ها و مقالات خود را از طریق پست الکترونیک یا نشانی پستی برای ما ارسال نمایید و یا با ما تماس بگیرید.

همکاران این شماره به ترتیب حروف الفبا:



معصومه اکبری زاده



فرداد احمدی



آرین آقابیگی



زهرا رسول پور فرزین



مریم ذوالفقار



مسعود راد



فرشاد فتح‌اللهی



علی طهماسبی



نادی صبوری



وحید مشرفی



محمد کوثری



هادی فرامرزی

- www.middleeastbank.ir
- info@middleeastbank.ir
- https://telegram.me/ME_Bank
- <https://instagram.com/ME.Bank>
- <https://www.linkedin.com/company/middleeastbank>

* کاغذ سنگ محصولی شبیه کاغذ است که ماده اصلی تشکیل دهنده آن کربنات کلسیم است و تاکنون به عنوان یک محصول دوستدار طبیعت شناخته می‌شود. با استفاده از کاغذ سنگ به جای کاغذ معمولی در هر یک تن تولید کاغذ، ۲۰ درخت و ۱۶۰۰ گالن آب صرفه جویی می‌شود.

دیوار کوتاه بانکها



محسن کریمی

مدیر ارتباطات • بانک خاورمیانه

حدود ۶۰ سال پیش که نخستین بانکها به مفهوم امروزی شروع به کار کردند؛ هیچکس تصور نمی کرد که حوزه فعالیت بانکها تا چه اندازه گسترده خواهد شد. بانکها که در ابتدای فعالیت خود صرفاً وظیفه نگهداری و حفاظت از پس انداز مردم و اعطای وام را بر عهده داشتند به تدریج گستره فعالیتشان افزوده شد و به شریان اصلی اقتصاد کشورها و مهم ترین بازیگر بازارهای مالی تبدیل شدند. این نقش مسوولیت بانکها را بسیار افزایش داده و بانکها نه تنها در قبال سپرده گذاران و سهامداران خود مسوول هستند بلکه در قبال سایر ذینفعان و دولت ها نیز باید پاسخگو باشند. البته این در شرایطی است که آن ها اختیار تصمیم گیری و عملکرد داشته باشند و عوامل بیرونی و یا پنهانی بر فعالیت آن ها دخالتی نداشته باشد.

قبل از این که وارد بحث اصلی شویم دو نکته را یادآوری کنیم. نخست این که بانکها موسسه غیرانتفاعی نیستند. بلکه شرکتهایی هستند انتفاعی که بابت خدمات و محصولاتی که ارائه می دهند درآمد کسب می کنند. بنابراین باید با مدیریت سرمایه، بیشترین درآمد و سود را برای ذینفعان مستقیم خود کسب کنند. دوم این که بانکها وکیل سپرده گذاران خود هستند و در قبال به کارگیری سپرده آنان مبلغی را به عنوان حق الوکاله دریافت و الباقی سود را به سپرده گذاران پرداخت می کنند. بنابراین بین سود سپرده سرمایه گذاری و نرخ سود تسهیلات اعطایی باید رابطه معقولی برقرار باشد که در ادامه راجع به آن بحث خواهیم کرد.

نرخ بالای سود تسهیلات یکی از موارد اعتراض فعالان اقتصادی است و بانکها متهم هستند که هزینه تولید را افزایش داده اند و واحدهای تولیدی توانایی کافی برای کسب درآمد لازم برای پوشش هزینه های خود و بازپرداخت تسهیلات بانکی را ندارند. در واقع نرخ سود تعیین شده برای سپرده ها و تسهیلات بر مبنای رابطه عرضه و تقاضای بازار نیست و به صورت دستوری اعلام می شود و در نتیجه نرخ تورم را پوشش نمی دهد. از سویی بازار تحمل پرداخت سود تسهیلات را ندارد و از طرف دیگر تورم موجود در بازار سپرده گذاران را به مطالبه سود بیشتر تحریک می کند. این پارادوکس بر سرمایه گذاری در فعالیت های تولیدی تاثیر منفی گذاشته است.

از سویی رکود حاکم بر بازار فروش شرکت های تولیدی را کاهش می دهد و در نتیجه توان بازپرداخت تعهدهای آن ها به بانکها نیز کاهش می یابد. این روند موجب افزایش تسهیلات معوق بانکها می شود.

بانکها به غیر از مشکلاتی که از سوی مشتریان اعتباری دارند دچار عوامل تاثیرگذار بیرونی هم هستند. تسهیلات تکلیفی و دستوری، افزایش بدهی های دولت، بدهی به بانک مرکزی از مشکلات مستمر بانکها هستند و به آن ها اضافه کنید بخشودگی جریمه تسهیلات زیر یک صد میلیون تومان، تمویل ساماندهی موسسات اعتباری غیر مجاز به شبکه بانکی، مشکلات تملیک و فروش املاک تملیکی قراردادهای تسهیلاتی، مقاومت روانی جامعه در برابر پرداخت کارمزد خدمات الکترونیکی بانکها و ورشکستگی صوری بدهکاران بانکی.

مشکلات درونی برخی بانکها نیز شرایط فعالیت و سودآوری آن ها را دچار چالش می کند. ترازنامه منفی و زیان ده، دارایی های غیر مولد، ناموزونی تعداد شعبه ها، افزایش مدیریت نشده دستگاه های خودپرداز و پایانه های فروش موجب افزایش هزینه بانکها شده و بازنگری در معادله هزینه و فایده آن ها ضروری به نظر می رسد.

در چنین شرایطی مشکلات مالی برخی بانکها آنان را وادار کرده است که برای جذب سپرده بیشتر سود علی الحساب سپرده های سرمایه گذاری را نه براساس درآمد واقعی قابل پیش بینی بلکه بر مبنای تقاضای بازار رقابتی پرداخت کنند. این کار زیان دوجانبه برای بانکهاست زیرا علاوه بر بالا بردن هزینه آن ها، اضافه پرداخت آن ها از سوی سازمان امور مالیاتی به عنوان هزینه پذیرفته نخواهد شد. از سویی جذب پول به هر قیمت موجب تسهیل ورود پول های مشکوک به شبکه بانکی و افزایش ریسک پولشویی می شود.

در حال حاضر بانکها برای اصلاح ترازنامه خود باید اقدام های با اولویت بالا انجام دهند. بهبود کفایت سرمایه، فروش دارایی های غیرمولد، خروج سرمایه گذاری از حوزه های غیربانکی، وصول مطالبات معوق؛ الزام هایی هستند که در دستور کار بسیاری از بانکها قرار دارد.

یکی دیگر از الزام های نظام بانکی آماده سازی جامعه برای پرداخت کارمزدهای انجام خدمات بانکی است. پرداخت کارمزد یکی از راه های کسب درآمد در شبکه بانکی در همه کشورهاست. متأسفانه در کشور ما به دلیل رقابت غیرمنطقی موجود در بازار بانکی و به منظور ترغیب مشتریان به استفاده از خدمات بانکداری الکترونیکی، ارائه این خدمات به صورت رایگان انجام شده و این روال به صورت عرف جامعه پذیرفته شده است. لذا تغییر این رویکرد نیاز به فرهنگ سازی و اقدام هماهنگ در شبکه بانکی است.

یکی از اشکال هایی که به نظام بانکی کشور وارد می کنند این است که تعداد بانکها زیاد است و این نشان دهنده اقتصاد بیمار است. برای اثبات این مدعا هم آمارهای برخی کشورها را با ایران مقایسه و نسبت شعبه برای هر صد هزار نفر را ملاک قرار می دهند. نکته قابل توضیح این است که تعداد شعب بانکهای ما به نسبت شعب بانکهای کشورهای مشابه بیشتر است نه تعداد بانکها. شبکه بانکی ایران با ۳۶ بانک مشتمل بر ۲۲،۵۸۳ شعبه است. ترکیه با جمعیت معادل ایران ۴۷ بانک با ۱۶،۳۸۳ شعبه دارد. اگر بخواهیم کشورهای اروپایی را مثال بزنیم این نسبت بسیار متفاوت می شود به عنوان نمونه در کشور سوئد با ۱۰ میلیون جمعیت ۱۱۹ بانک با ۱۴۰۹ شعبه فعالیت دارند. بنابراین هرچه تعداد بانکهای یک کشور بیشتر باشد توان پوشش فعالیت اقتصادی شبکه بانکی آن کشور بیشتر می شود و بانکها می توانند به صورت تخصصی و منطقه ای فعالیت کنند. ■

نظام پولی و بانکی چهره پنهان

موانعی که سیاست‌گذاران اقتصاد کلان پیش روی نظام پولی و بانکی قرار داده‌اند و متقابلاً مشکلاتی که بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری برای اقتصاد کلان ایجاد کرده‌اند تبدیل به یک دور باطل شده است. مشکلات موجود به لحاظ قابلیت مشاهده (یا اراده برای مشاهده آن) و تلاش برای رفع آن‌ها بی‌شبهت به کوه یخ نیست. کوه یخ یا آیسبرگ‌ها به خاطر نیمه مرئی بودن به خطرناکی شهره هستند و خصلت غیرمرئی آنان تاکنون کشتی‌های بزرگی را به کام مرگ فرو برده است.

مشکلات متقابل نظام بانکی و اقتصاد کلان نیز ابعاد غیرمرئی خود را دارد که برای کشف و مشاهده آن‌ها نیاز به ابزارهای دقیق اقتصادی است. سطحی‌نگری و تقلیل مشکلات به موارد قابل مشاهده به معنای نادیده‌گیری کلیت مشکل و ادامه دور باطل مشکلات است.

تعیین دستوری نرخ سود و بهره بانکی توسط بانک مرکزی، عدم اصلاح صورت‌های مالی بانک و شناسایی ضرر به عنوان سود، خصولتی بودن بخش عمده‌ای از بانک‌های خصوصی و صوری بودن نهادهای ناظر بر آنان، عدم توانایی موثر بانک مرکزی در مقابله با موسسات مالی غیرمجاز و... تنها بخش کوچکی از پازل بزرگ‌تر مشکلات نظام پولی و بانکی کشور و نوک کوه یخی مشکلات نظام بانکی است که در این پرونده تلاش کرده‌ایم به تعدادی از آن‌ها به صورت تفصیلی بپردازیم.

چالش در سه میدان
نرخ ارز، نرخ بهره و تورم





بررسی ادغام
بانک‌های نظامی

۱۸

فرجام بازار
متشکل ارزی

۱۴

ارکان شفافیت

۱۲

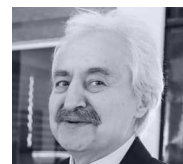


www.middleeastbank.ir



چالش در سه میدان

نرخ ارز، نرخ بهره و تورم



مسعود راد
کارشناس و تحلیلگر اقتصادی

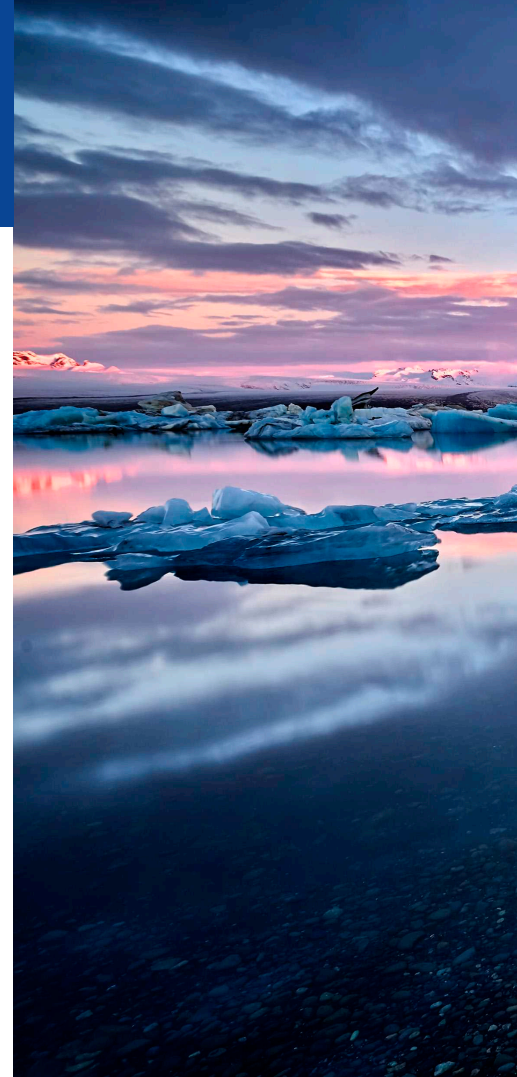
معمولا در شرایط تورمی حتی الامکان باید کوشش نمود نرخ ارز پایین‌تر نگاه داشته شود تا با واردات بیشتر قدری از فشار تقاضا بکاهیم و باز بر حسب اصول، معمولا نرخ بهره را باید بالا برد تا تنش تقاضا افزایش نیابد. از سوی دیگر، برای تخفیف بحران ارزی و جلوگیری از فرار سرمایه و احیانا جلب سرمایه خارجی، نرخ بهره (که آنرا "سود" می‌نامیم، در حالی که ماهیتی جدا از سود به معنای متعارف حسابداری/اقتصادی دارد) را بالا می‌برند. طبعا، چنانچه علاوه بر بحران ارزی تواما تورم هم داشته باشیم، گزاره فوق دو چندان صحت پیدا می‌کند. ولی ما در جهت عکس حرکت کرده‌ایم، بدون آنکه بشود توضیح قانع کننده‌ای برای آن یافت. تورم نقطه به نقطه ما طبق ارقام رسمی به بیش از دو برابر نرخ بهره رسیده است و در سه ماهه اول سال ۱۳۹۷ طبق آمار بانک مرکزی بیش از ۵ میلیارد دلار خروج سرمایه داشته‌ایم، که احتمال اینکه این روند

به فروش دلار ۴۲۰۰ تومانی) برای دارو و کالاهای اساسی بود که بعدا بسیار مورد انتقاد قرار گرفت چون هیچ کنترل جدی برای حصول اطمینان از مصرف صحیح ارز ارزان پیش‌بینی نشده بود. تورم هم بیداد می‌نمود و رقم رسمی شاخص کل نقطه به نقطه هزینه زندگی به بالای ۵۰٪ رسید. تورم هزینه خوراک و مسکن به میزان قابل توجهی بیشتر افزایش یافت. سیاست کاهش نرخ بهره بانک مرکزی هم تنها در مورد کاهش نرخ سود پرداختی به سپرده‌ها بود. تا پایان سال گذشته، زمان شروع تهیه این یادداشت، هنوز انتظار تشدید تحریم‌ها نمیرفت و افزایش فشار و ممنوعیت فروش تهرتری نفت با چند کشور دور از انتظار بنظر می‌رسید. اکنون این‌ها مسائل روز بشمار می‌روند.

در واقع سیر وقایع و راهکارهای بکار گرفته شده بی اختیار داستان سنگ بسته و سگ گشوده‌اند سعدی را به خاطر می‌آورد. چون بر حسب اصول،

بیش از یک سال است که آشفتگی بی‌سابقه در بازار ارز و تورم فزاینده گریبانگیر اقتصاد کشور گردیده است؛ وضعیتی که نام واقعی آن رکود تورمی است. تحریم اقتصادی به تنهایی مسئول همه این مصائب نیست زیرا به وضوح سیاست‌گذاران اقتصادی خود با تحلیل‌های نادرست و خارج از اصول قبول شده اقتصادی، یا با اقداماتی که به نظر می‌رسد تا حدود زیاد منافع گروهی و شخصی در آن بوده باشند، یا تواما هردو، نقش اساسی در تشدید بحران ایفا نموده اند. به نظر می‌رسد، علی‌رغم تحریم، چنانچه این عوامل نبودند ابعاد بحران به مراتب خفیف‌تر و قابل تحمل‌تر می‌بود.

شروع این آشفتگی کمابیش با اعلام تحریم‌های قریب‌الوقوع (حدود ۱/۵ سال پیش) متقارن بود و در خلال این مدت نرخ ارزهای عمده حدودا سه برابر شد و تنها اقدامی که به ظاهر برای تخفیف این روند صورت گرفت سیاست ارز چند نرخ (معروف



نسبت دارایی‌های معوق "غیر جاری" - بانک‌ها و در خطر قرار گرفتن سیستم بانکی می‌گردند که باز خطری خواهد بود برای سپرده گذاران!

باید یادآور شد در شرایط تورمی، بخصوص در کشورهای در حال توسعه، حتی در اعطای وام‌هایی که به مصرف سرمایه‌گذاری تولیدی و نظارت شده برسند، بایستی با احتیاط و با در نظر گرفتن اولویت‌ها اقدام نمود زیرا به هر حال چند سال طول می‌کشد تا سرمایه‌گذاری به بازده برسد. طی این چند سال وجوهی که از محل وام بانکی خرج شده است ایجاد تقاضا برای کالاها و خدمات می‌کند (باید نقش ضریب تکاثری تورم را هم در نظر داشته باشیم) ولی چون به تولید نرسیده‌ایم، عرضه‌ای هم نداشته‌ایم. در نتیجه مازاد تقاضای کل بر عرضه کل عرضه را برای کنترل تورم تنگ‌تر می‌کند. بخاطر آن است که در همه جای دنیا هنگام تورم نرخ تنزیل مجدد بانک مرکزی (و همراه با آن ساختار نرخ‌های بهره) را بالا می‌برند. پس بی‌راهه نرویم که از طریق نرخ بهره پائین تولید و عرضه کالاها تورم را کنترل کنیم و به رشد اقتصادی برسیم. راه رشد اقتصادی از این طرف نیست.

شاید جا داشته باشد اشاره‌ای گذرا به تجربه تاریخی تقریباً مشابه اقتصاد خودمان در زمینه رشد اقتصادی با تورم پایین سپس وضعیت وارونه آن داشته باشیم و ببینیم که چگونه اقتصاد کشور به دنبال یک دوره سیاست تثبیت اقتصادی و رکود متعاقب آن، طی یک دهه، علی‌رغم در آمد نفت بسیار کم (در اوایل سالهای ۱۳۴۰ قیمت نفت بشکه ای ۱٫۸۲ دلار حدود ماهی ۷۰-۸۰ میلیون دلار بود) با یک سیاست پولی کمابیش مستقل و بانک مرکزی قوی متکی به کارشناسان اقتصادی که به اصول اقتصاد باور داشتند، همراه با یک دستگاه مجهز برنامه‌ریزی و سیستم بانکی محدود، رشد متوسط اقتصادی (به گواه بانک جهانی) ۷/۱۱٪ شد. سپس در یک دوره ۵-۶ ساله، با درآمد نفت ۳ تا ۶ برابر شده و با هدف رشد اقتصادی هر چه بیشتر، ولی کنار گذاشتن اصولی که اقتصاددانان به آنها اصرار داشتند (با این شعار که اقتصاددانان حرف

خودشان را بزنند ولی ما کار خودمان را می‌کنیم)، اقتصاد ما دچار تورم شدید و بحران تقریباً غیر قابل کنترل گردید و عمده آن دست‌آوردها بر باد رفت.

جان کلام اینجاست که نرخ ارز و نرخ بهره از بسیاری نقاط نظر آثار اقتصادی و در نتیجه سیاست‌گذاری اقتصادی و به ویژه سیاست پولی، به یکدیگر بسیار مرتبط‌اند و در این باب اقتصاددانان متفق القول‌اند. اعمال تغییر (و روش و کمیت این اعمال تغییر) در هر کدام بدون مطالعه جامع و واقع‌گرایانه عواقب ناشی از آن، خطرناک است. در واقع در شرایط عادی، مجری سیاست پولی باید حتی‌الامکان از این دخالت‌ها خودداری نماید. همانطور که اشاره شد، به ویژه طی یک سال گذشته، حرکت این دو مقدار در جهت عکس مصالح اقتصادی بوده است. در جستجوی علل این پدیده به چند عامل برخورد می‌کنیم: تحریم ("جنگ" اقتصادی)، اعمال سیاست اقتصادی نادرست، فشار گروه‌های خاص به منظور تامین منافع اختصاصی خود و استفاده از آنچه که باب شده "رانت" می‌نامند.

در این بحث تکیه ما بر سیاست پولی است، نه اینکه بخواهیم نقش و مسوولیت سیاست مالی و دخالت‌های دیگر را (که غالباً مشکلات را تشدید نموده‌اند) نادیده بگیریم. گفته شد در شرایط عادی، "مجری سیاست پولی باید حتی‌الامکان از این دخالت‌ها خودداری کند". یعنی میل به پس انداز واقعی (یا عرضه وجوه) در تلافی با میل به سرمایه‌گذاری (یعنی بارده سرمایه‌گذاری واقعی یا تقاضا برای وجوه) نرخ بهره را تعیین می‌کند. تأکید ما بر کلمه "واقعی" به این دلیل است که چنانچه وام گیرنده برای گسترش کارخانه سیمان یا مزرعه کشت گوجه فرنگی وام بگیرد ولی نظارتی در کار نباشد و او آن وجوه را به مصرف فرضاً معامله در مستغلات یا ارز یا اتومبیل یا حتی سرمایه‌گذاری اقتصادی دیگری بنماید، او سرمایه‌گذار واقعی مورد نظر نیست و تقاضای او برای وام بیشتر یا نرخ بهره ارزان تر نمی‌تواند ملاک باشد. همچنین در بازار ارز که در ادامه مورد بحث قرار می‌گیرد. به معنای دیگر، بحث اقتصادی هنگامی که عوامل

در سه ماهه‌های بعد بر عکس شده باشد بسیار بعید است.

بی تردید تحریم نقش بسیار مخرب در شروع و تشدید بحران داشته است ولی دخالت مستقیم و مستمر در ساختار نرخ‌های بهره به منظور کاهش دستوری (و "ربا" نامیدن آن)، نوعی بی‌اثر کردن مهم‌ترین ابزار اجرای سیاست پولی بوده است. اعمال محدودیت‌های بی‌مورد و دستکاری نرخ ارز و اعمال سیاست ارز چند نرخ، تاثیری کمتر از تحریم نداشته‌اند. پائین نگاه داشتن نرخ بهره فقط اقشار کم درآمد را تحت فشار قرار داده است (که تنها مفرشان از هیولای تورم سود سپرده بانکی است). تفاوت نرخ تورم و نرخ بهره، در واقع توانی است برای سپرده‌گذاران و یارانه‌ایست برای گیرندگان وام‌های کلان. چون نرخ بهره تسهیلات نسبت به نرخ تورم پایین است؛ با تعویق (یا امتناع) در بازپرداخت اقساط وام‌هایشان موجب افزایش

معمولاً در شرایط تورمی حتی‌الامکان باید کوشش نمود نرخ ارز پایین‌تر نگاه داشته شود تا با واردات بیشتر قدری از فشار تقاضا بکاهیم و باز بر حسب اصول، معمولاً نرخ بهره را باید بالا برد تا تنش تقاضا افزایش نیابد. طبعاً، چنانچه علاوه بر بحران ارزی تواماً تورم هم داشته باشیم، گزاره فوق دو چندان صحت پیدا می‌کند. ولی ما در جهت عکس حرکت کرده‌ایم، بدون آنکه بشود توضیح قانع‌کننده‌ای برای آن یافت.

غیراقتصادی وارد کارزار می‌شوند، کارایی خود را از دست می‌دهد. اهمیت نظارت و نقش نظارتی/ دخالتی مجری سیاست پولی اینجا اهمیت پیدا می‌کند.

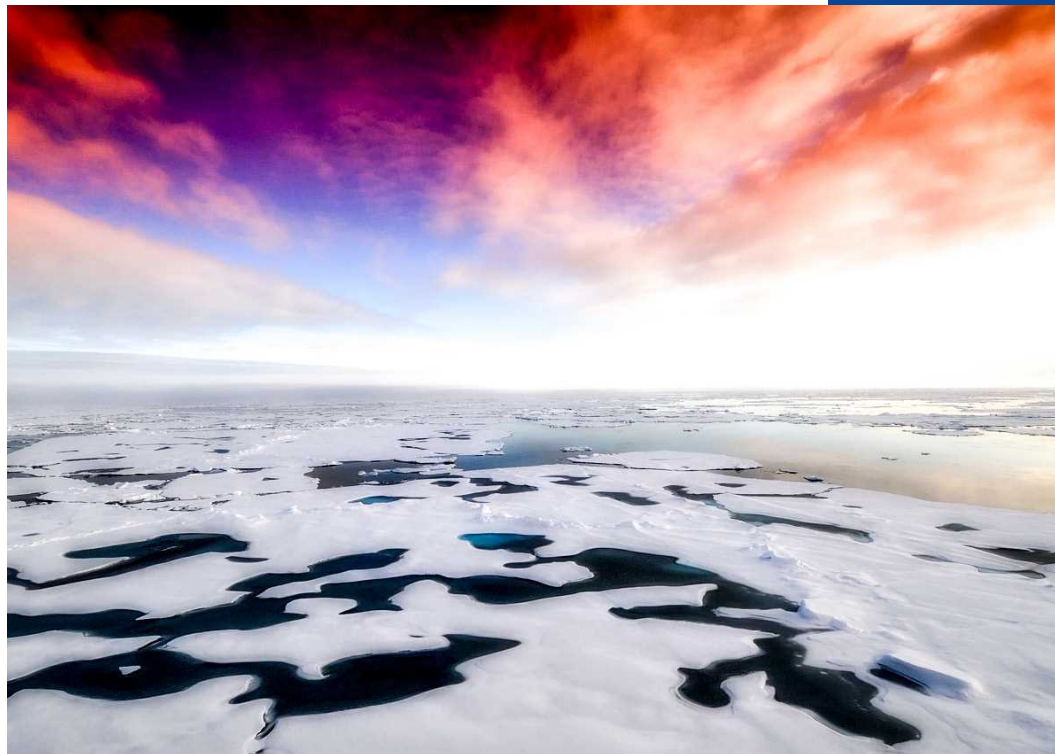
رابطه علت و معلولی بین تحریم اقتصادی و تورم، بحران ارزی و نرخ بهره جنبه کلاسیک دارد. تقریباً همه تحریم‌ها و جنگ‌ها (تحریم را می‌توان زیر مجموعه جنگ به شمار آورد) این تجربه را داشته‌اند. کنترل اثر متقابل چند جانبه این عوامل غالباً بسیار مشکل و گاه غیر قابل تحمل است. به هر حال تحریم و جنگ آثار مخرب و هزینه دارد و اجتناب از آن بهترین راه رستگاری است. البته ما در جنگ تمام عیار نیستیم، ولی بسیاری کسانی که گویی خود را با چنین خطری آماده و خواسته و ناخواسته به تحقق آن کمک می‌کنند و در واقع به آتش بحران دامن می‌زنند. البته غالباً آنها از این کار منتفع هم می‌گردند. متأسفانه افزون بر فشار تحریم، بسیاری از اقدامات ما برای تخفیف آثار تحریم، به وضوح اثر معکوس داشته است، چنانکه گویی قصد واقعی، به دلایل نامشخص یا حداقل ناگفته، تحت فشار قراردادن رابطه عرضه و تقاضایی بوده باشد که در شرایط عادی بر یکدیگر تأثیر می‌گذاشتند و در سطح دیگر و شکل دیگری به تعادل می‌رسیدند.

اگر حتی در بست قبول کنیم که دخالت دولت برای تسهیل واردات دارو و کالاهای اساسی) البته با فرض اراده و امکان برای اعمال نظارت موثر) صحیح و لازم بوده است، بی شک روش مورد استفاده از طریق ارز چند نرخ (که در گذشته هم تأثیر زیانبار آن را تجربه کرده‌ایم) صحیح نبوده و نیست. آثار منفی فرعی این روش، هر گونه توجیه را منتفی می‌کند. سیاست ارز چند نرخ موجب فرار سرمایه، استفاده نابجا و فساد می‌گردد و به هر حال کنترل آن تقریباً محال است، بازار را مختل می‌کند و سال‌هاست که از طرف صندوق بین‌المللی پول ممنوع اعلام شده است. اصولاً دستکاری نرخ ارز آخرین روشی است که مجریان سیاست‌های اقتصادی باید به آن رو بیاورند. در مورد فراهم آوردن تسهیلات برای کالاهای ضروری روش‌های مستقیم‌تر، معقول‌تر، موثرتر و بی‌ضررتر وجود دارد. در مورد دارو، ارائه بیمه دارویی یارانه‌ای برای مصرف‌کننده نهایی یا اصولاً کمک ریالی (که ظاهراً اخیراً مورد توجه مجلس هم قرار گرفته است) به مساله پاسخ می‌دهد و عملاً هم می‌بینیم دسترسی به داروهای نایاب بدتر شده و بازار سیاه پیدا کرده است. ظاهراً حتی وارد کردن این داروها برای بیمار مصرف‌کننده واقعی آن هم ممکن نیست!

آن طرف قضیه، یعنی صادرات، اعتقاد (یا ادعای بعضی صادرکنندگان) به "فواید" ارز گران در تشویق صادرات است، که خود مدتهاست، حتی قبل از تحریم، مطرح بوده است. در این مورد هم بدیهی است بجای آنکه بخواهیم با استفاده از سیستم چند نرخ ارز (که معلوم نیست از چه روشی برای محاسبه آنها باید استفاده نمود) یا گران کردن نرخ ارز، که سرزمین اقتصاد کلان است و موجب اختلال در کل ساختار اقتصاد کشور می‌گردد، صادرات را با تشویق کمک کنیم. می‌توان در صورتی که واقعا لازم تشخیص داده شود، از روش‌های مستقیم‌تر، معقول‌تر، موثرتر و بی‌ضررتر دیگر استفاده نمود. مثال بارز آن فراهم آوردن تسهیلات بانکی مناسب و نظارت شده برای شروع، اجرا و کمک زیربنایی به طرح‌های صادراتی است. شاید وجود یک بانک/ موسسه مالی تخصصی سرمایه‌گذاری فعال (مانند آن چه در گذشته وجود داشت) اساسی‌تر باشد. یا حتی پرداخت نوعی یارانه ریالی و نه ارزی. ولی این نوع دخالت زیاد مورد استقبال نیست و به نظر می‌رسد منفعت مدافعین دربست ارز گران در جای دیگری باید باشد.

تذکر مختصر این نکته هم ضروری است که افزایش نرخ ارز در کشوری که فوراً تبدیل به افزایش دارایی‌های بانک مرکزی و موجب افزایش حجم پول، پرقدرت و در نتیجه افزایش نقدینگی و تورم می‌شود، بالا بردن معادل ریالی نرخ ارز درست مثل آن است که بانک مرکزی به مقدار همین مابه‌التفاوت ارزی، یارانه ریالی به صادرکنندگان می‌داد یا به بانک‌ها وام می‌داد که آنها به صادرکنندگان وام نظارت شده، یا حتی نظارت نشده و فرضاً بی‌بهره بدهند. با همه آثار ناخواسته تورمی، آن هم در شرایطی که تورم بیداد می‌کند. همان‌طور که اشاره شد، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته هم از روش‌های گوناگون (که گاه بعضی از آنها مورد انتقاد سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی نیز قرار گرفته است) برای کمک به توسعه صادرات استفاده می‌شود که می‌توان آن روش‌ها را مورد بررسی قرار داد و اقتباس نمود (مثلاً داستان "فرانک سبز" برای دفاع از صادرات در فرانسه در مقابل اعضا جدید با قیمت‌های کشاورزی ارزان تر).

جالب آنکه علاوه بر طرفداران نظریه "فواید" ارز گران در تشویق صادرات در مقام‌های اقتصادی عمومی، گروه‌های فشار هم علاوه بر دفاع از آن، ظاهراً فعالانه وارد کارزار بازار ارز می‌شوند، که در این مورد باید با احتیاط صحبت کرد چون وارد سرزمین ممنوعه و احیاناً ایجاد بازار مصنوعی می‌شویم که اخلاقاً و احیاناً قانوناً درست بنظر نمی‌رسد. شاید بعید باشد



ولی ممکن است صادرکنندگان یا دست‌های گمنام دست اندر این کار باشند تا با خرید جرقه‌ای بزنند و ایجاد حول و وحشت (Panic) کنند که خود چرخه بالا رفتن بیشتر نرخ، وحشت بیشتر را به راه بیندازد تا خود با نرخ بالا تر بفروشند. و متاسفانه، در شرایط تورمی، مصرف‌کننده عادی عادت دارد وقتی قیمت بالا می‌رود غالباً بجای کاهش تقاضا، حجم خرید خود را از ترس ادامه تورم بالا ببرد. در بازار ارز نیز همین رفتار صادق است.

به این ترتیب ما از دو سو به تقویت بحران ارزی و کاهش ارزش پول داخلی کمک کرده‌ایم، یکی از سوی سیاست ارز چند نرخ و در اختیار گذاشتن ارز ارزان به "واسطه‌ها" (که عملاً به نرخ گران وارد بازار کرده‌اند) و دیگری از سوی آنها که طرفدار ارز گراند. اکنون لازم است بینیم سیاست پولی، به خصوص در مورد نرخ بهره در این میان چه می‌کند که خود عامل سوم مهمی در این کارزار به شمار می‌رود.

در سال‌های اخیر تورم ۲ رقمی همراه دائمی ما بوده و به جز دوره‌های کوتاه توفیقی در کاهش آن (آن هم تا حدود زیاد به دلیل عوامل خارجی و افزایش درآمد نفت) نداشتیم. طی یک سال و چند ماه اخیر آثار تورمی افزایش نرخ ارز چنان پراهمیت و فراگیر شده است (در گذشته هم وجود داشت ولی نه به این شدت و سرعت) که گریبانگیر همگان شده است. دیگر عمده فروشان و خرده فروشان نیز با پیش‌بینی نرخ ارز به پیشگیری و حتی پیشواز آن می‌روند. در نتیجه تورم به مرحله خطرناکی رسیده است که خود را تغذیه می‌نماید و در واقع بدون آن که نیازی به یک عامل واقعی خارجی باشد به یورش خود ادامه می‌دهد و در حال بهم ریختن و اختلال بیشتر در اقتصاد کشور است. همان طور که در بالا اشاره شد، در این مرحله، تورم خود روی بازار و نرخ ارز اثر می‌گذارد و یک رابطه دوجانبه، یا دور باطل ایجاد می‌شود. لازم به یاد آوری است که رابطه متقابل تورم و نرخ بهره شاید در درجه بیشتری نسبت به نرخ ارز اهمیت داشته باشد. در چند مورد اساسی، از جمله در ایات متحده، ترکیه و روسیه همان گونه در کتاب‌های معتبر اقتصادی نوشته‌اند و تدریس می‌کنند با بالا بردن نرخ بهره تورم‌های شدید را کنترل نموده اند؛ درست بر عکس نظر

بعضی نظریه‌پردازان داخلی که گویا سیاستگذاران اقتصادی ما تحت تاثیر آنان قرار دارند. یا شاید منافع وام‌گیرندگان بالفعل و بالقوه صاحب نفوذ در آن باشد. وگرنه چگونه می‌توان پذیرفت که در شرایط فعلی بانک مرکزی به کاهش نرخ بهره دست بزند نه به افزایش آن؟ اقدامی که اضافه بر تشدید فشار تورمی، خروج سرمایه و اصولاً سرمایه‌گذاری در ارز خارجی را هم تشویق می‌کند و بحران ارزی را تشدید.

بالا تر به ارتباط نزدیک نرخ ارز و نرخ بهره اشاره شد ولی تاکید مطلب لازم است که هم برای تخفیف بحران ارزی و جلوگیری از فرار سرمایه و احیاناً جلب سرمایه خارجی، و هم برای مقابله با تورم و کاهش فشار تقاضا (بخصوص هنگامی که با تورم ناشی از تقاضا مواجه‌ایم) نرخ بهره را بالا می‌برند. به عبارت دیگر بر حسب اصول قبول شده اقتصاد، چه در شرایط تورمی (یا در واقع ابر تورمی ما) و چه در شرایط بالا رفتن ناخواسته نرخ ارز خارجی، و به طریق اولی، هنگامی که هر دو این شرایط جمع‌اند پایین آوردن نرخ بهره، آن هم به صورت دستوری را چیزی جز خود زنی نمی‌توان دانست. اخیراً بانک مرکزی در دو نوبت از یک سو مستقیماً نرخ بهره پرداختی بانک‌ها به سپرده‌ها را به ۱۵٪ و هم از طریق نحوه محاسبه آن (به جای روز شمار، حداقل سطح سپرده ماهانه) کاهش داد.

سال‌هاست شاهد آن هستیم که بانک مرکزی نرخ بهره پرداختی و دریافتی بانک‌ها را به میل خود، با توجیه و گاه بدون آن (با توجیه بدون منطق اقتصادی)، تعیین می‌کند. چنان که گاه تصور می‌شود که این از عملیات روزمره همه بانک‌های مرکزی دنیا است. این تصور اشتباه است. نرخ بهره‌ای که می‌خوانیم فلان بانک مرکزی تغییر داده است، نرخ بهره تنزیل مجدد اوراق بهادار کوتاه مدت درجه یک (غالباً اسناد خزانه) موجود در دارایی بانک‌هاست، نه تعیین دستوری نرخ بهره پرداختی و دریافتی بانک‌ها. مکانیسمی که باعث می‌شود عمل تنزیل مجدد ساختار نرخ‌های بهره را کم یا بیش تحت تاثیر قرار دهد مکانیسم پیچیده‌ای نیست ولی از حوصله این بحث ما خارج است. به هر حال با استفاده‌های کاملاً ناموجه و نابجایی که

از این اختیار شده است، جای آن بود که کاملاً حذف می‌گردید. این دستکاری مستقیم بدون توجه به ساختار نرخ‌های بهره انجام می‌گیرد و حاکی از عدم شناخت مسوولین از این واقعیت ابتدایی اقتصاد پولی است و طبعاً نمی‌توان از آن انتظار آثار مثبت داشت؛ به‌ویژه آنکه در زمان حاضر خلاف جهت الزامات اقتصادی صورت می‌گیرد.

بحث درباره تحریم اقتصادی و آثار آن در مراحل مختلف و بهترین راه مقابله یا دور زدن آن، خارج از هدف این یادداشت بوده است. شکی نیست که تحریم محدودیت‌هایی ایجاد می‌کند ولی از ترس آن نباید تصمیم‌های نسنجیده گرفت. بحث ما به وضوح نشان می‌دهد که در شرایط تنگ تحریم، اعمال سیاست‌های اقتصادی سنجیده و جلوگیری از روش‌هایی که می‌تواند مورد سوء استفاده قرار گیرد باید هر چه بیشتر و زودتر مبنای کار باشد.

ما در این گفتگو از بحث در باب یک عامل اساسی دیگر که نام آنرا "فساد" نهاده‌اند حتی الامکان احتراز کرده ایم، چون علل آن بیشتر جنبه اجتماعی/سیاسی دارد و یک مطالعه عمقی جداگانه طلب می‌کند. البته باید یادآور شد این عامل گاه دارای چنان کمیتی است که بحث اقتصادی بدون اشاره به آن بی معنی می‌گردد، ولی درمان اقتصادی آن هم چندان آسان نیست.

نتایج دو بحث ما در باب نرخ ارز و نرخ بهره در جای خود با ذکر دلیل بیان شده‌اند. کافی است یادآور شویم که سیاست‌های نرخ ارز و نرخ بهره در واقع ستون فقرات سیاست پولی به شمار می‌روند. سیاست‌گذاران ما متاسفانه در زمینه این دو سیاست حیاتی کج راه رفته‌اند. ما کوشش نموده ایم چون و چرای آنرا نشان دهیم، حتی الامکان بدون اینکه دچار افراط و تفریط شویم. اکنون این بحران به ظاهر هر دم رو به تزیاید گریبانگیر اقتصاد ما شده است. در واقع به جز تحریم اقتصادی که علل آن غیر اقتصادی و خارج از توانایی‌های این بحث است، شدت این بحران مقدار زیادی ناشی از سوء مدیریت‌های اقتصادی و عوامل غیر اقتصادی بوده است. ■

بر حسب اصول قبول شده اقتصاد، چه در شرایط تورمی (یا در واقع ابر تورمی ما) و چه در شرایط بالا رفتن ناخواسته نرخ ارز خارجی، و به طریق اولی، هنگامی که هر دو این شرایط جمع‌اند پایین آوردن نرخ بهره، آن هم به صورت دستوری را چیزی جز خود زنی نمی‌توان دانست. اخیراً بانک مرکزی در دو نوبت از یک سو مستقیماً نرخ بهره پرداختی بانک‌ها به سپرده‌ها را به ۱۵٪ و هم از طریق نحوه محاسبه آن کاهش داد.

ارکان شفافیت

علی طهماسبی
کارشناس مدیریت اعتبارات • بانک خاورمیانه



تقلب و اختلاس در سال‌های اخیر در حوزه‌های مختلف اقتصادی به سبب پنهان‌کاری، عدم شفافیت مالی و ضعف نظارت به نحوی موضوعیت یافته که بارها از فساد سیستمی در کشور صحبت شده است. در این راستا بانک‌ها به‌عنوان مهم‌ترین ارکان بازار پول، هم تحت تاثیر آثار فساد قرار می‌گیرند و حتی می‌توانند به‌نوعی مولد آن باشند. این در حالی است که ثبات و سلامت نظام بانکی از لازمه‌های مهم رشد پایدار اقتصادی برای کشورها است. لذا به‌واسطه آسیب‌پذیری‌های مختلف و شکنندگی ذاتی بانک‌ها، نهاد (نهادهای) ناظر به مراقبت دائمی آن‌ها می‌پردازند. تیرماه هر سال موعود زیر ذره‌بین قرار گرفتن عملکرد بانک‌ها در یک سال گذشته است. در این بین مجامع بانک‌ها دارای ارکانی است که هرکدام با نقش‌ها و وظایفی خود سعی در شناسایی و توقف هرگونه تقلب و فساد احتمالی را دارند. البته به‌نظر می‌رسد این اتفاق در مجامع بانک‌های دولتی به درستی رعایت نمی‌شود و آنچه در مجامع این بانک‌ها رخ می‌دهد به یک دورهمی دولتی می‌ماند که بسیار از قواعد در آن نادیده گرفته می‌شود. این نوشتار نیز در همین راستا، به‌دنبال آن است که صرفاً در موضوع اتفاقات مجامع بانک‌ها پیرامون صورتهای مالی آن‌ها، نقش بانک مرکزی و سایر بازیگران را تبیین کند.

ارکان مرتبط با صورتهای مالی

چارچوب گزارشگری مالی در ادبیات حسابداری شامل معیارهای مورد استفاده برای اندازه‌گیری، شناسایی، ارائه و افشای اقلام مندرج در صورتهای مالی است. این چارچوب برای بانک‌های ایران به دو بخش استانداردها و الزامات قانونی تقسیم‌بندی می‌شود. الف) استانداردها شامل استانداردهای حسابداری ملی یا استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی (IFRS) است و ب) الزامات قانونی نیز از قانون پولی و بانکی، عملیات بانکی بدون ربا و



مقررات ابلاغی بانک مرکزی نشأت می‌گیرد. اجرای این چارچوب در گزارشگری مالی بانک‌ها با ارکان ذیل محقق می‌شود.

۱- مقررات‌گذار (رگولاتور) و ناظر: نهادهای ناظر در بانکداری متعارف هرچا که لازم باشد، هم ضوابط عمومی گزارشگری مالی و هم ضوابط خاص و مورد نیاز منطبق با شرایط اقتصادی و مدل کسب‌وکار بانک‌ها را وضع و الزام می‌کنند. بر اساس ماده ۳۶ قانون پولی و بانکی کشور و بند «د» ماده ۹۷ قانون برنامه پنجم توسعه و نیز تاکید مجدد بر قانون پولی و بانکی کشور در ماده ۲۱ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور، بانک مرکزی مسوول تعیین نحوه تدوین صورت‌های مالی بانک‌هاست. حتی بر اساس ماده ۱۴ قانون پولی و بانکی، این نهاد حق دخالت در رسیدگی به عملیات و حساب‌ها و اسناد و مدارک بانک‌ها و اخذ هرگونه اطلاعات و آمار از بانک‌ها را داراست. این نهاد به منظور طراحی و تدوین چارچوب لازم‌الاجرای گزارشگری مالی بانک‌ها به ۳ سند بالادستی اتکا می‌کند که شامل استانداردهای حسابداری، مقررات توصیه‌شده نهادهای بین‌المللی (همانند مقررات بازل) و قوانین موضوعه بانکداری کشور (همانند قانون عملیات بانکی بدون ربا) می‌شود. بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس و فرابورس نیز همچنین تحت تاثیر ناظر دیگری هستند. بورس اوراق بهادار می‌تواند بر اساس ماده ۴۲ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران، ناشران - از جمله بانک‌ها - را ملزم کند که صورت‌های مالی را طبق مقررات قانونی، استانداردهای حسابداری و گزارش‌دهی مالی و آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرائی ابلاغی سازمان تهیه کنند. سازمان بورس هم می‌تواند در راستای شفافیت بالاتر، افشاهای بیشتری را از بانک‌های بورسی مطالبه کند.

۲- نهاد استاندارددگذار: سازمان حسابداری با استناد به بند «۴» تبصره ۲ ماده واحده قانون تشکیل این

سازمان و بند «ز» ماده ۷ قانون اساسنامه سازمان حسابداری، مرجع رسمی تدوین استانداردهای حسابداری برای کلیه شرکت‌هاست. این سازمان در عین تدوین اصول و ضوابط حسابداری و حسابداری، به حسابداری بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی عموماً دولتی می‌پردازد. وظایف دوگانه حاکمیتی و تصدی‌گری غیرمعمول که به‌نظر می‌رسد آسیب‌های قابل ملاحظه‌ای در پی داشته است.

۳- حسابرسان: حسابرسان بانک‌ها باید مطابق با چارچوب‌های گزارشگری مالی لازم‌الاجرای ابلاغ‌شده از سوی نهاد (نهادهای) ناظر، به صورت‌های مالی رسیدگی کرده و نظر خود را به یکی از چهار شکل مقبول، مشروط، عدم اظهارنظر و مردود اعلام کند. نکته قابل توجه در این رکن این است که حسابداری بانک‌ها یک تفاوت اساسی با سایر بنگاه‌های اقتصادی دارد. این تفاوت از آنجا ناشی می‌شود که در کسب و کار بانکداری ایران، اقلامی در صورت‌های مالی وجود دارد که هیچ استاندارد حسابداری ملی یا بین‌المللی برای آن وجود نداشته و در آینده نیز چنین خواهد بود (مانند حق‌الوکاله، ذخیره عام و خاص مطالبات مشکوک‌الوصول و...). لذا حسابرسان ناگزیرند رسیدگی این اقلام را بر مبنای مقررات ابلاغی بانک مرکزی انجام دهند.

۴- هیات‌مدیره بانک‌ها: مسئولیت تهیه صورت‌های مالی به‌عنوان گزارش عملکرد، بر عهده هیات‌مدیره بانک‌ها است. مدیران بانک‌ها موظف‌اند بر اساس چارچوب لازم‌الاجرای گزارشگری مالی که توسط رگولاتور و ناظر ابلاغ می‌شود، صورت‌های مالی را به شکل صحیح و قابل‌اتکا با رعایت الزامات تعیین شده، تهیه و جهت رسیدگی و اعلام نظر در اختیار حسابرسان مستقل قرار دهند.

پرسش قابل تامل

حال اتفاقی که در مجامع بانکی (خصوصاً بانک‌های دولتی و شبه‌دولتی) رخ می‌دهد، این است که وزیر

اقتصاد و امور دارایی، خود نماینده سهامدار عمده (دولت است)؛ وی هم‌زمان هیات‌مدیره بانک را منصوب می‌کند. مدیران سازمان حسابداری که مسوول بررسی و اظهار نظر درباره صورت‌های مالی این بانک‌ها هستند، منصوب‌شده وزیر اقتصادند و حتی وزیر اقتصاد، ریاست سازمان بورس را نیز تعیین می‌کند که نماینده این سازمان باید در مجمع عمومی سالانه بانک‌ها حضور داشته باشد. ابهام اینجا است که در چنین وضعیتی چگونه می‌توان از حساب‌دهی حرف زد و از فساد پیشگیری کرد؟ آن هم در شرایطی که تمام ارکان اصلی این مجامع زیر نظر وزیر اقتصاد هستند!

سخن آخر

بانک‌ها با سایر بنگاه‌های اقتصادی تفاوت ماهوی مهمی دارند از این‌رو آثار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بحران‌های بانکی غیرقابل قیاس با سایر بنگاه‌هاست و این تفاوت باید در همه سیاست‌گذاری‌ها و تحلیل‌ها مدنظر قرار گیرد. ادامه روند موجود، می‌تواند آثار سوئی در پی داشته باشد. آثاری که در سطح خرد و کلان اقتصاد قابل ملاحظه خواهد بود و شرح آن مجال دیگری می‌طلبد. اینک فرافکنی چاره کار نیست، همه باید مسئولیت ذاتی و تعریف شده خود را بپذیرند و هر هویتی در حوزه وظایف خود مسئول است. باید با تمام ابزارهای موجود به سمت شفافیت حرکت کرد تا زمینه‌های فساد خشکانده شود. ■

مجامع بانک‌ها دارای ارکانی است که هرکدام با نقش‌ها و وظایفی خود سعی در شناسایی و توقف هرگونه تقلب و فساد احتمالی را دارند. البته به‌نظر می‌رسد این اتفاق در مجامع بانک‌های دولتی به درستی رعایت نمی‌شود و آنچه در مجامع این بانک‌ها رخ می‌دهد به یک دورهمی دولتی می‌ماند که بسیار از قواعد در آن نادیده گرفته می‌شود.

«آفتاب خاورمیانه» در گفت‌وگو با دو کارشناس
بانکی و ارزی بررسی کرد

فرجام بازار متشکل ارزی



فرداد احمدی

پژوهشگر حوزه علوم اجتماعی و اقتصاد

فروردین ماه سال ۱۳۹۷، اوضاع اقتصادی ایران آشفته شد. نرخ دلار که در سال ۹۶ کمتر از ۴ هزار تومان معامله می‌شد، ناگهان روند صعودی سریعی به خود گرفت و در مردادماه ۹۷ برای مدت محدودی در بازه قیمتی ۱۸ هزار تومان نیز مورد معامله قرار گرفت. تحت تاثیر نگرانی‌های سیاسی و آشفتگی دام‌گیر اقتصاد و ارز، اعتماد عمومی به مناسبات منطقی بازار سلب شد و مردم برای تبدیل کردن هر چه بیشتر دارایی‌های خود به ارز و دپوی آن در خانه‌هایشان به صرافی‌ها هجوم بردند که این مسئله مزید بر علت، روند نامتعادل شدن عرضه و تقاضای ارز را تشدید کرد و در تنور آشفته‌گی بازار دمید. در این میان برخی از دلالت ارز نیز که فرصت را مغتنم شمرده و از این موقعیت در جهت مال‌اندوزی خود استفاده کرده بودند، دستگیر و مجازات شدند. در ماه‌های بعد مسئله کمی فروکش کرد، اما اعتماد سلب شده از بازار، دوباره جلب نشد و هنوز هم حجم مبادلات ارزی بسیار بیشتر از سطح نیاز واقعی بازار برای واردات کالاها است. در چنین شرایطی بود که بانک مرکزی به فکر ابتکار عملی به نام «بازار متشکل ارزی» افتاد تا با استفاده از آن هم نظارت و کنترل خود بر بازار را فزونی دهد و هم از تعیین دستوری نرخ ارز که به اذعان بسیاری از کارشناسان یکی از عوامل مهم بی‌ثباتی بازار ارز است، دوری گزینند. در بحبوحه تشکیل بازار متشکل ارزی اما، بانک مرکزی جزئیات اجرای آن را به صورت قطره‌چکانی در اختیار افکار عمومی قرار می‌دهد. بنا بر اطلاع‌رسانی‌های عمومی قرار است، این بازار در تیرماه به صورت آزمایشی بازگشایی شود، اما هنوز سازوکار آن به صورتی شفاف اطلاع‌رسانی نشده است. «آفتاب خاورمیانه» به منظور آشنایی بیشتر با این سازوکار مالی با دو نفر از کارشناسان مرتبط مصاحبه انجام داده است. علیرضا عدالت، معاون امور بین‌الملل بانک خاورمیانه معتقد است که اگر بازار متشکل ارزی به صورت موفقیت‌آمیز اجرا شود، بانک مرکزی خواهد توانست سیاست کنترل و کاهش نرخ ارز را به دست خود «بازار متشکل ارزی» دنبال کند، زیرا در این بازار رقابت شکل می‌گیرد و می‌بایست منجر به کاهش نرخ‌های ارز نیز بشود. حامد داوودی، معاون امور معاملات و مالی شرکت

خدمات ارزی و صرافی خاورمیانه نیز بیان می‌کند که با تشکیل این بازار، دادوستد کنندگان تحت نظارت دقیق بانک مرکزی قرار می‌گیرند و از نظر روانی نیز اثرات مثبتی بر جلب اعتماد عمومی گذاشته خواهد شد، اما میزان واقعی اثرگذاری این سیاست را باید پس از گذشت چند ماه از شروع به کار مقدماتی آن و کارکرد بازار ارزیابی کرد.

بانک مرکزی اطلاعات کافی درباره اینکه بازار متشکل ارزی دقیقاً چیست ارائه ن داده است و هنوز دقیقاً مشخص نیست که مقصود و روش این بازار چگونه خواهد بود. به گفته حامد داوودی، آنچه از نظر تاریخی درباره تشکیل بازار متشکل ارزی می‌دانیم این است که در ۱۸ دی‌ماه ۱۳۹۷ و در جلسه ۱۲۶۴ شورای پول و اعتبار موضوع «بازار متشکل معاملات ارزی» مطرح شد و مورد تصویب قرار گرفت. در این مصوبه ذکر شد که به منظور ساماندهی و توسعه بازار شفاف، منصفانه و کارا، «بازار متشکل معاملات ارزی» تشکیل می‌شود تا ارزها در آن به صورت نقد مطابق مقررات این مصوبه و سایر مقررات مرتبط با آن در بستر الکترونیکی مورد معامله قرار گیرند. در نهایت در تاریخ ۲۹ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۸، شرکت سهامی خاص مدیریت بازار متشکل معاملات ارز ایران، با سهامداری شرکت‌های فرابورس، کانون صرافان ایرانیان، شرکت ملی انفورماتیک و کانون بانک‌های غیردولتی و موسسات اعتباری غیر بانکی ایرانیان به طور رسمی تاسیس شد. طبق وعده مدیرعامل بازار متشکل معاملات ارز، احتمالاً از ابتدای تیرماه بازار به صورت آزمایشی و به مدت سه ماه آغاز به کار خواهد کرد.

معاون امور بین‌الملل بانک خاورمیانه برآورد می‌کند که بازار متشکل ارزی چیزی مشابه بازار متشکل پولی (متعلق به ریال) است، با این تفاوت که بازار متشکل ارزی به ارز تعلق می‌گیرد. او اضافه می‌کند که در ایران مکانیسم دیگری به نام بازار ارزی بین بانکی نیز وجود دارد که بانک‌ها برای تحویل و تحولات ارزی بین خودشان از آن سود می‌برند.

سازوکار اجرایی

قیمت ارز در بازار متشکل ارزی بر اساس عرضه و تقاضا تعیین خواهد شد. به گفته داوودی طبق

اظهارنظر مدیرعامل این بازار، بانک مرکزی منابع ارزی کافی را برای آغاز به کار آن در نظر گرفته و صرافی‌هایی که در این بازار خرید و فروش عمده انجام می‌دهند باید با ۱ درصد بالاتر از نرخ روز بازار متشکل، نیازهای خرید ارزی را بر اساس فهرست مصارف بیست‌وچهارگانه پوشش دهند. این بازار، با اخذ مجوزهای لازم و وکالتی که از بازیگران خود می‌گیرد، امنیت به بازیگران می‌دهد که بر اساس آن، وجوه بین خریدار و فروشنده به صورت ضمانت‌یافته ردوبدل می‌شود.

داوودی ادامه می‌دهد: «این بازار قرار است در گام نخست، مبادلات ارزی میان صرافی‌ها را پشتیبانی کند؛ به نحوی که بانک مرکزی و صرافی‌های بزرگ که عمدتاً نقش عرضه‌کننده ارز را در اختیار دارند، با اعلام قیمت‌های خود یک موقعیت فروش را در این بازار متشکل خواهند داشت و از سوی دیگر، متقاضیان که عمدتاً صرافی‌های کوچک‌تر هستند، بر اساس این قیمت‌ها موقعیت خرید می‌گیرند. در این بازار بانک‌ها و صرافی‌های مجوزدار حضور دارند که باید مدارک لازم در خصوص حضور در این بازار را ارائه کنند. یکی از پیش‌نیازهای حضور در این بازار ارائه یک حساب ارزی و حساب ریالی به بانک مرکزی و اعطای مجوز برای برداشت از این حساب‌ها به منظور انجام معاملات ارزی است. در توضیح دریافت وکالت‌نامه از صراف‌ها، بانک مرکزی اعلام کرده که اگر متولی حساب‌ها نباشیم نمی‌توانیم امنیت معاملات را ضمانت کنیم. اگر امنیت نباشد فروشنده‌ای که در اول معاملات ارز خود را فروخته در صورت افزایش قیمت ارز در ساعات بعدی روز، ذبه می‌کند.»

بنا به گفته داوودی: «این بازار یک بازیگر بزرگ یعنی بانک مرکزی نیز دارد که بر حسب وظایف سیاست‌گذاری خود می‌تواند موقعیت خرید و فروش بگیرد. نرخ‌گذاری در این بازار به این صورت انجام می‌شود که سیستم، پیشنهادها را از سوی فروشنده‌گان را از پایین‌ترین قیمت به بالاترین و پیشنهادهای خرید را از بالاترین قیمت به پایین‌ترین می‌چیند. سپس مظنه‌ها توسط سیستم به یکدیگر مرتبط و با اولین معامله، قیمت ابتدای روز کشف خواهد شد. این روند معاملاتی دقیقاً مشابه سایر



معاملات بورسی انجام خواهد شد. نرخي که در بازار ارائه می‌شود نرخي است که بر اساس عرضه و تقاضا ایجاد شده و صرافی‌ها مجازند نرخ را تا ۱ درصد بالاتر از نرخ روز بفروشند. در صورتی که خرید ارز در روزهای قبل با نرخ بالاتر و یا پایین‌تر صورت گرفته شده باشد، باز هم فروش مطابق ۱ درصد بالاتر از نرخ همان روز بازار خواهد بود.»

چرا این بازار قابل اعتماد است؟

معاون امور معاملات و مالی شرکت خدمات ارزی و صرافی خاورمیانه توضیح می‌دهد که راهکار بانک مرکزی برای جلوگیری از ثبت نرخ‌های کاذب در این بازار تدوین آیین‌نامه معاملاتی از سوی بازیگران اصلی است. در آیین‌نامه ذکر شده است که به هیات مدیره بازار متشکل اجازه داده می‌شود نرخ را بر اساس نرخ بسته آخر وقت روز قبل با نوسان ۳ درصد تعیین کند.

همچنین، طبق آیین‌نامه‌هایی که برای بازار تدوین شده است، هر عضو بازار ۱۰ روز فرصت دارد تا ارزی که از بازار می‌خرد را بفروشد و در غیر این صورت باید مجدداً آن را به عنوان فروشنده در بازار عرضه کند و با این روش احتمال دپوی ارز منتفی خواهد شد. با توجه به اینکه ۳۲ بانک و ۳۲ صرافی بانکی و چند صد صرافی غیر بانکی به این بازار ورود می‌کنند، فضای رقابتی ایجاد شده در بازار باعث می‌شود که هر کسی بهترین سرویس را بدهد، مشتری بیشتری جذب کند.

داوودی یکی دیگر از دلایل اطمینان‌پذیری بازار متشکل ارزی را در دسترس نبودن آن برای عموم می‌داند. به گفته او افراد حقیقی نمی‌توانند در بازار متشکل ارزی خرید و فروش کنند، این افراد برای تامین نیاز ارزی خود باید مانند گذشته بر اساس فهرست مصارف بیست و چهارگانه به صرافی‌ها مراجعه کنند و تنها بانک‌ها و صرافی‌های مجاز قادر به اخذ کد خرید و فروش در این بازار هستند. قرار است آغاز به کار بازار متشکل ارزی با اسکناس و به صورت نقد انجام شود و حق عضویت سالانه برای اعضا ۲۵ میلیون تومان در نظر گرفته شده است. مدیرعامل بازار متشکل ارزی از افتتاح حساب ۷۰ صرافی تاکنون

خبر داده است و انتظار می‌رود تا آخر سال کلیه صرافی‌های مجوزدار به این بازار ملحق شوند.

چرا بورس شایسته ارز نیست؟

از نظر علیرضا عدالت، کلیت فلسفه تشکیل بازار متشکل ارزی از این قرار است که متقاضی و دارنده ارز بتوانند همانند آنچه به عنوان مثال در بورس فلزات می‌گذرد، دارایی ارزی یا نیاز ارزی خود را برای معامله بگذارند و برداشت کنند و معاملات نیز به صورت بین‌بانکی تسویه شود. در واقع، کاری که قرار است برای ارز انجام شود شبیه کاری است که بروکرها و کارگزاری‌های بورس برای سهام انجام می‌دهند. اما بنا بر آنچه حامد داوودی اظهار می‌کند، این بازار با بورس در این است که بورس بین عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان سرمایه ارتباط برقرار کرده، معاملات بازار سرمایه را تنظیم نموده و سرمایه لازم برای اجرای پروژه‌های دولتی و خصوصی را فراهم می‌آورد. در صورتی که هدف بازار متشکل ارزی کشف نرخ ارز بر اساس عرضه و تقاضا و ایجاد شفافیت در معاملات این بازار است و هدف آن ایجاد سرمایه و سرمایه‌گذاری نیست.

وی به نقل از امیر هامونی، مدیرعامل فرابورس بیان می‌کند که هیچ‌گونه معامله‌ای از بازار متشکل ارزی، در بازار سرمایه انجام نخواهد شد و فرابورس تنها سهامدار است. ساختار بازار متشکل ارزی، بر اساس مطالعات و بررسی‌های انجام شده در بانک مرکزی و جلسات کارشناسی شده با کانون صرافان تهیه شده و عملیات مدیریت بازار توسط تشکلی خودانتظام انجام می‌گردد.

چرا بانک مرکزی معاملات ارز را به بورس محول نمی‌کند؟ علیرضا عدالت، معاون امور بین‌الملل بانک خاورمیانه پاسخ می‌دهد که هر کالایی حتی اگر جنبه استراتژیک داشته باشد، به هر حال کالا است و بر اساس قاعده عرضه و تقاضا در داخل و همچنین با تاثیر و تاثر از بازار بین‌المللی در بورس معامله و قیمت‌گذاری می‌شود. اما در مورد ارز اگرچه ماهیت عرضه و تقاضا بر آن نیز مستولی است، ولی چون به استراتژی‌ها و امور سیاسی و نیز سیاست‌های پولی مرتبط است، عرضه آن در بورس کالا ممکن

است مشکل‌ساز شود. ارز سیاسی است چون به سیاست‌های بین‌المللی وابسته است و سیاستی است، چون به سیاست‌های بانک مرکزی برای کنترل ارزش پول و قیمت ارزها بستگی دارد. بانک مرکزی نگران است که اگر ارز در بورس کالا ارائه شود، شاید مناسبات پولی مملکت از کنترل خارج شود. به عنوان مثال، بانک خاورمیانه چند سال پیش طرحی مبنی بر عرضه ارز در بورس به بانک مرکزی پیشنهاد داد تا خود بانک مرکزی هم به عنوان مداخله‌گر بیاید و در بورس ارز را معامله کند. با این اقدام بازار از تعدد نرخ‌های می‌یافت و دارنده ارز، فروشنده، متقاضی یا خریدار همگی مشمول همان بازار تعریف شده برای مثلا فولاد می‌شدند. بانک خاورمیانه مکانیسمی برای این اقدام طراحی کرده بود که می‌توانست حتی بهتر از کارگزاری عمل کند. زیرا در این مکانیسم سیستم بانکی تسویه حساب‌ها را انجام می‌داد و بنابراین خلل یا خلای در معاملات پیش نمی‌آمد. اما بانک مرکزی در آن مقطع نمی‌توانست چنین سیاستی را اجرا کند، زیرا گرفتاری‌های مربوط به سیاست‌گذاری و کنترل بازار پولی از سوی بانک مرکزی از یک طرف و مسائل سیاسی و سیاست بین‌المللی از طرف دیگر به همراه مسئله تفکیک نیازها مانع از اجرای چنین سیاستی می‌شدند.

عدالت ادامه می‌دهد: «بانک مرکزی از فروردین ماه سال ۹۷ به خاطر جلب نظرات دولت چند بار ناچار به تغییر مسیر در سیاست‌هایش شد. از آنجا که مشکلات اقتصادی زیاد هستند، با اجرای صرفاً یک سیاست مانند عرضه ارز در بورس نمی‌توان بر همه آن‌ها غلبه کرد. تا زمانی که مردم ترجیح دهند که ارز خود را در خانه ذخیره کنند، عرضه ارز در بورس هم نمی‌تواند راهگشا باشد و زمانی که ارز به نرخ مناسبی عرضه می‌شود، باز هم عده‌ای آن را می‌خرند و در خانه ذخیره می‌کنند و آن واردکننده‌ای که نیاز به ارز دارد تا نیازمندی‌های مملکت را تامین کند، نمی‌تواند ارز مناسبی را از بورس تامین کند. بنابراین در شرایط فعلی اعمال برخی سیاست‌های کنترلی از سوی بانک مرکزی لازم است.»

حامد داوودی نیز درباره وجوه افتراق بازار متشکل ارزی و بورس می‌گوید: «بورس سازوکاری برای دادوستد کالا بر پایه انطباق سفارش‌های خرید و

فروش مشتریان با در نظر گرفتن اولویت قیمت و زمان است. اما در بازار متشکل ارزی که هدف آن شفافیت معاملات ارزی و کاهش سفته‌بازی است، نظارت‌ها و قوانینی وجود دارد که در بازار بورس متداول نیست. مثلاً هر عضو بازار ۱۰ روز فرصت دارد تا ارزی که از بازار می‌خرد را بفروشد و در غیر این صورت باید مجدداً آن را به عنوان فروشنده در بازار عرضه کند و این به دلیل جلوگیری از دپوی ارز توسط هر عضو بازار است. به طور مثال، به منظور امنیت معاملات در این بازار، همه خریداران و فروشندگان و بازیگران موظف هستند که دو حساب ریالی و ارزی را به مدیریت بازار متشکل ارزی معرفی کنند و به محض اینکه سفارش‌ها ثبت شد، ابتدا موجودی حساب طرف‌ها توسط سامانه کنترل می‌شود و در صورت تایید، طبق مجوزی که بازار از کلیه اعضا اخذ کرده است، معادل ارزی و ریالی سفارش ثبت شده از حساب‌های طرفین تا زمان تسویه معاملات مسدود می‌شود. چنین نظارت‌هایی در بازار بورس وجود ندارد.»

پیش تعیین شده؛ از جمله کوتاه کردن دست دلالتان بازار ارز و همچنین شفافیت معاملات راه‌اندازی می‌شود. این بازار در اکثر کشورهای در حال توسعه به طور موفق راه‌اندازی و اجرایی شده است. مدل کلی بازار به نحوی طراحی شده است که در فاز اول، معاملات نقدی ارز (اسکناس) راه‌اندازی و سایر روش‌های معاملات ارزی در مراحل بعد گسترش می‌یابد. داوودی یکی از مهم‌ترین اهداف راه‌اندازی بازار متشکل ارزی را تبدیل شدن آن به مرجعی برای کشف نرخ و نرخ‌گذاری معرفی می‌کند؛ به گونه‌ای که بانک مرکزی مرجع تعیین نرخ ارز در کشور شود، نه بازارهایی نظیر دوبی، هرات و یا سلیمانیه. بدین صورت که اولین معامله‌ای که هر روز صبح در بازار متشکل ارزی انجام می‌شود، نرخ ارز را تعیین کند. به این ترتیب نرخ ارز بر اساس عرضه و تقاضا تعیین و امکان مداخله در نرخ‌گذاری از جانب کشورهای نظیر امارات و عراق وجود نخواهد داشت.

هدف دیگر از راه‌اندازی این بازار، «ساماندهی بازار ارز» است. هدف دولت این است که این بازار را به مرجعی

ترجیح می‌دهند آن را به بانک‌ها بسپارند و از بازدهی آن بهره‌گیرند. اگر بازار متشکل ارزی بتواند تب بازار ارز را تسلی دهد و انتظارات مردم از دو یا چند برابر شدن نرخ ارز از بین برود، می‌توان گفت بازار متشکل ارزی موفق عمل کرده است. در آن صورت جذابیت ارز به عنوان سرمایه‌ای که باید ذخیره شود از بین می‌رود و در بازار سرازیر شده و این نیز به سادگی به کاهش نرخ‌ها کمک خواهد کرد. از نظر عدالت، اگر بازار متشکل ارزی به صورت موفقیت‌آمیز اجرا شود، در مرحله بعدی بانک مرکزی می‌تواند سیاست کنترل و کاهش نرخ ارز را دنبال کند و نکته مثبت در اینجاست که این سیاست‌ها نه مستقیماً از طرف بانک مرکزی، بلکه به دست خود بازار متشکل ارزی صورت می‌گیرد. زیرا در این بازار رقابت شکل می‌گیرد و می‌بایست منجر به کاهش نرخ‌های ارز نیز بشود. عدالت اضافه می‌کند که در حال حاضر نیاز به ارز برای مبادله کالایی اصلاً قابل قیاس با چنین حجم خریدی که اکنون در بازار ارز صورت می‌گیرد نیست و نیاز واقعی به ارز به مراتب کمتر از حجم کنونی مبادلات آن است. این امر نشان دهنده ضرورت داشتن سیاست جدیدی مثل بازار متشکل ارزی برای ساماندهی بازار است.

حجم معاملات

داوودی به نقل از مدیرعامل بازار متشکل معاملات ارز بیان می‌کند که حجم مبنای برای سه ماهه اول شروع به کار بازار، روزانه ۲ میلیون دلار در روز است و اولین مقدار خرید حداکثر ۱۰۰ هزار یورو و ۱۰۰ هزار دلار خواهد بود. در ادامه روز نیز مابه‌التفاوت خرید و فروش‌های هر عضو حداکثر ۱۰۰ هزار (برای هر واحد ارز) باید باشد. کارمزد معاملات نیز ۲ در هزار (یک در هزار معاملات به علاوه یک در هزار تسویه) در نظر گرفته شده است که به صورت ریالی تسویه می‌شود. در جزئیات «بسته سیاستی نحوه برگشت ارز حاصل از صادرات» بانک مرکزی تشریح شده است که حداقل ۶۰ درصد از ارز صادراتی پتروشیمی‌ها و ۵۰ درصد از ارز سایر محصولات صادراتی باید در سامانه «نیما» عرضه شوند و حداکثر ۱۰ درصد از ارز پتروشیمی‌ها و ۴۰ درصد از ارز دیگر صادرکنندگان می‌تواند به صورت اسکناس در بازار عرضه شود. به نظر داوودی، با شروع به کار بازار متشکل ارزی، این بخش از فروش می‌تواند از طریق عرضه صرافی‌ها در بازار انجام گیرد.

به منظور درک بهتر از حجم معاملات ارزی، داوودی متذکر می‌شود که در حال حاضر ارز مورد نیاز برای تنها سه ماه تامین مواد غذایی کشاورزی وارداتی ایران به رقم‌های میلیارد دلاری می‌رسد. این در حالی است که بازار نیز تشنه ارز است.

باز هم ابزاری برای سرکوب ارز؟

بحث دخالت دولت و تعیین دستوری نرخ ارز در سال‌های مختلف مورد انتقاد عده زیادی بوده است که نمونه بارز آن تعیین نرخ ۴۲۰۰ تومانی برای دلار در فروردین‌ماه سال ۹۷ بود. در آن زمان سایر



اهداف تشکیل بازار متشکل ارزی

به منظور سروسامان دادن به وضعیت ارزی کشور، بانک مرکزی بارها سیاست‌هایی مانند تزریق ارزهایی با نرخ‌هایی پایین‌تر از نرخ آزاد را به کار برده است. اما اتفاقات فروردین‌ماه سال ۹۷ ثابت کرد که بازار نیازمند ابزار جدیدی است. به گفته عدالت، هرچند ارز مداخله‌ای و ارزهای با قیمتی بین بازار دولتی و نرخ آزاد در موارد متعددی توانسته‌اند قیمت‌ها را بشکنند، اما مسئله چندگانگی نرخ‌ها و نیز دپوی شدن ارز توسط مردم همچنان بدون راه‌حل باقی مانده است. بنابراین بازار متشکل ارزی با اهداف از

برای تعیین مبنای نرخ ارز تبدیل کند. هر چند که این بازار شبیه به بورس نیست، اما معاملات به صورت برخط انجام می‌شود تا در یک بستر کاملاً شفاف نرخ ارز کشف شود. به گفته داوودی، با وجود آنکه برای بازار متشکل ارزی ماموریت‌های متعددی تعریف شده است، اما آنچه در اولویت قرار دارد، تعادل بخشیدن به بازار و کوتاه کردن دست دلالتان در نرخ‌گذاری ارز است و تصمیم بر آن است که افرادی که در این بازار فعالیت می‌کنند و مجوز نیز دارند، تحت نظارت و رصد دقیق بانک مرکزی گرداننده اصلی بازار شوند.

عدالت معتقد است که اگر بازار ثبات پیدا کند و مردم مطمئن شوند که نرخ ارز قرار نیست بالاتر برود، طبعاً

داوودی یکی از مهم‌ترین اهداف راه‌اندازی بازار متشکل ارزی را تبدیل شدن آن به مرجعی برای کشف نرخ و نرخ‌گذاری معرفی می‌کند؛ به گونه‌ای که بانک مرکزی مرجع تعیین نرخ ارز در کشور شود، نه بازارهایی نظیر دوبی، هرات و یا سلیمانیه.

نرخ‌ها غیرقانونی اعلام شد، ولی قیمت دلار در بازار غیررسمی ۲۰ هزار تومان هم پیش رفت. داوودی توضیح می‌دهد که دولت دلان خیابانی و کانال‌های نرخ ارز را عامل عمده‌ای در بی‌ثباتی بازار می‌داند، در حالی که در روزهای پرتلاطم ارزی عموماً تقاضا بالا می‌رود و عرضه کافی نیست و در چنین روزهایی اختلاف نرخ ارز در بازار غیررسمی با نرخ‌های رسمی افزایش می‌یابد. بنابراین دولت امیدوار است که با راه‌اندازی بازار متشکل ارزی، نرخ اعلامی توسط کانال‌های مرتبط با بازار غیررسمی را حذف کرده و نرخ‌های جدید بازار متشکل را به عنوان مبنا جایگزین آن کند.

از نظر علیرضا عدالت، معاون امور بین‌الملل بانک خاورمیانه «بانک مرکزی به دنبال سرکوب ارزی نیست و با توجه به داشته‌ها و نداشته‌هایش سعی در کنترل ارز دارد. برخی اوقات سیاست‌های کنترلی بانک مرکزی برای ارز به سرکوب نرخ تلقی می‌شود، اما باید توجه داشت که رفتار بانک مرکزی دو جنبه دارد. یکی هماهنگ شدن با وضعیت بازار است. یعنی اینکه این نهاد نیز تلاش می‌کند در جهت ساماندهی و کاهش تنش در بازار (که اغلب به شوک‌های غیرقابل کنترل نوسانات ارزی منجر می‌شود) موضع‌گیری کرده و فعالانه وارد عمل شود.»

وی در ادامه می‌افزاید: «دوم اینکه سیاست بانک مرکزی، جذب منابع و درآمدهای ارزی مملکت و تزریق آن به بازار است. پیش از فروردین سال ۹۷ هر کسی می‌توانست ارز را از بازار خریداری و کالا وارد کشور کند، اما بعد از این تاریخ برای ثبت سفارش واردات کالا، مکانیسم‌هایی به وجود آمد. اکنون خوشبختانه در واردات نظم برقرار شده و هیچ کالایی نمی‌تواند وارد کشور شود مگر آنکه از قبل ثبت سفارش شده باشد. بدین معنا که هر کالایی که بخواهد وارد مملکت شود، شناسایی می‌شود و مشخص می‌گردد که چه کسی چه کالایی وارد کرده و یا می‌خواهد وارد کند. اما در صادرات مشکلی وجود دارد که هنوز هم حل نشده است. البته شاید بانک مرکزی بتواند با بازار متشکل ارزی آن را حل کند. مشکل این است که پول ناشی از صادرات به راحتی به کشور باز نمی‌گردد. بانک مرکزی تلاش می‌کند نظامی را فراهم کند که هرکسی بتواند ارز را به راحتی بخرد و بفروشد. فرض بانک مرکزی این است که زمانی که ارز به صورت بورسی ارائه شود، برای صادرکننده تکلیف روشن می‌شود که مثلاً اگر ارز در بازار آزاد ۱۴ هزار ۷۰۰ تومان باشد، او می‌تواند در بازار متشکل ارزی ۱۴ هزار ۶۲۰ تومان بفروشد که هم کار صادرات خود را پیش برده است و هم به راحتی تعهدات قانونی خود را در بازاری شفاف و بدون حاشیه ایفا نموده است.»

اثرات مثبت این بازار

علیرضا عدالت با ابراز خوش‌بینی به اثرات بازار متشکل ارزی اعتقاد دارد که بانک مرکزی می‌تواند بخش مهمی از اهداف خود را با تشکیل این بازار محقق کند. به نظر او اگرچه سازوکار بازار متشکل ارزی هنوز کاملاً

مشخص نیست، اما در هر صورت می‌تواند تاثیرگذار باشد و مردم را وادار به آوردن ارز خود در بازار کند. وقتی این بازار تکلیف نرخ ارز را مشخص کند و موجب ثبات در بازار ارز شود، خود به خود تحت تاثیر عرضه و تقاضا از تمایل مردم به جمع‌آوری ارز نیز کاسته خواهد شد. عدالت پیامدهای مثبت بازار متشکل ارزی برای اقتصاد ایران را در تسهیل در تامین و خرید ارز توسط واردکنندگان، امکان عرضه ارز توسط اشخاص حقیقی و حقوقی شامل صادرکنندگان و سرمایه‌گذاران خارجی و همچنین امکان ضبط و نگهداری ارز توسط بانک‌های حاضر در بازار به عنوان ذخایری برای عرضه در زمان‌های مصرف می‌بیند.

از نظر حامد داوودی نیز به طور قطع راه‌اندازی بازار متشکل ارزی در ابتدا از نظر روانی بر قیمت‌ها اثرگذار خواهد بود و باعث بروز سکنه‌ای در بازار می‌شود و احتمالاً قیمت‌ها کاهش پیدا می‌کنند. با این حال، وی معتقد است که اثرگذاری این سیاست در کنترل قیمت‌ها را باید پس از گذشت چند ماه از شروع به کار مقدماتی آن و کارکرد بازار ارزیابی کرد.

پیامدهای پیش‌بینی نشده

می‌توان انتظار داشت که هر سیاستی با پیامدهای پیش‌بینی نشده‌ای هم روبرو خواهد شد. در رابطه با بازار متشکل ارزی یکی از خطراتی که احتمال بروز پیامدهای پیش‌بینی نشده را بالا می‌برد، پیروی نکردن اقتصاد ایران از اصول اقتصادی معمول است. عدالت در همین راستا می‌گوید که پیش‌بینی‌های کارشناسان از اثرات بازار متشکل ارزی بر بازار ارز ایران مبتنی بر اصول حاکم بر اقتصاد و بازار هستند، اما همیشه عوامل دیگری هم در بازار ایران دخیل بوده‌اند. اگر بانک مرکزی و باقی عناصر اثرگذار بر بازار به صورت هماهنگ به دنبال اهدافی باشند که بیان شده، آن اهداف به دست خواهند آمد، اما اگر بانک مرکزی یا سایر عناصر موثر اهداف دیگری را مد نظر داشته باشد، نتیجه متفاوت خواهد بود. داوودی نیز همین نظر را دارد. وی به سخنان برخی از کارشناسان استناد می‌کند که معتقدند سیاست راه‌اندازی بازار متشکل ارزی از لحاظ تئوری کاملاً درست و منطبق بر اصول اقتصاد است، اما مسئله بر سر نحوه اجرای این سیاست است و اینکه مدیران اقتصادی تا چه حد قدرت اجرایی داشته باشند. ■



داوودی با بیان اینکه پیش از ایده شکل‌گیری بازار متشکل ارزی، نگاه تمام‌بازاری‌ها به بازارهای دبی و سلیمانیه بود، اظهار می‌کند که با راه‌اندازی این بازار، بانک مرکزی بنا دارد که نقش این بازارها را در تعیین نرخ ارز به حداقل ممکن برساند. وی معتقد است که اجرای درست اهداف بازار متشکل ارزی به دو عامل بستگی دارد. اول اینکه بانک مرکزی تا چه حد بتواند دست صرافی‌های خرد را در تعیین قیمت‌ها ببندد و عامل دوم اینکه تا چه میزان از ذخایر ارزی خود را صرف اجرای این طرح کند. به طور قطع تحقق این دو عامل می‌تواند در اجرای سیاست‌های بانک مرکزی نقشی تعیین‌کننده داشته باشند.

اگر بازار متشکل ارزی به صورت موفق‌آمیز اجرا شود، در مرحله بعدی بانک مرکزی می‌تواند سیاست کنترل و کاهش نرخ ارز را دنبال کند و نکته مثبت در اینجاست که این سیاست‌ها نه مستقیماً از طرف بانک مرکزی، بلکه به دست خود بازار متشکل ارزی صورت می‌گیرد. زیرا در این بازار رقابت شکل می‌گیرد و می‌بایست منجر به کاهش نرخ‌های ارز نیز بشود.

بررسی ادغام بانک‌های نظامی



زهرا رسول پور فرزین

متصدی امور بانکی شعبه تبریز • بانک خاورمیانه

فرآیند ادغام بانک‌های وابسته به نیروهای مسلح (بانک‌های انصار، قوامین، حکمت ایرانیان، مهر اقتصاد و مؤسسه اعتباری کوثر) در بانک سپه بر اساس مصوبات شورای پول و اعتبار و شورای عالی هماهنگی اقتصادی (سرا) سه قوه) از اسفند ماه سال گذشته آغاز شده و بر اساس برنامه‌های جامع، هماهنگ و مؤثر در مسیر اصلاح نظام بانکی کشور و ساماندهی بازار پول در حال انجام است. در چند سال اخیر شرایط اقتصادی کشور متأثر از تحولات اجتماعی و اقتصادی داخل و آثار اقدامات ناشی از تحریمها و تحولات اقتصادی و اجتماعی کشورهای منطقه و جهان، اقتصاد کشور بارکود بی‌سابقه روبرو شده است، با توجه به شرایط اقتصادی، ضروری است که بانکها با هدف بهبود کیفیت، افزایش کارایی و اصلاح ساختار مالی و شاخص‌های سلامت بانکی، ادغام گردند.

در همه کشورها بانک‌ها نقش بسزایی در تامین منابع مالی و ارائه خدمات مالی دارند. بانک‌ها از طریق اعطای تسهیلات و پذیرش سپرده‌ها، نقش مهمی را در اقتصاد ایفا می‌کنند. کانون توجه بانک‌ها همواره بر چگونگی کاهش هزینه‌های اداری، ارائه ترکیبات گسترده‌ای از خدمات و افزایش توان خود برای رقابت با بانک‌های داخلی و بین‌المللی است. یکی از روش‌های توسعه و افزایش کارایی، ادغام است. ادغام در صورتی که صحیح انجام شود، نتایج مالی و غیرمالی چشمگیری به همراه خواهد داشت. معمولاً ادغام‌ها هنگامی اعمال می‌شوند، که بانک‌ها درتأمین هزینه‌های خود با مشکل مواجه بوده و یا آنها در اندازه‌ای عمل کنند، که از صرفه مقیاس برخوردار نبوده و یا از توانایی‌های مدیریتی کمتری بهرمنند باشند. در چنین وضعیتی بانک‌ها تصمیم به ادغام با بانک‌هایی می‌گیرند، که بتوانند این نواقص را برای آنها پوشش دهند. از اینرو در سراسر جهان ادغام‌های بانکی برای برخورداری از مزایای صرفه‌های به مقیاس و توان بالای مدیریتی و با هدف نجات بانک‌ها از ورشکستگی انجام شده است. افزایش قدرت بازاری، کاهش هزینه‌ها، ایجاد بهبود در تنوع ریسک، دستیابی به صرفه‌های مقیاس از جمله دلایل ادغام می‌باشند.

ادغام به مفهوم ترکیب دو یا چند بنگاه است و مانند یک تصاحب است، به گونه‌ای که بنگاه تملک‌کننده مسئولیت‌داری و تعهدات بنگاه یا بنگاه‌های تملک‌شده را بر عهده گرفته و همچنین با تملک یک بنگاه یا بانک، همپوشانی بین بخش‌ها صورت می‌گیرد. سه نوع ادغام وجود دارد. ادغام عمودی، ادغام افقی و ادغام نامرتب. بانک‌ها در گروه ادغام‌های افقی است. زیرا در بیشتر موارد بانک‌ها علاوه بر دستیابی به کارایی هزینه، برای افزایش قدرت بازاری نیز با یکدیگر ادغام می‌شوند. صنعت بانکداری در سراسر جهان، تعداد بیشمار ادغام را تجربه کرده است. ادغام‌های بانکی ابتدا در سال ۱۹۸۰ در کشورهای نظیر آلمان، ایتالیا و آمریکا آغاز شد؛ که از نظر سیاست‌گذاران، هدف از آن نجات بازار از رکود اقتصادی بود؛ که در آن زمان بر کشورها حاکم بود. در طول زمان بانک‌های زیادی در آمریکا با یکدیگر ادغام شده‌اند؛ که بیشتر آنها در دوره‌های رکود اقتصاد آمریکا، یعنی در ۲ بحران

سال‌های ۲۰۰۸ و ۱۹۹۸ رخ داده است؛ بطوری‌که در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ شاهد ادغام بانکی به ارزش ۸۲ میلیارد دلار در آمریکا بوده‌ایم. یکی از بزرگترین ادغام‌های بانکی در این دوره رخ داد، خرید Merrill Lynch توسط Bank of America در سال ۲۰۰۸، به مبلغ ۵۰ میلیارد دلار بود.

مهمترین دلیل ادغام بانک‌ها در ژاپن، طی سال‌های ۱۹۹۰-۲۰۰۴، بحران مالی، پایین آمدن سلامت بانک‌ها و کاهش تمرکز بازار بوده است. یکی از ادغام‌های مهم که منجر به تشکیل بزرگترین بانک ژاپن BTMU شده است، حاصل ادغام بانک‌های توکیو، میتسوبیشی و هلدینگ UFJ در سال‌های ۱۹۹۶، ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶ میلادی بوده است.

نظام بانکی در کشور کره جنوبی در حال حاضر از نظر شاخص‌های سلامت بانکی در جهان از رتبه بالایی برخوردار است. این کشور پس از تجربه رکود اواخر دهه ۱۹۹۰ و تجربه نرخ رشد اقتصادی منفی ۵/۷۱ درصد در سال ۱۹۹۸، توانست به نحو مطلوبی اقتصادش را بهبود دهد. ادغام بانک‌ها و اصلاحات گسترده مالی در کره، در این سال‌ها صورت گرفت، که در نتیجه آن نرخ رشد اقتصادی کره جنوبی در سال ۱۹۹۹ افزایش یافت.

در اوایل دهه سال‌های ۱۹۸۰، کشورهای اسپانیا و شیلی به مشکلات سیستماتیک بانکی دچار شدند. مشکلات اسپانیا با افزایش قیمت نفت در سال‌های ۱۹۷۰ شروع شد. در شیلی به دلیل افزایش نرخ بهره ایالات متحده رکود شدیدی به وجود آمد. هر دو کشور اسپانیا و شیلی اصلاح ساختار نظام بانکی خود را به طور جامع در سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۸۳ آغاز کردند. در شیلی بانک مرکزی ۱۴ تا ۲۶ بانک تجاری و ۸ شرکت از ۱۷ شرکت مالی خصوصی داخلی را منحل کرد. هر دو کشور در نهایت توانستند با تقویت نظارت بانکی به ترمیم سلامت نظام بانکی خود بپردازند.

بهم پیوستن بانک‌ها در کنیا نیز به عنوان پایان بانکداری روزنه‌ای بود. دلیل اصلی ادغام بانک‌ها در کنیا افزایش اندازه بانک‌ها، رسیدن به سهم بازار بیشتر، برای بالابردن استانداردهای خدماتی، نوآوری در تنوع سپرده‌های خود، کم کردن هزینه‌ها و حرکت به سمت کم کردن تعداد بانک‌ها بوده است. بانک تجاری آفریقا، اولین بانک آمریکایی کنیا



خدمات رسانی و جذب اعتماد عمومی مردم است و مورد دیگری که با تأکید بسیار زیاد وزیر امور اقتصاد و دارایی و کارشناسان اقتصادی روبه‌روست، کاهش تعداد شعب بانک‌ها در سطح کشور است. طبق نظر کارشناسان، موضوع ادغام بانک‌ها در کشور زمانی می‌تواند موثر باشد که همزمان اصلاح ساختار نظام بانکداری به صورت موازی شکل بگیرد. تا زمانی سبب پورتفوی بانکداری در کشور با ترانزنامه‌های بین‌المللی قابل موازنه نباشد، ریسک سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در ایران همچنان بالا خواهد بود. امید است این اقدام دولت منجر به بهبود در سلامت مالی کشور، ارائه خدمات بهتر به مشتری، بهبود فرهنگ سازمانی بانک و افزایش سرمایه بانک گردیده و باعث تسهیل حضور و نقش آفرینی در عرصه فعالیت‌های داخلی و بین‌المللی و خروج از بحران مالی کشور گردد. ■

از ترانزنامه بانک مسموم خارج شده و به ترانزنامه یک نهاد خاص (نهاد واسط) منتقل می‌شود. مالکیت این نهاد خاص به طور کامل یا بخشی از آن در اختیار دولت می‌باشد؛ بدین ترتیب بین نهاد مدیریت دارایی مسموم (بانک بد) و بانک عاری شده از دارایی مسموم چه از لحاظ ساختار سازمانی و چه از لحاظ عملکردی مرز مشخصی ترسیم می‌گردد.

نمونه‌هایی که در این مقاله، در زمینه روش‌های مختلف خروج بانک‌ها از تنگناهای ناشی از وضعیت‌های نامساعد اقتصادی از جمله رکود، بحران و... در بنگاه‌های تولیدی و عدم امکان بازپرداخت تسهیلات اعطایی و در نتیجه انجماد دارایی‌ها و انباشت وثایق تملیکی درج گردیده است، این ذهنیت را فراهم می‌آورد که برای تغییر در وضعیت نامطلوبی که در سیستم بانکی کشور بوجود آمده است، می‌توان با توجه به مشخصه‌های ساختاری هر یک از بانک‌های مشکل‌دار، راه‌حل‌هایی اندیشید. تدبیر و اعمال سیاست در وضعیت فعلی تمامی بانک‌ها در ایران، ضرورتی حیاتی و منطبق با خواسته مردم و هم‌جهت با سیاست‌های اقتصادی کشور می‌باشد. بطوریکه از بررسی ادغام و تملک بانک در ایران و کشورهای پیش‌گفته می‌توان نتیجه گرفت، در حال حاضر مشخصات حقوقی و مالکیتی بانک‌ها، موسسات اعتباری و شرکت‌های تعاونی اعتبار موجود در ایران بعد از انقلاب با مشخصات حقوقی بانک‌ها، موسسات اعتباری و شرکت‌های تعاونی در حال حاضر کاملاً متفاوت است. از سوی دیگر وضعیت ساختار مالی بانک‌ها نیز با دارا بودن دارایی‌های سمی و منجمد و داشتن سپرده‌های هزینه‌زا و شاخص‌ها و نسبت‌های مالی نامناسب در وضعیت مطلوب نبوده و از ساختار ناسالمی برخوردارند. لذا ضرورت ایجاد می‌کند موضوع ادغام بانک‌ها و اصلاح ساختار مالی آنها را جدی گرفته و از لحاظ شکل حقوقی کاملاً بررسی گردد.

ادغام بانک‌های نظامی در بانک سپه، باعث افزایش سرمایه و تقویت آنها شده و با افزایش کفایت سرمایه منجر به ایجاد یک بانک قوی‌تر می‌گردد. البته باید توجه داشت، که با ادغام بانک‌ها افراد و مدیران بهتری مسئولیت‌ها را می‌پذیرند. یکی از دلایل اصلی این ادغام، سهولت در روند

را تصاحب کرد دلیل ادغام و تملیک در کنیا، حرکت به سمت بانک‌های بزرگتر و دستیابی به سهم بازار بیشتر است. در واقع ادغام و تملیک، روشی سریع در دستیابی به اهداف استراتژیک بانک‌ها است. دلیل دیگر ترکیب بانک‌ها، رشد بیشتر درآمدی، سودآوری بیشتر و بالابردن بازدهی دارایی و بازدهی حقوق صاحبان سهام است. بانک‌های بزرگتر ارزش حقوق صاحبان سهام بیشتر و وفاداری بیشتری دارند. انتظار این است که ترکیب بانک‌ها ثبات بیشتر و حرکت بهره‌وری به سمت بخش‌های کارا تر را به دنبال داشته باشد. بانک‌های بزرگ شوک‌های ناشی از بحران‌های مالی را بهتر تحمل می‌کنند.

روش Fence off (تأسیس بانک بد) جهت سم‌زدایی دارایی‌های سمی بانک‌ها

همانطور که گفته شد یکی از اهداف ادغام، جلوگیری از رشد دارایی‌های بد می‌باشد. واژه دارایی سمی^۴ برای اولین بار بعد از بحران مالی سال ۲۰۰۸ وارد ادبیات اقتصادی شد. این گونه دارایی‌ها نقدشوندگی بسیار پایینی در بازار دارند و به دلیل نبود تقاضا، بازار ثانویه‌ای برای معامله آن‌ها نیز وجود ندارد. وجود برخی از آن‌ها در ترانزنامه بانک‌ها، باعث زیان‌ده شدن بانک‌ها می‌شود. بنابراین لازم است این گونه دارایی‌ها سم‌زدایی گردند و از حالت انجماد و بلوکه شدن خارج شود. در تعریف اتحادیه اروپا، هر کدام از دارایی‌ها که حداقل یکی از سه ویژگی زیر را داشته باشند، در طبقه دارایی‌های سمی و منجمد قرار می‌گیرند:

۱. قیمت ذاتی دارایی بسیار بیشتر از قیمت بازار آن باشد.
۲. ممکن است قیمت بازار دارایی در حال حاضر پایین‌تر از قیمت ذاتی آن نباشد، اما انتظار می‌رود دارایی مذکور در آینده منجر به زیان شود.
۳. ممکن است ارزش فعلی و آتی دارایی زبان آور نباشد، اما وجود این گونه دارایی‌ها در ترانزنامه بانک‌ها، هزینه تأمین مالی آن‌ها را افزایش دهد. نگاهی به تجربه کشورهای مختلف در خصوص سم‌زدایی دارایی‌های سمی بانک‌ها نشان می‌دهد، که متعارف‌ترین روش برای رکودزدایی این گونه دارایی‌ها، تشکیل بانک بد^۵ یا روش Fence off می‌باشد، در این روش دارایی‌های سمی بانک مزبور

توضیحات

۱. مفهومی در اقتصاد خرد است؛ به این معنا که با افزایش حجم تولید، هزینه متوسط تولید هر واحد کالا کاهش می‌یابد.
۲. قدرت بازاری (انحصاری) عبارت است از، توانایی بنگاه در تثبیت قیمت در سطحی بالاتر از هزینه نهایی، به شرطی که سهم بازار خود را به طور اساسی از دست ندهد.
۳. متنوع سازی یک روش مدیریت ریسک است؛ که انواع مختلفی از سرمایه‌گذاری‌ها را در یک پرتفوی ترکیب می‌کند. مجموعه‌ای از انواع مختلف سرمایه‌گذاری‌ها، به صورت معمول، سود بالاتری تولید خواهد کرد و ریسک کمتری از هر سرمایه‌گذاری در یک پرتفوی به همراه خواهد داشت.

4. Toxic asset

5. Bad Bank

منابع:

- ۱- گزارش از تجربه ادغام بانک‌ها در ایران و جهان، کانون بانک‌ها و موسسات اعتباری خصوصی
- ۲- عیسی‌زاده سعیدو مظهری‌آوا، مریم، «بررسی ادغام بانک‌ها بر کارایی صنعت بانکداری در ایران» گروه آموزشی اقتصاد، دانشگاه بوعلی سینا
- ۳- روزنامه دنیای اقتصاد



سرقت داده‌ها
بدون اتصال
به شبکه

۲۸

قصه‌مردپیشرو
صنعت
مواد غذایی ایران

۲۷

در جست‌وجوی
زمان
از دست‌رفته

۲۲

بنشین بر لب جوی و گذر عمر ببین

زمان شاید پیچیده‌ترین و در عین حال ساده‌ترین مفهوم دنیا باشد. مفهومی که ذهن بسیاری از فیلسوف‌ها و فیزیکدان‌های دنیا را در طول تاریخ به خود مشغول کرده است اما بدون تفکر در هستی‌شناسی آن نیز می‌توان آن را زندگی کرد. ابتدا با ابزار اندازه‌گیری زمان یعنی ساعت و بعدتر با صنعتی شدن جوامع و گره خوردن ساعت با میزان تولید ثروت، مفهوم زمان نیز در اذهان مردم تغییر کرد. در این پرونده تلاش کرده‌ایم ربط بین کار و زمان و تاثیر زمان در رضایت مشتری را کنکاش کنیم. در دو مطلب دیگر نیز به معرفی یک کارآفرین موفق و درباره شیوه‌های جدید سرعت داده پرداخته‌ایم. این دو مطلب هر چند به مفهوم زمان ارتباط مستقیمی ندارند؛ اما یکی گذشته را یادآوری و دیگری آینده را ترسیم می‌کند.

عکس: تحریریه آفتاب خاورمیانه

۳۰

ما صبر نمی‌کنیم

در جست و جوی زمان از دست رفته

چرا همه آن قدر مشغول هستند؟

فقر زمان مشکلی است که بخشی از آن از ادراك و بخشی از آن از توزیع ناشی می شود



مترجم: نادى صبوری

در شرکت‌های بزرگ «مشکل ابدی ازلی کمبود وقت» مدیران اجرایی را در تمام دنیا درگیر کرده است و این مشکل در سال‌های اخیر حادث‌تر هم شده است.

چرا مردم اغلب حس می‌کنند که باید خیلی عجله داشته باشند؟ بخشی از این به مشکل ادراك برمی‌گردد.

به طور متوسط در کشورهای ثروتمند، مردم اوقات فراغت بیشتری نسبت به آنچه در گذشته داشتند، دارند. این به خصوص درباره اروپا کاملاً صدق می‌کند. اما در امریکا نیز اوقات فراغت نسبت به سال ۱۹۶۵ که نظرسنجی ملی استفاده از زمان برگزار شد، تکان‌هایی خورده است.

پولی که امروز به نیروی کار مرد امریکایی که کار بدنی سخت دارند پرداخت می‌شود معادل همین دستمزد با ۱۲ ساعت کار بیشتر در ۴۰ سال قبل است، سقوطی که رقم ساعت آن با در نظر گرفتن زمان صرف شده بین خانه و محل کار و گپ‌وگفت‌های بین کار محاسبه شده است.

ساعات کار مزدی زنان البته در این دوران افزایش یافته اما ساعاتی که آن‌ها در کارهای بدون مزد مانند آشپزی و نظافت صرف می‌کنند به لطف ماشین‌های ظرف‌شویی و لباس‌شویی، ماکروویوها و دیگر وسایل خانگی مدرن و این واقعیت که مردها مقداری بیش از قبل خود را به سمت کارخانگی برده‌اند، کاهش شدیدی یافته است.

پیش‌بینی‌ها شبیه قول هستند، مثل وقتی جان مینارد کینز در سال ۱۹۳۰ در «نوادگان ما» نوشت که در آینده ساعات کاری کوتاه و تعطیلات طولانی خواهند بود. او آن موقع محاسبه کرد که ساعات کاری در آینده ۳ ساعت در روز و احتمالاً «انتخابی» خواهند بود. همین حالا پیشرفت‌های اقتصادی و پیشروی‌های تکنولوژی ساعات کاری را نسبت به روزهایی که کینز در آن می‌زیست، به شدت کاهش داده است و دلیلی ندارد که بخواهیم بپذیریم این روند ادامه نخواهد یافت. اتومبیل‌های مجهز به آخرین و عجیب‌ترین تکنولوژی‌های روز و ابزارهای صرفه‌جویی در زمان که بیش از هر وقت دیگری در دسترس بشر قرار گرفته است، سرعت بیشتر و نیاز کمتر به سخت کار کردن را فراهم کرده‌اند. روانشناسان اجتماعی نگران و مضطرب شروع کردند به پرسیدن اینکه: دقیقاً مردم قرار است با ساعات خالی‌شان چه کار کنند؟

* این مطلب ترجمه مقاله "In search of lost time, Why is everyone so busy?" است که در نشریه "The Economist" در سال ۲۰۱۴ به چاپ رسیده است.



مردم را در حالی که انگار همیشه عجله دارند باقی می‌گذارد. ویلیام جیمز در شاهکار سال ۱۸۹۰ «اصول فلسفه» می‌نویسد که «به نظر می‌رسد که احساس ما به زمان، از قانون تضاد پیروی می‌کند». وقتی که مردم به زمان خود از منظر پول نگاه می‌کنند، به طرز خستگی‌ناپذیری نسبت به حالت‌های دیگر، تلاش می‌کنند تا استفاده حداکثری از آن داشته باشند. کارگرانی که دستمزدشان به آن‌ها ساعتی محاسبه می‌شود، زمان کمتری را برای خودشان می‌خواهند و در ساعت‌های غیرکاری بی‌قرار به نظر می‌رسند.

در تحقیقی که توسط دانشگاه تورنتو انجام شد، از دو گروه مختلف خواسته شد تا به ۸۶ ثانیه‌ی اول از دوئت گل از اپرای لاکمی گوش کنند. قبل از شروع آهنگ، از اعضای یکی از گروه‌ها خواسته شد که دستمزدشان را به ازای ساعت محاسبه کنند. شرکت‌کنندگانی که این حساب و کتاب را انجام دادند، در پایان ۸۶ ثانیه کمتر از گروه دیگر خوشحال بودند و در طول پخش شدن آهنگ نیز بیشتر بی‌قرار بودند. دووته از برگزارکنندگان این آزمایش می‌گوید: «آن‌ها می‌خواستند سریع‌تر ماجرا تمام شود و چیزی که سودآوری بیشتری دارد انجام دهند».

ارتباط میان زمان، پول و اضطراب چیزی است که توجه گری اس بکر را در سال‌های انفجاری پس از جنگ جهانی در ایالات متحده، به خود جلب کرد. اگرچه پیشرفت‌های اقتصادی و افزایش سطح دستمزدها، استاندارد زندگی افراد را بالا برده بود، اوقات فراغتی که به آمریکایی‌ها قول داده شده بود، تقریباً به صفر رسید.

در نتیجه مشکل بیش از این‌که این باشد که مردم چقدر زمان دارند، این است که چطور با آن روبرو می‌شوند؟

از وقتی که «ساعت» در سال ۱۸۰۰ برای نخستین بار برای اندازه گرفتن ساعت کار نیروی کار استفاده شد تا کنون، زمان در ارتباط با پول شناخته و درک شده است. به محض اینکه زمان از نظر مالی کمیت می‌یابد، مردم درباره هدر دادن، صرفه‌جویی و استفاده سودآور از آن بیشتر حساس می‌شوند.

وقتی اقتصادها رشد می‌کنند و دستمزدها بیشتر می‌شوند، زمان هر کسی بیشتر ارزشمند می‌شود و هر چقدر چیزی ارزشمندتر شود کمیاب‌تر به نظر می‌رسد.

فرهنگ‌های فردگرایانه، که دستاوردها را بیش از وابستگی‌ها برجسته می‌کنند به بارور شدن این اندیشه که زمان پول است کمک می‌کنند. هری تریاندیس یک روانشناس اجتماعی در دانشگاه ایلینوی می‌گوید: «این وضعیت ضرورتی را ایجاد می‌کند که کاری کنیم که هر لحظه لحظه‌ای مهم به حساب آید». شهرهای بزرگ و ثروتمند با نرخ‌های بالای دستمزد و هزینه‌های سرسام‌آور زندگی، ارزش زمان مردم را هنوز بیشتر از قبل افزایش می‌دهند.

اهالی نیویورک نسبت به اهالی نایروبی نسبت به صرفه‌جویی زمانشان بسیار حساس‌ترند و از آن‌ها عجله بیشتری دارند. عابران پیاده در لندن نسبت به آن‌هایی که در پیاده‌روهای لیما دیده می‌شوند خیلی سریع‌تر هستند. آهنگ زندگی در کشورهای ثروتمند سریع‌تر از کشورهای فقیر است. شتاب سریع بیشتر



او در ۱۹۶۵ نوشت که «در یک جمله زمان امروزه در قیاس با یک قرن پیش با دقت بیشتری استفاده می‌شود.»

او دریافت که وقتی که پرداخت به مردم بابت کار افزایش پیدا می‌کند، تمایل آن‌ها به اینکه ساعات طولانی‌تری را کار کنند بیشتر می‌شود، چرا که کار کردن روشی سودبخش‌تر برای گذراندن زمان است. بنابراین افزایش ارزش مالی ساعت کاری، روی کل زمان فشار بیشتری وارد می‌کند. در این وضعیت اوقات فراغت بیشتر استرس‌زا به نظر می‌رسند چرا که مردم احساس می‌کنند باید از آن عاقلانه‌تر استفاده کنند.

فقر زمان

این توفیق اقتصادی، موضوع «فقر زمان» را در دهه ۱۹۶۰ به شکلی عجیب و غریب تشدید می‌کند که حاصل آن تمام ماشین‌های چمن‌زنی و مخلوطکن‌هایی است که مدعی بودند زمان کمتری از شما می‌گیرند. اما همبستگی متمایزی بین فشار و مزیت وجود دارد. یک‌جورهایی این چيستان ثروت است؛ هر چند ممکن است مردم پول بیشتری برای خرج کردن به دست بیاورند، همان‌موقع زمان بیشتری به دست نمی‌آورند که پولشان را در آن خرج کنند. این ماجرا، زمان-منبعی که به طرز ناخوشایندی فانی و تجدید ناپذیر است- را قیمتی‌تر جلوه می‌دهد.

دانیل هامرمن از دانشگاه آستین تگزاس در تحلیل و بررسی‌ای از داده‌های بین‌المللی «استرس زمانی متوجه می‌شود که شکایت از کافی نبودن زمان در خانواده‌های ثروتمند آن‌قدر زیاد است که هیچ نسبتی با این میزان در دیگر خانوارها ندارد. احساس اضطراب در میان کسانی که دریافتی‌های بالاتری دارند حتی پس از آنکه ساعات‌های طولانی را مداوم در محل کار یا خانه به کار کردن می‌پردازند از بین نمی‌رود. گالوپ یک شرکت نظرسنجی در سال ۲۰۱۱ گزارش می‌دهد که «آمریکایی‌ها همان‌قدر که سکه‌های بیشتری به دست می‌آورند در زمان فقیرتر می‌شوند.»

بنابراین مشغله زیاد شما را ثروتمند می‌کند ولی ثروتمند بودن نیز باعث می‌شود شما پرمشغله‌تر و پرمشغله‌تر باشید. استفان لیندر یک اقتصاددان سوئدی این مشکل را در سال ۱۹۷۰ تشخیص داد. مانند بکر، او نیز متوجه شد که افزایش بی‌پروای بهره‌وری ساعات کاری، مردم را به سمت هر چه بیشتر کاربردی کردن اوقات فراغتشان سوق می‌دهد. سراسرترین مسیری که مردم برای چنین استفاده‌ای از اوقات فراغت می‌یابند، استفاده از چندین چیز مختلف به صورت همزمان است. برای لذت وافر بردن از این «مصرف مقارن» یک مرد ممکن است که همزمان قهوه برزیلی‌اش را سر بکشد، سیگار هلندی‌اش را دود کند، کنیاک فرانسوی مزه مزه کند، نیویورک‌تایمز بخواند، کنسرتوی براندبورگ گوش بدهد و همسر سوئدی‌اش را سرگرم کند. همه این‌ها همزمان با هم با درجه‌هایی متفاوت از موفقیت. او حدس می‌زند که اوقات فراغت به ویژه برای کسانی که به نظر می‌رسد بهتر از همه امکاناتش را دارند، کمتر مفرحانه پیش می‌رود. لیندر این وضعیت را محصول غیرمنتظره‌ی پیشرفت‌های اقتصادی تلقی می‌کند.

انفجار انتخاب‌های موجود هم ماجرا را از چیزی که هست بدتر کرده است به این ترتیب که تقلا برای انتخاب بین اینکه چه چیزی بخوریم، چه چیزی تماشا کنیم یا چه چیزی بخریم، هزینه فرصت اوقات فراغت را زیاد کرده است (به این ترتیب که انتخاب یکی به بهای انجام ندادن انتخاب دیگر تمام می‌شود) و به بیشتر شدن احساس استرس کمک می‌کند.

امکان‌های بی‌پایانی که یک اتصال ساده به اینترنت فراهم می‌کند، مغز را به حیرت می‌اندازد. وقتی که چیزهای زیادی برای پر کردن وقت وجود دارد، حالت طبیعی این است که اشتیاق برای مقدار هر چه بیشتری از آن را داشته باشید.

و لذت همیشه با شتاب می‌گذرد، همان‌طور که اینستین می‌گوید: «به ساعت نشستن رو نیمکت پارک کنار به دختر زیبا مثل به دقیقه می‌گذره اما یک دقیقه نشستن روی به اجاق داغ، به ساعت به نظر می‌آید.»

این احساس ناخوشایند که یک فرد می‌تواند کارهای دیگر زیادی انجام بدهد هیزمی پای آتش توانایی برای برآورده کردن فوری خواسته‌ها شده است. چیزی که در نهایت بی‌قراری به بار می‌آورد. نتایج تحقیقی در گوگل نشان می‌دهد که اگر یک وب‌سایت ۲۵۰ میلی‌ثانیه کندتر از وب‌سایت نزدیک رقیبش باشد، مردم اغلب وب‌سایت دوم را برای بازدید انتخاب می‌کنند. بیش از یک پنجم کاربران اینترنت، اگر ویدئویی بیش از ۵ ثانیه برای لود شدن زمان برد آن را رها می‌کنند. هنگامی که امکان محاسبه تجربیات بر اساس سودمندی حتی میلی‌ثانیه‌ها وجود داشته باشد، تمام ثانیه‌ها به شکلی مشوشانه با این معیار که آیا سودمند هستند یا نه قضاوت می‌شوند.

تکنولوژی‌های جدید مثل ایمیل و تلفن‌های هوشمند به این بی‌قراری و تشویش دامن زده‌اند. عموماً آداب معاشرت در ایمیل، پاسخی را تا حداکثر ۲۴ ساعت و با در نظر داشتن این موضوع که هر چقدر زودتر بهتر، می‌طلبند. مدیریت این تقاضای ثابت و همیشگی، نیازمند تغییر وظایف و چندکاره بودن است که باعث می‌شود هیچ وقت حس نکنید کارها تمام و کمال انجام شده‌اند.

پرفسور دان در دانشگاه بریتیش کلمبیا معتقد است که چندکاره بودن چیزی است که باعث می‌شود ما از نظر زمانی بیشتر احساس فشار کنیم. او اضافه می‌کند: «مهم نیست مردم چه کاری انجام می‌دهند، آن‌ها وقتی که روی همان کار متمرکز باشند احساس بهتری خواهند داشت.»

همچنان کمبود زمان نه فقط یک مشکل ادراکی بلکه مشکلی در زمینه توزیع هم هست. تغییر در شیوه زندگی و کار مردم، نحوه تجربه‌ی اوقات فراغت و اینکه چه کسی آن را تجربه می‌کند را نیز عوض کرده است. در ۲۰ سال گذشته، کارکنانی که بیشترین ساعات کاری و بیشترین مشغله در خانه را داشتند تصادفاً همان‌هایی بودند که بیشترین تحصیلات و دستمزد نیز به آن‌ها متعلق بوده است.

مسابقه برای رتبه اول

سیاستین دگرزیا یک دانشمند علوم سیاسی در سال ۱۹۶۲ تلاش کرد به عنوان یک شاهد، وضعیتی کلی از چشم‌انداز امریکای بزرگ ارائه دهد، او نوشت: «اگر مدیران ارشد در امریکا آن‌قدر قدرتمند هستند، که بدون شک تردیدی در قدرتشان نیست، چرا آن‌ها مقداری وقت خالی بیشتر، که به نظر می‌رسد برای همه



بدون تحصیلات آکادمیک در دوره خودشان، ۱۱ ساعت وقت آزاد کمتری دارند. این نشان دهنده چیست؟ بخشی از این اختلاف از تغییر در ساختار بازار کار حکایت می‌کند. فرصت‌های شغلی برای افراد بدون تحصیلات عالی کم‌تر شده است. امکان داشتن شغلی در کارخانه بدون نیاز به تخصص در کشورهای ثروتمند به شدت کم شده است. چیزی که باقی مانده مشاغل خدماتی است که به طور همزمان با عدم رضایت‌بخشی و پرداختی کم همراه هستند. بنابراین ارزش پولی کار کردن افراد غیر متخصص کاهش یافته و عملاً وقت آزادی که برای این گروه به دست آمده چیزی نیست که باید برای آن غبطه خورد.

اما این همچنان پاسخ این پرسش را نمی‌دهد که چرا افراد متخصصان نسبت به افرادی با همین مشخصات در سال ۱۹۶۰ وقت آزاد کمتری دارند؟

واقعیت این است که عوامل مختلفی در بروز چنین پدیده‌ای نقش دارند. یکی از آن‌ها به تمایل رو به رشد افراد متخصص به شناخته شدن و هویت یافتن از طریق سوابق کاریشان مربوط است. به غیر از مسائل مالی انگیزه‌های دیگری نیز برای کار کردن ساعات طولانی وجود دارد. به این ترتیب اینکه کسی با اراده و میل خودش ساعات طولانی کار کند و کار را در مرتبه اول بگذارد یک جور پرستیژ محسوب می‌شود.

دلیل دیگر این است که امروزه تمام کارکنان، احساس عدم امنیت شغلی بیشتری دارند. رشد کند اقتصادی در کنار خطر تعطیلی در تمام صنایع از رسانه گرفته تا معماری و تبلیغات، در کنار افزایش نابرابری درآمدها، تنور رقابت بر سر شغل‌های جذاب و پردرآمد را بیش از هر زمان دیگری گرم کرده است. افزایش طول عمر هم باعث شده است که مردم، حتی افراد پردرآمد بیشتر نسبت به آینده و دوران بازنشستگی‌شان نگران باشند. این وضعیت باعث شده است به ویژه در کشورهایی مانند آمریکا که قوانین محدود کننده ساعات کاری وجود ندارد، مردم تمایل داشته باشند تمام ساعات را در دفترشان به کار مشغول باشند.

افزایش کاری در محل کار سود بخش است. از آنجایی که دانش کارکنان، معیارهای اندکی برای قضاوت خروجی دارد، کسی که بیشتر اوقاتش را پشت میز می‌گذراند به عنوان یک فرد کارآمد و وفادار شناخته می‌شود.

به این ترتیب مدیران در حال تجارت اوقات فراغتشان با کار هستند. این مسئله در کنار اینکه رشد دستمزد مدیران و به ویژه مدیران ارشد نسبت به رشد دستمزد افراد غیر متخصص به شدت متفاوت بوده است، اوقات فراغت آن‌ها را به شدت به کالایی گران‌قیمت تبدیل کرده است. در نتیجه تحت فشار بودن از نظر زمانی حالا به یک جور نشانه رونق زندگی و وضعیت اجتماعی تبدیل شده است و مردم در واقع تمایل دارند که اعلام کنند وقت کمی دارند. البته جاناتان گرشونی رئیس بخش استفاده از وقت دانشکده اقتصاد آکسفورد اشاره می‌کند که این تغییر در مورد اقتصادهایی صدق می‌کند که افرادی که در راس قرار دارند بیشترین کار را برای انجام دادن دارند.

خیلی ارزشمند است، برای خود نمی‌گذارند؟» احتمالاً دگرزایا خوشبخت بود که روزهایی را ندید که مدیران ارشد حتی برای نهار هم دست از کار نمی‌کشند.

سی سال پیش، کارگران یقه‌آبی با دستمزدهای پایین نسبت به همکاران حرفه‌ای‌ترشان تمایل بیشتری به اینکه ساعت‌های طولانی کار کنند نشان می‌دادند. یکی از مزایای استخدامی بودن این بود که شما هفته کاری قابل پیش‌بینی و ساعاتی خالی برای گلف بازی کردن داشتید.

امروزه اما همه‌جا، حرفه‌ای‌ها دو برابر بیشتر از همکارانشان با تحصیلات کمتر، تمایل به کار کردن ساعات‌های طولانی دارند. ناهارها حالا با راه و روشی سودمندتر، پشت میزها با چشم‌هایی که به اینباکس ایمیل دوخته شده صرف می‌شود. یک جورهایی این کارکنان حتی وقتی که محل کار را ترک می‌کنند، به وسیله تلفن‌های همراهشان همیشه این حس را دارند که کار تمام نشده است.

نظرسنجی‌ای که توسط مدرسه بیزینس هاروارد از میان ۱۰۰۰ حرفه‌ای انجام شد نشان می‌دهد که ۹۴ درصد آن‌ها به طور متوسط ۵۰ ساعت در هفته و بیش از نیمی از آن‌ها در هفته بیشتر از ۶۵ ساعت کار می‌کنند. قوانین کاری در اروپا، بیش از حد کار کردن را منع می‌کند اما در بریتانیا ۴ نفر از هر ۱۰ مدیر قربانی چیزی هستند که زمانی «بیماری آمریکایی» شناخته می‌شد و نشان دهنده کار کردن بیش از ۶۰ ساعت در هفته است. دیگر اینکه در حال جان‌کندن دیده شویم شرم‌آور نیست.

تمام این‌ها وقت کمتری را برای فراغت باقی می‌گذارد، ظاهراً به نظر می‌رسد که وقت خالی باید بیشتر شده باشد اما نگاهی از نزدیک‌تر نشان می‌دهد که اگرچه بین سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ تحصیل کرده‌ها و متخصصان وقت آزاد بیشتری را به دست آوردند اما در ادامه ماجرا به این شکل پیش رفت که وقت فراغت بیشتر اکنون برای کمتر تحصیل کرده‌ها است.

مثلاً نتایج تحقیق دو نفر در دانشگاه شیکاگو نشان می‌دهد که در آمریکا مردانی که تحصیلات زیر سیکل دارند بین سال‌های ۱۹۸۵ تا ۲۰۰۵ معادل هفته‌ای ۸ ساعت وقت آزاد بیشتر به دست آوردند. در مقابل اما مردانی با تحصیلات کالج شاهد این بودند که در مدت مشابه اوقات فراغت آن‌ها در هفته ۶ ساعت کمتر شده است. این روند برای زنان تحصیل کرده نیز یکسان است، آن‌ها نه تنها نسبت به زنان تحصیل کرده در ۱۹۶۵ اوقات فراغت کمتری داشتند بلکه نسبت به زنان

بنابراین مشغله زیاد شما را ثروتمند می‌کند ولی ثروتمند بودن نیز باعث می‌شود شما پرمشغله‌تر و پرمشغله‌تر باشید. استفان لیندر یک اقتصاددان سوئدی این مشکل را در سال ۱۹۷۰ تشخیص داد. مانند بکر، او نیز متوجه شد که افزایش بی‌پروای بهره‌وری ساعات کاری، مردم را به سمت هر چه بیشتر کاربردی کردن اوقات فراغتشان سوق می‌دهد. سراسرترین مسیری که مردم برای چنین استفاده‌ای از اوقات فراغت می‌یابند، استفاده از چندین چیز مختلف به صورت همزمان است.



عکس: تحریریه آفتاب خاورمیانه

امریکا در راس

امریکا، شاید به خاطر اینکه یکی از طولانی‌ترین ساعات کاری را در میان کشورهای صنعتی دارند، در راس کشورهایی است که متخصصان در آن‌ها همیشه از کمبود وقت شکایت دارند. در امریکا کارفرماها مجبور نیستند که تعطیلات درخوری را در اختیار کارکنان قرار دهند اما حتی وقتی این اتفاق می‌افتد هم کارکنان به ندرت از این تعطیلات استفاده می‌کنند. نتایج یک نظر سنجی توسط شرکت گلاس دور نشان می‌دهد که به طور متوسط کارکنان در امریکا از نصف تعطیلاتی که به آن‌ها اجازه داده می‌شود استفاده می‌کنند و ۱۵ درصد آن‌ها به طور کلی از تعطیلات استفاده نمی‌کنند. به این ترتیب است که امریکا کشوری است که قهوه‌های بیرون‌بر در آن اختراع می‌شوند.

بعضی تقصیر را به گردن فرهنگ خشک مقدسانه آمریکایی‌ها می‌اندازند. ولی واقعیت پیچیده‌تر از این است. تا سال ۱۹۷۰ کارگران آمریکایی به طور متوسط اندازه کارگران اروپایی و مقداری کمتر از فرانسوی‌ها کار می‌کردند. ولی در طول شوک بزرگ اقتصادی ۱۹۷۰ مسائل تغییر شکل دادند. در این دوره کارگران اروپایی برای سطح دستمزد با ثبات‌تر و اوقات فراغت بیشتر جنگیدند و در نتیجه اوقات فراغت در آنجا کارآمدتر شد.

در امریکا که اتحادیه‌های کارگری همیشه ضعیف‌تر بودند، شوک مشابه، از دست دادن مشاغل و رقابت بیشتر را به دنبال داشت. در ۱۹۸۰ رونالد ریگان مالیات‌ها را قطع و برنامه‌های رفاه اجتماعی را متوقف کرد که نابرابری اقتصادی را دامن زده و سرعت کاهش ساعات کار را کم کرد.

هزینه رو به رشد بهداشت و تحصیلات در امریکا، که در اروپا اغلب رایگان بوده یا یارانه‌ای هستند، افراد را به سمت تجارت هر چه بیشتر زمانشان با پول سوق داد. همچنین از آنجایی که در امریکا ساعات تعطیلات کارکنان به صورت ناخواسته با یکدیگر مقارن نیست، این پدیده کمتر جذاب شده است.

خالص دریافتی نیز به ویژه برای متخصصان در امریکا به دلیل نبود سیاست‌های مالیاتی که با هدف کاهش اختلاف طبقاتی در کشورهای ثروتمند دیگر مثل بریتانیا، فرانسه و ایرلند اجرا می‌شود، به مراتب بالاتر است.

نکته جالب توجه این است که افراد تحصیل‌کرده در امریکا بیشترین زمان را نیز با فرزندان‌شان می‌گذرانند. نتایج یک تحقیق نشان می‌دهد مادران آمریکایی دارای تحصیلات کالج نسبت به بقیه در هفته ۴ ساعت و نیم وقت بیشتری را برای مراقبت از بچه‌هایشان صرف می‌کنند. این وضعیت در مورد پدران با شغل و تحصیلات بالا نیز صدق می‌کند. این وضعیت در دیگر جاهای دنیا به ویژه کشورهای ثروتمند نیز دیده می‌شود.

اگر اوقات فراغت آن‌ها این‌قدر اندک است چطور آن را صرف بردن و آوردن فرزندان‌شان از این کلاس به آن کلاس می‌کنند، چرا این گروه حاضر نیستند بخشی از تربیت فرزندان‌شان را برون‌سپاری کنند؟ بخشی از آن به دلیل ارزشی است که «وقت» به دلیل درآمد بالایی که به ازای گذران آن در کار نصب‌شان می‌شود، در ذهن این گروه

دارد. به این ترتیب گذراندن زمان با فرزندان‌شان همچنان یکی از «ارزشمندترین» کارهایی است که به عنوان والد می‌توانند انجام دهند. دلیل دیگر این است که هر چقدر والدین به ویژه با تحصیلات بالاتر در سن بالاتری بچه به دنیا می‌آورند بیشتر به چشم یک جور سرمایه‌گذاری که ارزش وقت گذاشتن زیاد دارد به آن نگاه می‌کنند.

وضعیت به ویژه در مورد مادران، با استانداردهای جدید والدین خوب بودن همخوان شده و فشار بیشتری را به زنان برای اینکه در خانه با فرزندان‌شان وقت بگذرانند وارد کرده است. این وضعیت باعث شده است مادران کارمند بیشترین گروهی در جوامع باشند که با مشکل کمبود وقت روبرو هستند. فیلیپ کوهن پرفسور جامعه‌شناس می‌گوید که این روزها والدین نگران این هستند که کمتر از همسایگان‌شان برای فرزندان‌شان تلاش کرده باشند، چیزی که به والدین برای گذاشتن وقت روی فرزندان‌شان فشار وارد می‌کند.

زمان امروز بدین نحو است که ممکن نیست کسی از داشتن مقدار زیادی از آن شکایتی داشته باشد. سنکای جوان در قرن یک از این وحشت زده شد که چطور مردم بسیار کم به ارزش زندگی‌ای که دارند واقف هستند و چطور همه به طرز شدیدی پرمشغله، در مقابل ترس‌هایشان فناپذیر، مقابل خواسته‌هایشان جاویدان و در مواجهه با زمانشان هدردهنده هستند. او متوجه شد که چطور حتی افراد ثروتمند با حسرت نسبت به سرنوشتشان، در انتظار زمانی در آینده برای استراحت هستند. او در اثرش «درباره کوتاهی عمر» که به نظر می‌رسد یکی از نخستین نمونه‌های خودآموز مدیریت زمان باشد می‌نویسد: «مردم در حفاظت از دارایی‌های شخصیشان بسیار مقصدانه رفتار می‌کنند، اما وقتی پای زمان که به نظر می‌رسد تنها چیزی باشد که خست در آن جایز است به میان می‌آید، آن را به راحتی به باد می‌دهند» او می‌گوید: «شاید وقت روی زمین گریز یا نامطمئن باشد اما هر کسی آن مقدار از آن را در اختیار دارد که چند نفس عمیق بکشد، مقداری عمیق فکر کند و یک گل رز را عمیق ببوید. زندگی اگر بدانید چطور از آن استفاده کنید طولانی است».

۴۰۰ سال بعد دگرزیا نصیحت مشابهی می‌کند: «زیر سایه درختی دراز بکش و دستت را زیر سرت بگذار، از گذرهایی که رد شدیم شگفت‌زده شو، لبخند بزن و به یاد بیاور که اول و آخر همه اقدامات مهم بشری، درهم و برهم است» ■

زیر سایه درختی دراز بکش و دستت را زیر سرت بگذار، از گذرهایی که رد شدیم شگفت‌زده شو، لبخند بزن و به یاد بیاور که اول و آخر همه اقدامات مهم بشری، درهم و برهم است



قصه مرد پیشرو صنعت مواد غذایی ایران



مریم ذوالفقار

کارشناس مدیریت ارتباطات • بانک خاورمیانه

خودروها و ماشین‌آلات وارداتی از گمرک خرمشهر را به دست گرفت و همچنین ترخیص خودروهای سواری که توسط شرکت ماشین‌آلات فلاحتی وارد گمرک خرمشهر می‌شدند بر عهده ظهیری بود.

پیشرفت کاری او را به فردی کارآمد در فضای کسب‌وکار آن زمان تبدیل کرده بود تا آن جا که صراف زاده، همشهری هراتی و از ثروتمندان و کارخانه داران یزدی و نماینده مردم یزد در مجلس شورای ملی و ریاست کمیسیون بودجه مجلس خواستار همکاری با ظهیری شد. صراف زاده در آن زمان از سهامداران اصلی شرکت ایران و غرب بود که در مدت کوتاهی ظهیری به مدیر عاملی یکی از شرکت‌های تابعه آن به نام مهکشت که در زمینه واردات ماشین‌آلات کشاورزی فعالیت می‌کرد رسید و همزمان مدیر فروش شرکت ایران و غرب نیز بود. بعد از آن عازم تهران شد و به توصیه صراف زاده، ظهیری برای راه اندازی یک شرکت صنایع غذایی ترغیب شد. در آن زمان صنایع غذایی از تولیداتی مانند خیارشور و ترشی و تولید کمپوت و رب گوجه فرنگی فراتر نمی‌رفت و با توجه به افزایش چشمگیر مصرف‌کنندگان به محصولات کنسرو شده به این سمت رفت و ظهیری از این میان تولید سس را انتخاب کرد. برای تولید سس به سرکه مرغوب و استاندارد نیاز بود که ظهیری کارخانه تولید سرکه ورداورد را خریداری و مقدمات تأسیس شرکت مهram را فراهم کرد و در سال ۱۳۴۹ شرکت مهram را تأسیس و تولید انواع سس‌ها از قبیل مایونز، کچاپ و... را آغاز کرد.

پس از خاتمه جنگ تحمیلی، بانک مرکزی اعتبارات شرکت‌های خصوصی را تا ۵۰ درصد کاهش داد و به این ترتیب واحدهای تولیدی بخش خصوصی به سهامی عام تبدیل شد و ۵۰ درصد سرمایه شرکت وارد بورس شد. شاهرخ ظهیری در آن زمان با بالارفتن سن و بیماری قلبی از مدیریت مهram کناره‌گیری کرد و همزمان با برگزاری اولین دوره انتخابات اتاق به عضویت هیات نمایندگان پارلمان بخش خصوصی درآمد. ظهیری بیش از ۳۰ سال عضو اتاق بازرگانی تهران بود و طی دو دوره اخیر در سمت عضو هیات رئیسه اتاق تهران و به عنوان خزانه دار اتاق تهران مشغول به فعالیت بود.

بنیان‌گذار و مدیرعامل گروه صنایع غذایی مهram با بیش از نیم قرن فعالیت در عرصه اقتصاد، در فروردین ۱۳۹۸ در سن ۸۹ سالگی درگذشت. ■

شاهرخ ظهیری از کارآفرینان خوشنام و موفق که او را به عنوان پدر صنعت ایران می‌شناسند در سال ۱۳۰۹ در ملایر متولد شد.

پدر او تاجر بود و برای کسب‌وکار به شهرهای بسیاری سفر می‌کرد، خانواده او وقتی شاهرخ ۲ سال داشت به تهران مهاجرت کردند و پس از دو سال زندگی در تهران با توجه به شغل پدر در سال ۱۳۱۴ به قم مهاجرت کردند. پدر او ریاست اداره انحصار تریاک را برعهده گرفت و شاهرخ دوران تحصیل در مقطع دبستان و دبیرستان را در قم گذراند، سال پنجم دبیرستان را به اتمام رسانده بود که در سن ۱۸ سالگی پدرش بر اثر ابتلا به بیماری سل درگذشت و سرپرستی خانواده به او رسید. در آن زمان دولت وقت شرایط وی را برای استخدام در اداره فرهنگ قم و معافیت کفالت سربازی فراهم کرد.

ظهیری دبیرستان را در رشته ادبی مشغول به تحصیل شد و همزمان مدتی هم به تحصیل حوزوی مشغول بود و همین موضوع در انتخاب رشته حقوق در دانشگاه تهران موثر بود. او همراه با تحصیل در دانشگاه از سال ۱۳۲۹ به تدریس مشغول شد و همزمان در فروشگاه مرکزی کارخانه پارچه بافی درخشان یزد مشغول به کار شد.

ظهیری در سال دوم دانشگاه بود که از اداره فرهنگ قم درخواست انتقال به تهران را داد اما به جای انتقال به تهران به کرج منتقل شد و در دبیرستانی مشغول به تدریس شد و بعد از آن در یکی از مدارس در محله قلهک به تدریس پرداخت.

کارخانه درخشان یزد که ظهیری در آنجا مشغول به کار بود توسط هراتی که از نزدیکان او بود اداره می‌شد. عزم و اراده او راه را برای موفقیت او هموارتر می‌کرد و با تلاش‌های وی کارفرمایش شرایط مالی بهتری پیدا کرد و تصمیم گرفت فعالیت خود را در حوزه‌های دیگری هم گسترش دهد. در نهایت هراتی شرکت ماشین‌های فلاحتی را تأسیس کرد که نمایندگی ماشین‌های کشاورزی مانند تراکتور و کمباین را از شرکت آستین انگلیس گرفت و همزمان موفق به دریافت نمایندگی اتومبیل‌های بی‌ام و از آلمان غربی شد.

ظهیری به دستور هراتی از فروشگاه کارخانه درخشان به شرکت ماشین‌های فلاحتی منتقل و مسوولیت گشایش اعتبارات اسنادی امور گمرکی و ترخیص

راز موفقیت ظهیری را می‌توان در صداقت، خلاقیت و پشتکار او دانست. ویژگی‌هایی که زمینه ساز اعتماد و آشنایی شخصیت‌های بانفوذ و در نهایت ورودش به دنیای کارآفرینی شد.

سرقت داده‌ها بدون اتصال به شبکه

پژوهشگران به تازگی روش‌های جدیدی برای استخراج داده‌ها از سیستم‌های رایانه‌ای بدون اتصال به شبکه از طریق کانال‌های پنهان کشف کرده‌اند. این کانال‌ها به چهار دسته کلی تقسیم می‌شوند:

- کانال‌های الکترومغناطیسی
- کانال‌های صوتی
- کانال‌های حرارتی
- کانال‌های نوری

در ادامه به توضیح بعضی نمونه‌های این کانال‌های پنهان پرداخته خواهد شد:

کانال‌های الکترومغناطیسی

تلفن همراه

محققان روش جدیدی برای سرقت اطلاعات از طریق شبکه GSM و امواج الکترومغناطیسی، با استفاده از یک تلفن همراه و رایانه برای نصب نرم‌افزارهای مخرب کشف کرده‌اند. در این روش از قابلیت‌های طبیعی هر دستگاه برای تکثیر اطلاعات استفاده می‌شود. به‌عنوان مثال، کامپیوترها به طور طبیعی موجب انتشار امواج الکترومغناطیسی در طول عملیات عادی خود می‌شوند و تلفن‌های همراه ذاتاً گیرنده‌های چابک چنین سیگنال‌هایی هستند. در این تحقیق داده‌ها به صورت بیسیم از یک گوشی هوشمند به کامپیوتر منتقل می‌شوند (سیگنال‌های رادیویی کارت گرافیک کامپیوتر توسط گیرنده FM گوشی هوشمند دریافت می‌شوند).

هنگامی که داده‌هایی بین CPU و RAM یک کامپیوتر حرکت می‌کنند، امواج رادیویی به صورت طبیعی منتشر می‌شوند. به‌طور معمول دامنه این امواج برای انتقال پیام به تلفن همراه کافی نیست، اما محققان دریافته‌اند که با تولید جریان پیوسته داده‌ها از گذرگاه حافظه کامپیوتر، ضمن افزایش دامنه می‌توانند از تولید امواج برای انتقال پیام‌های دودویی به گیرنده استفاده کنند.

کانال‌های صوتی

کانال‌های صوتی پس از پیدایش گوشی‌های هوشمند رواج یافتند. میکروفون‌های این گوشی‌ها می‌توانند طیفی از امواج صوتی را جدا و ضبط کنند که انسان قادر به تشخیص آنها از صدای مهمه پس‌زمینه نیستند. جدیدترین دستاورد، استفاده از امواج فراصوتیست که به خاطر فرکانس بالا علاوه بر اینکه قابل شنیدن نیستند، پهنای باند بیشتری هم دارند.

هک از طریق صدای فن کامپیوتر

اکثر رایانه‌ها حاوی دو یا چند فن (CPU، برد اصلی، منبع تغذیه و کارت گرافیکی) می‌باشند. این فن‌ها در حین عملیات، صدای آکوستیکی به نام فرکانس چرخش پره تولید می‌کنند؛ که با افزایش سرعت، بلندتر می‌شوند؛ حمله با افزایش سرعت یا فرکانس یک یا چند فن برای انتقال رمز عبور به گوشی هوشمند یا کامپیوتر صورت می‌گیرد؛ مهاجمان داده‌ها را از طریق سرعت‌های مختلف نشان‌دهنده و استخراج می‌کنند محققان برای آزمایش از ۱۰۰۰ RPM برای نشان دادن ۱، و ۱۶۰۰ RPM برای استفاده می‌کنند.

برای دریافت سیگنال‌های صدای منتشر شده از دستگاه هدف، مهاجم باید گوشی هوشمند فردی را که در نزدیکی دستگاه کار می‌کند آلوده کند؛ این نرم‌افزارهای مخرب برای شناسایی و رمزگشایی سیگنال‌های صوتی طراحی شده‌اند بنابراین به سیستم مهاجم از طریق SMS، Wi-Fi، یا تلفن همراه منتقل می‌شوند. گیرنده باید در محدوده هشت متری از دستگاه هدف قرار بگیرد، لهذا در محیط‌های امن که کاربران مجاز به آوردن تلفن‌های هوشمند خود نیستند، مهاجم می‌تواند به جای آن، به آلوده کردن دستگاه متصل به اینترنت دیگری در مجاورت دستگاه هدف مبادرت ورزد.

به‌طور معمول، فن‌ها بین چند صد تا چند هزار RPM کار می‌کنند. برای جلوگیری از جلب توجه نوسانات صدای فن، مهاجم می‌تواند برای انتقال داده‌ها از فرکانس‌های پایین (حدود ۱۰۰ هرتز) که گوش انسان به سختی می‌تواند بشنود استفاده کند و سرعت نوسان به راحتی با سروصدای طبیعی اتاق ترکیب می‌شود.



معصومه اکبری زاده

کارشناس مدیریت بازرسی • بانک خاورمیانه

وقتی صحبت از هک کردن می‌شود یاد چه می‌افتید؟ کتاب‌های صد صفحه‌ای «خودآموز هک» دست نوجوان‌های دهه هشتاد؟ یا کسانی که با دست خودشان اطلاعات کارت بانکی‌شان را برای سارقین می‌فرستند؟ یا کسانی که آنتی‌ویروس‌های کرک شده را روی سیستم‌هایشان نصب کرده‌اند؟ یا اندرویدی‌ها در برابر iOS‌ها؟ واقعیت این است که این همه هم درست است و هم نیست. مثل تمام روابط جاری و ساری بر جهان، رابطه سارقین اطلاعات و ضامن‌های امنیت هم طی سالیان دچار تغییر شده. بی‌راه نیست اگر بگوییم سارقین در هر زمینه‌ای که باشند همیشه یک قدم از پلیس‌ها جلوترند. هر چه نباشد این آن‌ها هستند که مدام به نوآوری نیاز دارند. متأسفانه با خوشبختانه این مقاله قرار است تلنگری به تصورات پیشین ما درباره سرقت داده‌ها بزند؛ قرار است بعضی شیوه‌های جدید سرقت داده‌ها را با هم مرور کنیم که از قضا نه ربطی به آپدیت بودن آنتی‌ویروس‌ها دارد و نه مردان سیاه‌پوشی که به یک فلش مموری نیاز دارند تا سرورهای یک ابرکمپانی را هک کنند. سارقان داده‌ها امروز، بی‌نیاز از ماسک، با فرکانس‌های ناشنیدنی، همدفون‌هایمان، چراغ کوچک روی هاردمان، و رد گرمای دستمان بر کلیدهای کیبورد داده‌هایمان را می‌ربایند. در ادامه بعضی از این روش‌ها را به تفصیل توضیح داده‌ایم.

می‌تواند تغییرات نوری بالای ۶۰ هرتز را تشخیص دهد. از این رو، کاربران نمی‌توانند تشخیص دهند آیا LED به صورت پنهانی مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد یا خیر. در زیر به توضیح چند نشانگر می‌پردازیم

نشانگرهای افشاکنده

بسیاری از دستگاه‌های شبکه از LEDها برای نشان دادن فعالیت داده‌ها استفاده می‌کنند و اگر کسی به نمونه‌های کافی برای تشخیص الگوی آن‌ها دسترسی داشته باشد، می‌تواند ترافیک در حال عبور از آنها را به دست آورد. اگر دستگاهی قابل‌هک باشد، که البته امروزه تقریباً همه دستگاه‌ها قابل‌هک هستند، LEDها می‌توانند داده‌های بسیار خاص‌تری را افشا کنند. LEDهایی که فعالیت درایو حافظه را نشان می‌دهند، می‌توانند با استفاده از دوربین‌های نظارتی مدار بسته به عنوان گیرنده‌های نوری، داده‌ها را تا سرعت چهار کیلوبیت/ثانیه انتقال دهند. این سرعت به اندازه‌ای بالاست که می‌تواند کلیدهای رمزگذاری، الگوی فشردن کلیدهای کیبورد و فایل‌های پاییزی و متنی را به راحتی انتقال دهد. چراغ‌های درایو معمولاً در حین اجرای عملیات چشمک می‌زنند، در نتیجه کاربران نمی‌توانند چشمک‌های اضافی را در حین سرعت داده‌ها تشخیص دهند. از آنجا که درایوها دارای پردازشگرهای کوچکی هستند که در کنترلرهایشان تعبیه شده است، بی‌شک قابل‌هک هستند.

نشانگرهای حالت ثابت

اخیراً جمعی از پژوهشگران در مقاله‌ای با عنوان استخراج داده‌ها از شبکه‌های دارای شکاف هوایی از طریق نشانگر LED حالت ثابت، نشان دادند که می‌توان از LEDهای معمولی کیبورد مانند چراغ دکمه‌های Caps Lock و Num Lock بدون اطلاع کاربر و از طریق دوربین‌های IP برای استخراج داده‌ها استفاده کرد. در این روش زمانی که چراغ خاموش است، معادل رقم ۰ و زمانی که روشن است، نشان‌دهنده رقم ۱ است. مشکل اینجاست که دوربین‌های نظارتی معمولاً با سرعت ۱۵ فریم/ثانیه کار می‌کنند و این سرعت پنهانی باند داده‌ها را محدود می‌کند. البته کاربران نیز ممکن است مشکوک شوند که چراغ‌های LEDهای کیبوردشان بدون هیچ دلیلی روشن و خاموش می‌شوند؛ پژوهشگران در این رابطه توضیح داده‌اند: ما در رویکرد خود از روش تغییر فرکانس پاییزی برای ایجاد سیگنال استفاده کردیم. ما می‌توانیم از یک فرکانس چشمک ۴۰ برای کدگذاری صفرو از یک فرکانس چشمک دیگر ۱ برای کدگذاری یک استفاده کنیم، با این حال یک مشکل دیگر نیز وجود دارد: وقتی LED از دو حالت روشن یا خاموش قرار دارد یا به عبارت دیگر وقتی LED حالت ثابت دارد، چگونه می‌توان فرکانس چشمک را ایجاد کرد؟ این تیم پژوهشی متوجه شد اگر یک LED که در حالت عادی روشن است به مدت کمتر از ۵ میلی‌ثانیه خاموش شود، چشم انسان نمی‌تواند چشمک را تشخیص دهد. در نتیجه می‌توان دو الگوی چشمک متفاوت را برای یک LED که همیشه روشن است اجرا کرد. بزرگ‌ترین نقطه ضعف این روش آن است که سرعت آن ۱۲ بیت/ثانیه است. اما اگر داده‌ها ارزش بالایی داشته باشند، مانند داده‌های مربوط به یک کلید رمزگذاری، همین سرعت نیز کافی است.

سرقت داده‌های ذخیره شده

سازندگان سیستم‌های ذخیره‌سازی، اغلب بر رمزگذاری داده‌های بایگانی شده تأکید دارند. از این رو نمی‌توان درایوی را دزدید و به داده‌های آن دسترسی پیدا کرد. اما مشکل اصلی این نیست، به ویژه اگر داده‌ها روی چند درایو مختلف تقسیم شوند؛ در واقع مشکل زمانی ایجاد می‌شود که داده‌ها در حال انتقال هستند، تایپ می‌شوند، نمایش داده می‌شوند یا پردازش می‌گردند. LEDها ابزار پرکاربردی هستند اما ظاهراً استفاده از آن‌ها در نمایشگرها، کیبوردها، سویچ‌ها و درایوهای رایانه‌ای باعث بروز مشکلات امنیتی می‌شود. با توجه به فراگیری استفاده از LEDها، تمام تجهیزاتی که تحت نظارت دوربین‌های مدار بسته قرار دارند در معرض خطر شوند هستند. ■

منابع:

- 1- <https://www.wired.com>
- 2- <https://thehacknews.com>
- 3- <https://sputniknews.com>
- 4- <https://cyware.com>
- 5- www.zdnet.com
- 6- فصلنامه امنیتی افتا

گیرنده قادر است سیگنال‌های فن‌هایی که از چند کامپیوتر آلوده به طور هم‌زمان می‌رسند را نیز تشخیص دهد، زیرا با دافزار در آن دستگاه‌ها سیگنال‌ها را در فرکانس‌های مختلف انتقال می‌دهد.^۲

هک از طریق صدای هارد دیسک

شما ممکن است صداهای عجیبی را از یک هارد در حین خواندن یا نوشتن بشنوید. این صداهای، صدای کوپل داخل هارد شماست که در زمان دسترسی به بلوک‌های حافظه، بر روی صفحه دیسک حرکت می‌کند.

محققان از نرم‌افزارهای مخرب برای استفاده از صدای حرکت دیسک جهت ایجاد نویز صوتی (مثل کد مورس) استفاده می‌کنند که آن‌ها را با استفاده از یک برنامه گوشه‌هوشمند از فاصله ۲ متری، با سرعت ۱۸۰ بیت در دقیقه گزارش می‌دهد.

محققان توصیه کرده‌اند برای از بین بردن تهدیدها، هاردهای HDD با SSD جایگزین شوند، از آنجا که این نوع هاردها مکانیکی نیستند، بنابراین عملاً هیچ سروصدایی تولید نمی‌کنند. نصب هارد در محفظه‌های خاص می‌تواند دامنه سروصدای منتشرشده را محدود کند. روش دیگر این است که سیگنال‌های قویتری را از طریق ایجاد نویز استاتیک در پس‌زمینه ایجاد کنیم. در سطح نرم‌افزار و سیستم عامل، استفاده از هارد دیسکی که دارای قابلیت کنترل اتوماتیک صدا (AAM) باشد می‌تواند در محدود کردن نویز صوتی منتشر شده موثر گردد.

راه حل دیگر ممنوعیت گوشه‌های هوشمند و انواع دستگاه‌های ضبط در نزدیکی رایانه‌های هدف است.^۳

هک از طریق هدفون یا اسپیکر

تکنیک جدیدی اجازه می‌دهد تا هکرها از طریق هدفون یا اسپیکر به کامپیوتری که به اینترنت و یا هیچ شبکه دیگری متصل نیست، دسترسی یابند.

برای چنین حمله‌ای کامپیوتر هدف به ویروسی آلوده می‌شود تا بتواند فایل‌ها را به فرمت صوتی تبدیل کند. پس از آن می‌توان از طریق یک پروتکل خاص شروع به انتقال داده‌ها کرد. ممکن است فکر کنید: می‌توانیم فقط میکروفون را جدا کنیم و ایمن شویم؛ اما این تکنیک حتی به میکروفون هم نیاز ندارد! چطور؟

به گفته محققان، اکثر تراشه‌های جدید به پورت جک اجازه تغییر ویژگی‌های خود را داده و آن را به پورت میکروفون یا پورت هدفون - بر اساس تقاضا - تغییر می‌دهند. ضمن اینکه پورت صوتی در کامپیوتر می‌تواند به صورت نرم‌افزاری تغییر کند (تغییر آن از خروجی به ورودی). ساختار میکروفون و اسپیکر کم‌وبیش شبیه هم است و می‌توانند نوسانات فیزیکی هوا را به ولتاژ الکتریکی یا برعکس تبدیل کنند. بنابراین، هکر ممکن است از اسپیکر خود برای ایجاد یک طرح انتقال داده، حتی اگر هیچ میکروفون یا هدفونی در دسترس نباشد، استفاده کند.

به غیر از به‌روزرسانی آنتی‌ویروس، آیا راهی برای حفظ امنیت وجود دارد؟ بله، اما هریک محدودیت‌های خود را دارند. بهترین نوع حفاظت، نصب یک دستگاه اولتراسونیک است که به طور مداوم صدای فراصوت را پخش و منتقل می‌کند. هرچند محدودیت‌های ایمنی خاصی برای قرار گرفتن طولانی مدت در معرض این امواج که منجر به سردرد، سرگیجه و آسیب شنوایی می‌شود نیز وجود دارد.^۴

کانال‌های حرارتی

هک با تجزیه و تحلیل اثرات باقی‌مانده حرارتی صفحه‌کلید

محققان کشف کرده‌اند که هکرها می‌توانند باقی‌مانده حرارتی کلیدهای لمس‌شده صفحه‌کلید را تجزیه و تحلیل کرده تا رشته‌های کوتاهی از متن را (رمز عبور یا PIN) که کاربر وارد کرده است، پیدا کنند. بر اساس گزارشی که اخیراً توسط دانشمندان دانشگاه کالیفرنیا منتشر شد، مهاجم با یک دوربین حرارتی متوسط می‌تواند مقدار حرارت کلیدهای فشرده شده صفحه‌کلید را تا یک دقیقه پس از فشردن ضبط کند. گرچه گرمای باقی‌مانده با گذشت زمان از بین می‌رود، اما همیشه در بازه زمانی خاصی قابل رویت است.^۵

کانال‌های نوری

LEDهایی روی همه سیستم‌های نظارتی - مثل دوربین‌های نظارتی - وجود دارند که می‌توانند حجم چشمگیری از داده‌ها را انتقال دهند. چشم انسان به سختی

ما صبر نمی کنیم

تهیه شده در تحریریه بانک خاورمیانه

چگونه با کم کردن مدت زمان انتظار، رضایت مشتریان را افزایش دهیم

* این اینفوگرافیک ترجمه و تلخیص اینفوگرافیک "Why We Wont Wait?" است که در وبسایت "lavi.com" منتشر شده است.

تاثیر سرویس دهی
ضعیف به مشتریان



از مشتریان به خاطر سرویس دهی ضعیف تجارت را با شرکت شما متوقف می کنند



از مشتریان به خاطر اینکه فکر می کنند شما به آن ها توجه نمی کنید؛ شرکتتان را ترک می کنند

مشتری ها از سرویس دهی ضعیف متنفرند

- HARVARD BUSINESS REVIEW -

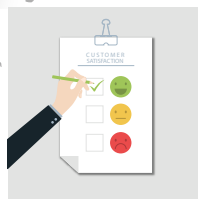
96% بدون هیچ واکنشی محیط را ترک می کنند

تنها 4% مشتریان ناراضی شکایت خود را اعلام می کنند

هر سال شرکت های آمریکایی حدود 83 میلیارد دلار به علت تجربه بد مشتریان از دست می دهند



شرکت هایی که در رتبه بندی سرویس دهی به مشتریان بالاتر بوده اند، 12 برابر سودآورتر از رقبای خود عمل کرده اند



چه می‌شد اگر به سادگی:

مدت زمان صف انتظار را رصد کرد

بدانید هر سرویسی که شما ارائه می‌دهید چقدر وقت مشتری را درگیر می‌کند

چه تعداد مشتری در صف انتظار قرار دارند

هنگامی که صف مشتریان یا زمان سرویس دهی از حد مورد انتظار تجاوز کرد، زنگ هشدار به صدا درآید

راه‌های هوشمندانه‌تر برای مدیریت صف انتظار



رصد صف

اخذ اطلاعات حال و گذشته تعداد افراد در صف، متوسط زمان انتظار، محدودیت‌های صف و...



شمارش افراد

گردآوری آمار به صورت سیستمی و زنده از تعداد مشتریانی که در هر صف منتظر هستند.



رصد میز خدمت

افزایش کارایی میز خدمت با دنبال کردن مدت زمان خدمت و تعداد افرادی که در یک زمان مشخص خدمات را دریافت می‌کنند.



مدیریت پیشگیرانه از ایجاد صف

ارائه آمار در لحظه به مدیران برای مدیریت فوری جهت ارتقای کارایی و کیفیت خدمات

Sources: Harvard Business Review, Right Now Technologies, Parature, Harris Interactive, Rockefeller Corporation, Why WE Buy by Paco Underhill, Parature Customer Service Blog, PIMS Strategic Planning Institute, Wall Street Journal, Retail Customer Dissatisfaction Study/2006

مدت زمان انتظار تنها و مهم‌ترین فاکتور در میزان رضایت مشتریان است

-PACO UNDERHILL. WHY WE BUY-

مدت زمان زیادی طول نمی‌کشد تا تاثیر منفی ایجاد شود



مشتریان پس از ۲ تا ۳ دقیقه ترجیح می‌دهند صفی که به اندازه کافی سریع حرکت نمی‌کند را رها کنند.



نیمی از مشتریان به صورت هدفمند از برندی که آن‌ها را در آینده بیش از ۵ دقیقه معطل کند؛ اجتناب خواهند کرد.



بعد از ۵ دقیقه مشتری فکر می‌کند ۲ برابر زمان واقعی معطل شده است.

نتایج یک معطلی زیاد

دهان‌های ناراضی / حرف مردم

فروش کم



پشیمانی: مشتریان، صف انتظار را بعد از مدت زمان مشخص ترک می‌کنند

امتناع: مشتریان قبل از ورود به صف انتظار از خرید خود منصرف می‌شوند

از مشتریان به خاطر اینکه فرد دیگری از یک فروشنده تجربه منفی داشته، از آن فروشنده خرید نمی‌کنند.

عدم ورود: مشتریان با متوجه شدن وجود صف طولانی از کنار محل تجارت شما می‌گذرند.

تغییرات کوچک؛ نتایج بزرگ

۵٪ توجه بیشتر به مشتری می‌تواند ۷۵٪ سود را افزایش دهد





بن بست اقتصاد

شاید دقیق‌ترین جواب به این پرسش که «آینده اقتصاد ایران چه خواهد شد؟» عبارت «مشخص نیست» باشد. اقتصاد در ایران گره کوری با عالم سیاست خورده است و متغیرهای غیراقتصادی مانند تحریم، متغیرهای عرضه و تقاضا را دستخوش تغییرات اساسی می‌کنند. آینده طولانی‌مدت اقتصاد ایران هرچند مشخص نیست اما در کوتاه‌مدت می‌توان مطمئن بود در انتهای امسال با بحران‌هایی نظیر تورم (و شاید ابر تورم)، رکود، رشد منفی اقتصادی، کاهش قدرت خرید و... مواجه خواهیم بود. در این پرونده به ابرم تورم و دلایل تمایل دولت برای ایجاد تورم، راه‌هایی برای برون‌رفت از وضع موجود و نظرات برخی از اقتصاددان‌ها درباره آینده اقتصاد ایران پرداخته‌ایم.



۳۴

ابرتورم

۳۶

وضعیت خاص

۳۸

وضعیت نامعلوم

۴۰

دلیل تمایل دولت برای ایجاد تورم

اَبَر تَورم



هادی فرامرزی

دانشجوی دکترای اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس

در چند روز گذشته با جمعی از خرده فروشان بازار تهران و شهرستان گفتگویی انجام دادم. نکات جالبی از بحث های بازاریان قابل برداشت بود. یکی از مهم ترین آنها انبار ضایعات یا دور ریز بود. بخش مهمی از بازاریان اظهار می کردند که با شروع گرانی ها در تیر ماه سال ۱۳۹۷، به مرور تولید محصولات بی کیفیت در بازار تهران و به طبع آن شهرستان ها افزایش داشته است.

... به این ترتیب در روزی از همان ماه های اولیه به سراغ انبارهای ضایعات خود رفتیم و محصولاتی که تا امروز آنها را دور ریز می دانستیم و ضرر و زیان آن را پرداخت کرده بودیم را به بازار عرضه کردیم. همین ضایعات را در گرانی ها به دو برابر قیمت قبل فروختیم و مشتری ها نیز راضی بودند.

عبارت بالا از سه منظر قابل بررسی است. منظر اول گفته معروف جان باپتیس سی' اقتصاددان فرانسوی است که هر عرضه ای تقاضای خود را دارد و منظر دوم حجم نقدینگی بالای در دست مردم است که هنوز امکان خرید هر محصولی را به آنها می دهد. منظر سوم که از دو مورد قبلی کم اهمیت تر نیست، انتظارات تورمی مردم است.

در بررسی منظر اول می توان گفت که اقتصاد ایران اکنون در مرحله ای قرار ندارد که با ایجاد تقاضا بتوان ایجاد اشتغال کرده و بخشی از فشار تورمی محسوس یک سال گذشته را با آن مرتفع نمود. بر مبنای نظریه کینز' در صورتی که با رکود شدید مواجه باشیم می توانیم با افزایش مخارج دولت، تولید کل را افزایش دهیم. اما دولت در دوره فعلی با تحریم نفتی که مهم ترین منبع درآمدی اش است، توان افزایش مخارج خود را ندارد. از سویی در اقتصاد ایران با رکودی تورمی مواجه هستیم که برای درمان

آن باید به طرف عرضه اقتصاد رجوع کنیم و با انتقال تابع عرضه بخشی از فشار تورمی را کاهش دهیم. متأسفانه امروز رویکرد دولت در مواجهه با تحریم ها کاهش هزینه های جاری و در اندک موارد باقی مانده کاهش هزینه های عمرانی مانند طرح های نوسازی مدارس، دانشگاه ها و غیره است.

در منظر دوم حجم نقدینگی بالا مهم ترین دلیل افزایش تقاضا و در نتیجه تورم بوده است. معادله ساده کلاسیک اقتصاد مدرن با ورود بازار پول به صورت زیر است:

$$\text{رشد پول} + \text{رشد سرعت گردش پول} = \text{رشد تولید} + \text{رشد قیمت ها}$$

به سادگی قابل بیان است که در سال ۱۳۹۷ بنابر گزارش های بانک جهانی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، رشد اقتصادی یا رشد تولید ۶- درصد بوده است. در عین حال در پنج سال گذشته، سالیانه فارغ از تعریف کامل کسری بودجه که شامل درآمدهای نفتی هم می شود، به طور میانگین در حدود ۶۵ هزار میلیارد تومان سالیانه کسری بودجه وجود داشته است. بخشی از کسری بودجه با فروش اوراق مشارکت دولتی تامین مالی شده است. اما در سال ۱۳۹۷ بخش مهمی از بازپرداخت اوراق قرضه دولتی صورت نگرفته است و دولت دیگر توان جلب رضایت مردم برای مشارکت در طرح های دولتی و فروش اوراق قرضه دولتی را ندارد. به این ترتیب کسری بودجه مزمن دولت عموماً از طریق چاپ پول و افزایش پایه پولی صورت گرفته است. با رشد پول و با فرض منظر سوم یعنی نااطمینانی نسبت به تورم و به عبارتی رشد سرعت گردش پول، طرف راست معادله بالا در برابر طرف چپی قرار دارد که یک بخش آن ۶ درصد رشد منفی داشته است. پس باید حق داد

که تمامی رشد طرف راست در رشد قیمت‌ها خلاصه شود.

منظر سوم یعنی انتظارات تورمی مردم به وضوح از سویی تحت تاثیر تحولات و تغییرات سیاسی و اجتماعی قرار دارد و بخش دیگر آن نیز با تغییرات ارزش پول ملی در ارتباط است. در تابستان سال ۱۳۹۷ با کاهش ارزش ریال در برابر دلار و سه برابر شدن قیمت دلار در بازار، عمده افرادی که نقدینگی ریالی در اختیار داشتند با هجوم به بازار معنی واقعی عبارت پول داغ است را به نمایش گذاشته و شروع به خرید کالاهای بادوام کردند.

با این سه منظر به سراغ ابرتورم و امکان وقوع آن می‌رویم. نرخ تورم سالانه در فروردین سال ۱۳۹۸ در حدود ۵۱.۴ درصد در مقایسه با ۴۷.۵ درصد نسبت به اسفند سال ۱۳۹۷ بوده است. چنین نرخ تورمی بالاترین رکورد ثبت شده برای اقتصاد ایران از دسامبر ۱۹۹۵ بوده است. قیمت‌ها در فروردین سال ۱۳۹۸ به ترتیب با رشد ۲۵.۳ درصد در مقایسه با ۲۴.۳ درصد در بخش مسکن، ۸۴.۴ درصد در مقایسه با ۷۳.۲ درصد در بخش خوراک و آشامیدنی، ۸۰.۱ درصد در مقایسه با ۷۸.۳ درصد در بازار لوازم خانگی، ۵۷.۸ درصد در مقایسه با ۵۵.۵ درصد در پوشاک، ۴۸.۱ درصد در مقایسه با ۴۱.۶ درصد در رستوران و هتل‌داری نسبت به اسفند ماه سال ۱۳۹۷، همراه بوده است. همچنین در بخش خدمات به طور کلی ۵۷.۳ درصد تورم وجود داشته است که آموزش با تورم ۲۱.۲ درصد، حمل و نقل ۵۲.۵ درصد، کالاهای فرهنگی ۷۲.۰ درصد و تنباکو با تورم ۱۲۳.۴ درصد در ۳۰ سال گذشته رکورد زده‌اند. در این میان تنها ارتباطات بوده است که تورم ۳۷.۵ درصدی خود را ثابت نگه داشته است.

ابرتورم در نظریات اقتصادی یک پدیده پولی است که در صورت کاهش ارزش پول و یا افزایش حجم نقدینگی با سرعت کل اقتصاد یک کشور را با بحران روبرو می‌کند. از اولین نمونه‌های ابرتورم جمهوری وایمار پس از پایان جنگ جهانی اول بود که دولت آلمان برای بازپرداخت بدهی‌های خود بر اساس کنفرانس ورسای، مجبور به چاپ اسکناس تا سرحدی شد که در سال ۱۹۲۳ تقریباً نیمی از چاپخانه‌های این کشور به چاپ پول مشغول بودند. در دوره وایمار پس از جنگ جهانی اول هزینه یک وعده

غذایی در رستوران‌های وایمار چیزی حدود ۴ میلیارد مارک به همراه ۵۰۰ هزار مارک انعام بود. در این دوره سیاست وایمار به رهبری دکتر شاخت^۱ رییس رایش بانک، تغییر واحد پولی و مینا قرار دادن واحد پول با پشتوانه زمین بود. از تاریخ ابرتورم خارج شویم، باید چنین هیولایی را در اقتصاد ایران جدی گرفت.

ابرتورم همین امروز هم وارد اقتصاد ایران شده است. کیفیت و کمیت رشد نقدینگی، نوسان در بازار فارکس^۲، افزایش قیمت‌ها در ماه‌های گذشته در کنار درآمدهای نفتی بی ثبات به دلیل تحریم‌ها و به طبع آن کاهش درآمدهای مالیاتی از مواردی است که دلیل اصلی ابرتورم ظهور یافته در اقتصاد ایران است. از سویی دیگر انتظارات تورمی در اقتصاد افزایش یافته که به طبع آن باید سطح دستمزدها نیز افزایش یابد. بخشی از افزایش سطح دستمزدها به دلیل نبود نظارت قانونی درست، بر افزایش قیمت کالاهای نهایی سرریز می‌شود که همین امر تورم‌زایی بالایی را با خود به همراه دارد.

بر اساس گزارش‌های منتشر شده توسط بانک جهانی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، نقدینگی در فاصله سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۸ یعنی در طول ۵ سال منتهی به سال ۱۳۹۸ از ۵،۶۳۰،۰۰۰ هزار میلیارد ریال به ۱۶،۷۲۰،۰۰۰ هزار میلیارد ریال افزایش یافته است که شامل چک پول‌ها و پول نقد در دست مردم و حساب‌های بانکی می‌شود که حساب‌های بانکی تنها ۱۵ درصد کل این حجم نقدینگی است. البته چنین مبلغی در برابر دلار چیزی بیش از ۱.۵ میلیارد دلار است، اما بدین معنی نیست که قابل تعویض به این حجم دلار خواهد بود. در واقع رشد حجم نقدینگی نتیجه سیاست دولت برای چاپ پول در جهت پرداخت دستمزدها و حقوق کارمندان است که همین عمل ارزش پول ملی را به شدت کاهش می‌دهد. البته ابرتورم در پاره‌ای موارد با نرخ بهره بالای بانکی قابل کنترل خواهد بود اما همانگونه که ذکر شد تنها ۱۵ درصد کل حجم نقدینگی در اختیار بانک‌ها و موسسات بانکی است.

با تحریم‌های یک جانبه غرب علیه اقتصاد و مردم ایران، بخش عمده‌ای از درآمدهای نفتی محقق نشده است. دولت علاوه بر کسری بودجه سالانه به احتمال قوی با کاهش درآمدهای نفتی کسری بودجه حداقل ۹۰ هزار میلیارد تومانی و در صورت صفر شدن درآمدهای نفتی کسری بودجه بالاتری معادل ۱۵۰ هزار میلیارد تومان

را به همراه خواهد داشت. در این صورت اگر دولت بخواهد کسری بودجه موجود را از طریق چاپ اسکناس و افزایش پایه پولی تامین نماید، با ابرتورم شدید مواجه خواهد بود.

راه حل کوتاه مدت کنترل حجم نقدینگی، کاهش چاپ اسکناس و مدیریت خلق پول جدید است. در کنار آن بانک‌ها باید بخشی از دارایی‌های مازاد خود را به فروش گذاشته و بر تراکنش‌های با سطح بالای بانکی مالیات وضع شود. همچنین خرید ارز در جهت حفظ ارزش و سکه طلای متعاقب آن باید مشمول پرداخت مالیات باشند. تسهیلات برای پرداخت سود بانکی سپرده‌های بلند مدت باید بهبود یافته و در مجموع همه انواع نشانه‌های نوسان در بازار مدیریت و کنترل شوند.

اما در میان مدت و در مقیاس کلان برای تامین مالی مخارج دولت، باید به سمت مالیات بر تجمیع درآمد یا ثروت و در کنار آن بهره بردن از رانت ریالی درآمدهای نفتی که از طریق مالیات بر صنعت نفت و صنایع مصرف‌کننده مواد خام تامین می‌شود، حرکت کرد. از طریق مالیات بر تجمیع درآمد و استفاده از رانت ریالی نفت، هم میل دولت به انتشار پول کاهش پیدا کرده و هم توزیع مجدد درآمد از طریق طرح هدفمندی یارانه‌ها قابل تحقق خواهد بود. از سوی دیگر درآمدهای فردی شفاف شده و بسیاری از ابهامات چرخه اقتصادی ایران شامل اقتصاد غیر رسمی کاهش پیدا می‌کند. در نهایت باید گفت اتخاذ رویکرد تامین مالی از طریق مالیات چندان پیچیده نیست. در تمامی تاریخ اقتصاد کشورهای مدرن، مالیات از طریق اظهارنامه مالیاتی بر اشخاص و نه نهادها وضع شده است و پشتوانه آن یک نظام حقوقی قدرتمند بوده است. ■

یادداشت:

۱. say
۲. keynes
۳. Hjalmar Schacht
۴. Forex

اقتصاد ایران اکنون در مرحله‌ای قرار ندارد که با ایجاد تقاضا بتوان ایجاد اشتغال کرده و بخشی از فشار تورمی محسوس یک سال گذشته را با آن مرتفع نمود. بر مبنای نظریه کینز^۳ در صورتی که با رکود شدید مواجه باشیم می‌توانیم با افزایش مخارج دولت، تولید کل را افزایش دهیم. اما دولت در دوره فعلی با تحریم نفتی که مهم‌ترین منبع درآمدی‌اش است، توان افزایش مخارج خود را ندارد.

وضعیت خاص

چگونه چشم‌انداز سیاه را کمی سفید کنیم؟



محمد کوثری

کارشناس مدیریت تحقیقات اقتصادی • بانک خاورمیانه

اقتصاد ایران که سال ۱۳۹۷ را با دشواری‌های زیادی پشت سر گذاشت، سال ۱۳۹۸ را با سختی‌های بیشتری پیش‌رو دارد. رشد اقتصادی منفی و تورم افسارگسیخته خلاصه شرایط اقتصادی کشور در سال گذشته بود که در سال جاری امیدی به بهبود هیچ یک از آن نیست. حرف از رونق تولید و صحبت از بهبود شرایط اقتصادی در حالی مطرح می‌شود که شواهد و قرائن مؤید آن نیست و پیش‌بینی مراکز معتبر داخلی و خارجی نیز خلاف آن را می‌رساند. مطالعات مختلف عمدتاً بر وقوع مجدد پدیده رکودتورمی در اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۸ اتفاق نظر دارند و این سال را سال سختی برای اقتصاد ایران می‌دانند. مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی با تأکید بر سناریوهای محتمل میزان صادرات نفت، رشد اقتصادی در این سال را بین منفی ۴/۵ تا منفی ۵/۵ درصد پیش‌بینی می‌کند. صندوق بین‌المللی پول این رقم را (در سال ۲۰۱۹) منفی ۳/۶ درصد و نشریه معتبر اکونومیست نیز آن را منفی ۳/۷ درصد می‌داند. در ارتباط با تورم نیز پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی از تورم سالانه ایران برای سال ۲۰۱۹ به ترتیب ۳۴/۱ و ۳۱/۲ درصد است. آنچه از مصاحبه‌ها و گزارش‌های موردی صاحب‌نظران اقتصادی داخل و خارج نیز برداشت می‌شود، تا حد زیادی تأیید این ارقام و حتی انتظار شرایط نامطلوب‌تر است.

اما این انتظارات منفی از کجا حاصل می‌شود و چه پیش‌فرض‌هایی دارد؟ و آیا این امکان وجود دارد که با تغییر شرایط افق رشد اقتصادی مثبت شود؟ برای تبیین وضع موجود ابتدا یک تصویر نسبتاً سیاه از شرایط فعلی را مرور کنیم که اگرچه در برخی موارد متأسفانه امیدی به تغییر آن حداقل در کوتاه‌مدت نیست، در برخی موارد بهبود آن تنها نیاز به ریشه‌یابی و اراده واقعی سیاست‌گذار دارد.

تبیین وضع موجود

در بعد خارجی، بدعهدی و خروج غیرمتعارف ایالات متحده از توافق هسته‌ای با ایران و تشدید محدودیت‌های بین‌المللی بخش مهمی از تولید ناخالص داخلی و درآمدهای نفتی کشور را تحت تأثیر قرار داد. محدودیت صادرات نفت برای ایران طبیعتاً تولید و ارزش افزوده از این محل را کاهش می‌دهد و به طور مستقیم حدود ۲۰ درصد از اقتصاد کشور که مربوط به استخراج نفت و گاز طبیعی است را تضعیف می‌کند. علاوه بر این، کاهش درآمدهای دولت، هزینه‌کرد دولت که می‌تواند در طول یک چرخه به ایجاد ارزش افزوده منجر شود را مختل کرده و به طور غیرمستقیم نیز رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. افت رشد اقتصادی خود به معنای کاهش درآمدهای مالیاتی دولت است که این چرخه معیوب را تقویت می‌کند. کاهش قابل پیش‌بینی درآمدهای دولت در سال ۱۳۹۸ و بیش برآورد آنها در لایحه بودجه در حالی وجود دارد که هزینه‌ها قطعاً با همان شدت افت نمی‌کند. بنابراین تشدید کسری بودجه نتیجه کاملاً قابل انتظار برای این سال خواهد بود که اگر باز هم نهایتاً

به بانک مرکزی ختم شود و نقدینگی را بیش از پیش افزایش دهد، در کنار رکود اقتصادی، آثار مخرب تورم بسیار بالا نیز خودنمایی خواهد کرد. علاوه بر این، برخی از محدودیت‌های بین‌المللی نیز از داخل تشدید می‌شود. اینکه خودمان وارد توافقات گروه ویژه اقدام مالی (FATF) نشویم یا بانک‌های ما آمادگی لازم برای ارتباط با بانک‌های خارجی، حتی در شرایط قبل از اعمال مجدد تحریم، را نداشته باشند، مسأله دیگری است.

هر چند محدودیت‌های خارجی و تحریم‌های بی‌رحمانه و ناعادلانه بین‌المللی اقتصاد ایران را به شدت تحت تأثیر قرار داده، نباید فراموش کنیم که ساختار داخلی اقتصاد کشورمان نیز آمادگی و پتانسیل رشد پیوسته و بلندمدت را نداشته است. در اقتصاد ایران، از بین سرمایه، نیروی کار و بهره‌وری به عنوان سه نهاده اصلی تولید، به طور تاریخی سرمایه نقش به مراتب مهمتری را ایفا می‌کند. این ویژگی که مختص اقتصاد ایران هم نیست در هر کشوری که حاکم باشد موجب ناپایداری رشد اقتصادی و پرنوسان بودن آن می‌شود. به خصوص وقتی که سرمایه و سرمایه‌گذاری وابسته به درآمدهای حاصل از منابع طبیعی باشند که در این صورت هر گونه نوسان در تولید، فروش یا قیمت آن موجب نوسان بیشتر در سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی می‌شود. به همین دلیل است که توسعه در هر کشوری در ابتدا از سمت افزایش سرمایه و سرمایه‌گذاری ایجاد می‌شود و در ادامه در حالی که سرمایه‌گذاری ادامه دارد، رشد مستمر از طریق افزایش بهره‌وری ادامه پیدا می‌کند. چرا که با بزرگ شدن موجودی سرمایه، به رشد سرمایه‌گذاری به مراتب بالاتری نیاز است تا انباشت موجودی سرمایه را اندکی افزایش دهد و سرمایه‌گذاری جدید حتی اگر به استهلاک انباشت موجودی سرمایه بچرخد، نکته مثبتی خواهد بود. در چنین شرایطی در اقتصاد ایران نه تنها رشد بهره‌وری امری کاملاً مغفول بوده و نیروی انسانی با کیفیت هم غالباً به مهاجرت فکر کرده، بلکه سرمایه‌گذاری هم آن‌طور که باید انجام نشده و آمار رسمی تشکیل سرمایه ثابت ناخالص منفی بوده است (منفی ۳/۸ درصد در نه ماه نخست ۱۳۹۷). در بخش دولتی پولی که باید به سرمایه‌گذاری اختصاص یابد سهم یارانه‌های پنهان ارز و سوخت و امثالهم می‌شود که اتفاقاً اثر منفی بر بهره‌وری دارند و به طور مستقیم و غیرمستقیم تولید را تضعیف می‌کنند. بخش خصوصی هم که به دلیل محیط کسب‌وکار نامطلوب و نااطمینانی‌های شدید، کمتر علاقه و رغبتی به سرمایه‌گذاری در ایران دارد و فعالین اقتصادی نیز اغلب به سمت دلالتی سوق داده شده‌اند.

علاوه بر کسری بودجه مزمن، مشکل صندوق‌های بازنشستگی و سیستم بانکی که به ابرچالش‌های مالی اقتصاد ایران معروف شده‌اند نیز به قوت خود باقی هستند. این ابرچالش‌های نگران‌کننده منابع را از سرمایه‌گذاری دور کرده و به سمت مصرف سوق می‌دهند. بخش قابل توجهی از رشد هزینه‌های جاری دولت در بودجه ناشی از ناترازی صندوق‌های

بازنشستگی و اتکای آنها به منابع بودجه است. این امر باعث می‌شود به مرور سهم بودجه عمرانی به بودجه جاری اختصاص پیدا کند و نقش دولت در سرمایه‌گذاری رو به افول رود. کسری بودجه نیز معمولاً با صرف نظر کردن از هزینه‌های عمرانی همراه است. مشکل بانک‌ها نیز باعث می‌شود که ترجیح به تسهیلات سرمایه در گردش و کوتاه‌مدت باشد و قدرت کسب‌وکارها برای سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد. مجموعه همین عوامل موجب شده که نسبت تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به تولید ناخالص داخلی در نه ماهه نخست ۱۳۹۷ به حدود ۱۴ درصد برسد و احتمالاً در سال ۱۳۹۸ از این هم کمتر شود؛ در حالی که این سهم در سال ۱۳۹۰ بیش از ۲۰ درصد بوده است.

در مورد تورم هم شرایط سال ۱۳۹۷ سخت و شرایط سال ۱۳۹۸ نگران‌کننده است. تورم سال گذشته که به طور قابل توجهی بیشتر از تورم چند سال قبل از آن بود تحت تأثیر عوامل مختلفی شکل گرفت که یکی از مهمترین آنها رشد سریع ترنقدینگی نسبت به متوسط رشد اقتصادی و عامل دیگر جهش نرخ ارز پس از چندین سال سرکوب بود. کسری بودجه دولت از یک سو و مشکلات نظام بانکی کشور از سوی دیگر دو چالش بزرگی هستند که اغلب در مواجهه با آنها از منابع بانک مرکزی استفاده شده و هیچ وقت هم همتی برای حل آنها وجود نداشته است. استفاده از منابع بانک مرکزی به معنای تشدید رشد پایه پولی و نقدینگی و فشار بیشتر بر قیمت‌های اسمی خواهد بود. چنانچه کشورهایی که با ابرتورم مواجه شدند نیز این موضوع را تجربه کرده‌اند. علاوه بر این، شتاب گرفتن افت ارزش پول ملی و انتظارات تورمی موجب تسریع روند تبدیل شبه‌پول به پول می‌شود که به معنای افزایش سرعت گردش پول و لذا افزایش اثر تورمی آن خواهد بود. افزایش قیمت اگرچه در همه کالاها و خدمات وجود دارد، اما سرعت آن متفاوت است؛ به نحوی که معمولاً شکاف طبقاتی را بدتر می‌کند و قشرهای ضعیف اقتصادی را بیشتر آسیب می‌زند.

جمع‌بندی و راه‌کار

کلیات موارد مطرح شده در این یادداشت اینطور خلاصه می‌شود که فشار تحریم‌های خارجی در کنار کاهش سرمایه‌گذاری به عنوان یکی از مهمترین عوامل داخلی، اقتصاد ایران را بار دیگر دچار رکود سمت عرضه کرده است که تورم بسیار بالای قیمت کالاها و خدمات نیز با آن هم‌زمان و همراه شده است. پدیده‌ای به نام رکود تورمی که در حداقل برای کشورهای توسعه‌یافته و حتی در حال توسعه به ندرت اتفاق می‌افتد اما طی یک دهه دو بار در ایران تجربه شده است. شرایطی که مواجهه با آن بسیار مشکل است و سیاست‌های اشتباه می‌تواند به راحتی اوضاع را وخیم‌تر کند. اشتباه در شناسایی ریشه‌ها و یا اصرار برای وارونه نشان دادن علت‌ها گاه منجر به پیشنهادات و سیاست‌های خطرناکی مثل تحریک تقاضا برای رونق بخشیدن به تولید می‌شود. در شرایطی که ریشه مشکلات تولید سمت عرضه است (نه سمت تقاضا) و تورم فزاینده قیمت‌ها دامن‌گیر همه

بازارها شده است، تحریک تقاضا تنها به معنای کمک به رشد بیشتر قیمت‌ها و تجربه ناخوشایند ابرتورم خواهد بود، نه برطرف شدن موانع تولید.

بنابراین، در شرایطی که اقتصاد ایران از داخل و خارج در تنگنا قرار گرفته و به سمت کوچک شدن حرکت می‌کند و قیمت‌ها نیز روز به روز افزایش می‌یابند و حداقل در تئوری سقفی برای آنها وجود ندارد، حساسیت سیاست‌گذاری بسیار بالا خواهد بود. اگر نخواهیم این شرایط سخت و چشم‌انداز نگران‌کننده پیش‌رو تحقق یابد، باید ریشه‌ها را به درستی شناسایی کنیم، به علم اقتصاد به معنای واقعی اعتماد داشته باشیم و سیاست‌های شکست

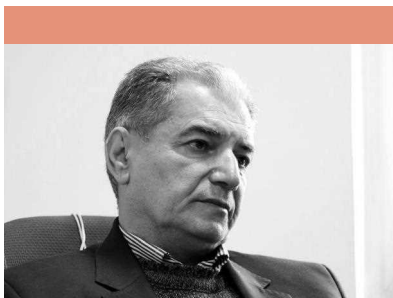


عکس: Jonathan Knowles

در شرایطی که ریشه مشکلات تولید سمت عرضه است (نه سمت تقاضا) و تورم فزاینده قیمت‌ها دامن‌گیر همه بازارها شده است، تحریک تقاضا تنها به معنای کمک به رشد بیشتر قیمت‌ها و تجربه ناخوشایند ابرتورم خواهد بود، نه برطرف شدن موانع تولید.

خورده را خودمان دومرتبه آزمایش نکنیم. دل خوش کردن به بخشنامه و تعزیرات و قیمت‌گذاری دستوری دستاوردی جز همان شکست‌های قبلی برآیمان به ارمغان نخواهد آورد و هیچ معجزه‌ای در کار نخواهد بود. اگر هدفمان واقعاً بهبود شاخص‌های اقتصادی و معیشتی است، نیاز به یک همت تمام عیار و همه‌جانبه وجود دارد که تا حد امکان از شدت تنش‌های خارجی کم کند و تا جای ممکن کمبودهای داخلی را جبران نماید. بهبود محیط کسب‌وکار و مهیا کردن شرایط مطلوب برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، حداقل از جانب قوانین و مقررات، شاید اولین قدمی باشد که سیاست‌گذار بدون تأخیرپذیری قابل توجه از خارج می‌تواند بردارد. پرهیز از توزیع رانت و شفاف‌سازی نیز می‌تواند انگیزه بنگاه‌های کارا برای فعالیت اقتصادی را افزایش دهد. هر چه به بهانه‌های مختلف مثل تأمین معیشت دهک‌های پایین سیاست‌های اشتباه اقتصادی از جمله تخصیص دلار ۴۰۰ تومانی یا ارزان نگه داشتن بنزین و امثالهم ادامه یابد، اتفاقاً این قشر ضعیف است که بیش از سایرین آسیب می‌بیند و شکاف طبقاتی بیشتر می‌شود. ■

وضعیت نامعلوم

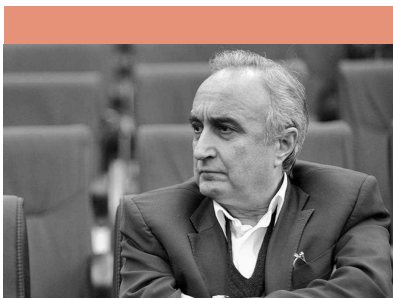


محمدقلی یوسفی

عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی

اگر طرح‌های عمرانی رونق بگیرند می‌توان امید داشت که بخشی از بیکاری از بین برود و در این شرایط شاید وضعیت رکود اقتصادی هم کمی بهبود یابد. یکی از راه‌های مهم برای خروج از وضعیت رکود، جذب سرمایه خارجی است که با توجه به شرایط تحریم‌ها این ممکن نخواهد شد. دولت باید بتواند از فرصت‌های باقی مانده برجام به موقع بهره بگیرد و یکی از این مسیرها اینستکس است تا بنگاه‌های کوچک و متوسط اروپایی با بنگاه‌های ایرانی وارد همکاری شوند. در این وضعیت باید افزایش تقاضا در خارج از کشور را مدنظر قرار داد و با انعقاد پیمان‌های تجاری دوجانبه و چندجانبه و جذب منابع سرمایه‌گذاری خارجی و همچنین انتقال تکنولوژی شرایط را برای خروج از رکود فراهم کرد. البته ما تجربه‌ای هم در دوره برجام داریم که خیلی از عوامل داخلی دست به دست هم داد تا علیه این وضعیت کار کند. موضوع مهم دیگر برای خروج از رکود مقررات‌زایی و جلوگیری از تورم مقررات در کشور است. ایران به لحاظ بار مقررات دولتی رتبه پایین‌تری دارد. در کنار این وضعیت اصلاح ساختار مالیاتی باید مورد توجه باشد و خیلی از بنگاه‌های اقتصادی که سالهاست از مالیات دادن معاف هستند به چرخه مالیات دهی بازگردند.

در کنار همه این موارد باید به اقتصاد گردشگری یا همان اقتصاد بدون نفت توجه شود. اما همه این‌ها به این بستگی دارد که آیا عزمی برای خروج از دوره رکود وجود دارد یا دولت به قدری درگیر مشکلات متعدد است که همچون روزهای اول پیروزی‌اش توانی برای حرکت ندارد.



موسی غنی‌نژاد

عضو هیات علمی دانشگاه صنعت نفت

با وجود بدبینی و ناامیدی که در مورد سیاستگذاری دارم، معتقدم در نهایت، دیر یا زود، گشایشی حاصل می‌شود و اقتصاد ایران از این وضع اسفناک فعلی بیرون می‌آید. اما آن موقع باید این را در نظر داشته باشیم که به چه علت این وضع پیش آمد تا بتوانیم از تکرار تجربه و گرفتار شدن مجدد در چنین شرایطی اجتناب کنیم. از این رو به این مساله می‌پردازم که چرا وضع اقتصاد به اینجا رسید. از نظر من در سال ۱۳۹۲ که آقای روحانی به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شد، خلاف آنچه به زبان می‌گفت، نظریه اقتصادی مشخصی نداشت و تصمیماتش در حوزه اقتصاد تابع روزمرگی بود. با آمدن ترامپ بر سرکار و خروج ایالات متحده آمریکا از برجام بروز مشکلات را جلو انداخت و به آنها عمق بیشتری بخشید. اما قبل از ترامپ، شرایط فراهم شده بود. وقتی بانک‌های بزرگ به‌رغم برداشتن تحریم با بانک‌های ایرانی همکاری نکردند، وقتی سرمایه‌گذار خارجی از ورود به اقتصاد ایران استقبال نکرد، انتظارات تغییر مسیر داد و برگشت. خلاصه انبار باروت فراهم شده بود و ترامپ فقط جرقه را زد.

تهیه شده در تحریریه بانک خاورمیانه

خوش‌بین‌ترین اقتصاددان‌ها نیز معتقدند سال ۹۸ سال خوبی به لحاظ اقتصادی نخواهد بود و کشور حداقل در کوتاه‌مدت وضعیت خوبی در شاخص‌هایی نظیر رشد اقتصادی، تورم، بیکاری و... نخواهد داشت. برخی با وجود این واقع‌بینی معتقدند با رعایت برخی اصول می‌توان مجربایی برای تنفس اقتصاد ایران یافت و وضعیت را کمی بهبود بخشید.

در این گزارش، نظرات برخی از اقتصاددانان درباره آینده اقتصاد ایران در سال ۹۸ که در رسانه‌های مختلف منعکس شده است را گردآوری و جمع‌بندی کرده‌ایم با این توضیح که برخلاف همیشه که تلاش می‌کردیم نظرات مخالف و موافق را حول موضوعی در کنار هم داشته باشیم؛ در این مطلب به دلیل نیافتن اقتصاددان موافق (خوش‌بین نسبت به آینده نزدیک) نظرات دو گروه مخالف و کمتر مخالف منعکس شده است.



کمیل طیبی

اقتصاددان و عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان

برآوردهای بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول بیشتر مبتنی بر کاهش نرخ رشد تولید در ایران بوده، بنابراین پیش‌بینی می‌شود برای سال آینده یا با نرخ رشد منفی مواجه می‌شویم یا اساساً رشدی نخواهیم داشت. این امکان که سال آینده از ناحیه تحریم‌های بین‌المللی و کاهش درآمد نفتی دچار کسری بودجه شویم، بسیار وجود دارد. چرا که هنوز بخش بزرگی از درآمدهای موجود در بودجه تحت تاثیر درآمدهای نفتی است. از طرف دیگر هنگامی که رکود وجود دارد، بحث تحقق درآمدهای مالیاتی نیز دچار تردید می‌شود. بنابراین به‌طور کل درآمد دولت تحت تاثیر قرار می‌گیرد. به همین علت این امکان وجود دارد که دولت سال آینده با کسری بودجه قابل توجه مواجه شود.



وحید شقاقی شهری

عضو هیات علمی دانشگاه خوارزمی

سال ۹۸ نسبت به ۹۷ سال سخت‌تری خواهد بود زیرا در ۶ ماهه نخست سال ۹۷ وضعیت درآمدهای ارزی دولت بسیار مناسب بود. افزایش قیمت نفت از ۷۵ تا ۷۵ دلار اتفاق افتاد. سال ۹۸ شاهد تاثیرات تحریم‌ها بر منابع درآمدی دولت، بر اقتصاد ایران و بر تولید خواهیم بود. بنابراین در سال ۹۸ شاهد اثرات تحریم‌ها بر بدنه تولید خواهیم بود و در سال آینده درآمدهای ارزی حاصل از کاهش صادرات نفت، پایین خواهد آمد و همچنین شاهد کاهش درآمدهای مالیاتی خواهیم بود زیرا تولید افت خواهد داشت. در سال ۹۸ شاهد اثرات تورمی حاصل از افزایش قیمت دلار خواهیم بود و به عبارت بهتر در سال آینده اثرات تورمی و تحریم‌ها به تدریج خود را نشان خواهند داد.



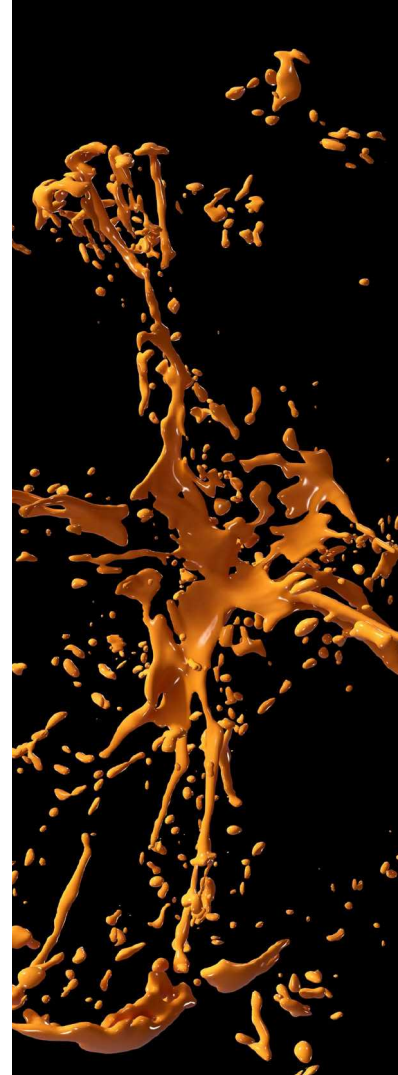
مسعود نیلی

مشاور عالی پیشین حسن روحانی
رئیس جمهوری

می‌توان با اطمینان نسبتاً بالایی گفت که رشد اقتصادی سال ۹۸ در بازه منفی سه تا منفی پنج خواهد بود. البته برحسب اینکه نسبت به تورم، که عدم قطعیت بیشتری در مورد آن وجود دارد، چه واکنشی از سوی سیاستگذار نشان داده شود، نرخ رشد اقتصادی می‌تواند تغییر کند. در مجموع قاعدتاً این اتفاق نظر را داریم که سال بعد سال خوبی برای اقتصاد ایران نخواهد بود. فکر نمی‌کنم به لحاظ کیفی بتوان برآورد دیگری جز رکود تورمی در اقتصاد داشت گرچه ممکن است اعداد برآوردی درباره رشد و تورم کمی پایین‌تر یا بالاتر باشد که در مجموع تفاوتی ایجاد نمی‌کند. تصویر سال آینده اقتصاد ایران نگران‌کننده است. حجم نقدینگی در مقیاسی بزرگ در حال افزایش است. شاید مقدار مطلق افزایش نقدینگی در سال آینده بیش از کل حجم نقدینگی موجود در اقتصاد تا پایان سال ۱۳۹۱ باشد. از آن طرف تحریم از یک طرف منابع در اختیار اقتصاد را کاهش می‌دهد و از طرف دیگر منابع در اختیار دولت را با شدت بیشتری تقلیل می‌دهد. اگر فرض کنیم رشد اقتصادی امسال سه درصد منفی باشد معنی‌اش این است که ۵۰ هزار میلیارد تومان از سطح درآمد اقتصاد ما کاسته خواهد شد. این کاهش معادل این است که هر ماه ۵۰ هزار تومان از درآمد هر ایرانی کاسته شود.

افزایش نقدینگی در مقیاس بزرگ همراه با رکود و نظام چندقیمتی، به‌طور طبیعی به گسترش فساد و رانت جویی و افزایش نابرابری خواهد انجامید. بروز این پدیده همراه با دسترسی گسترده و سریع به اطلاعات (فضای مجازی) و تعداد کثیر فارغ‌التحصیلان جوان بیکار، زمینه بسیار مساعدی را برای شکل‌گیری پوپولیسم چپ فراهم می‌کند که می‌تواند یک نقطه عطف بسیار خطرناک برای آینده کشور باشد.





دلیل تمایل دولت برای ایجاد تورم



فرشاد فتح‌اللهی
متصدی خزانه • بانک خاورمیانه

یکی از مهم‌ترین مباحثی که در سطح اقتصاد کلان مورد بررسی قرار می‌گیرد ارتباط بین کسری بودجه دولت با تورم است. سیاست کسری بودجه در بسیاری از کشورها به عنوان یکی از ابزارهای سیاست مالی بوده و در ایران نیز به طور مداوم از این سیاست استفاده شده است. این سیاست، فزونی گرفتن برنامه‌ریزی شده مخارج نسبت به درآمدهاست.

بررسی مسائل کسری بودجه در ایران این نکته را آشکار می‌سازد که کسری بودجه در ایران سابقه طولانی داشته و دولت در قبال و بعد از انقلاب با این معضل مواجه بوده است.

افزایش قیمت جهانی نفت در سال ۱۳۵۳ که افزایش درآمد دولت را نیز در برداشته منجر به گسترش نقش دولت شده و بعد از انقلاب اسلامی، تعمیق شکاف میان دریافتی‌های اسمی و پرداختی‌های اسمی دولت به سبب رشد سریع‌تر پرداختی‌های اسمی از عخل کسری بودجه به شمار می‌روند. اما مهم‌تر از مسائل فوق چگونگی تامین این کسری توسط دولت است که در بعضی از سال‌های بعد از انقلاب بیش از ۹۰ درصد از کسری بودجه از طریق استقرار از بانک مرکزی تامین شده است که تاثیر انبساطی قابل ملاحظه‌ای بر تقاضای کل و سطح عمومی قیمت‌ها به جای گذاشته است.

ما در این نوشته به دنبال این هدف هستیم که رابطه بین تورم و کسری بودجه را نشان دهیم برای این منظور اثر تورم را از دو بعد درآمدی و هزینه‌ای مورد بررسی قرار داده‌ایم.

درآمد نفتی مهم‌ترین منبع تامین بودجه کشور است. وابستگی بودجه دولت به درآمدهای نفتی بسیار زیاد است، این وابستگی باعث شده تا سیاست‌های مالی علیرغم جهت‌دهی خاص بودجه‌های سنواری در اقتصاد ایران عملاً از شرایط بازارهای جهانی نفت تبعیت نماید، بر این اساس با کاهش یا افزایش درآمد نفت کسری بودجه دولت تحت تاثیر قرار می‌گیرد به این صورت که با افزایش درآمدهای نفتی کسری بودجه دولت افزایش می‌یابد و بالعکس.

این امر به‌نوعی نشان دهنده اثرات انضباطی مالی دولت در دوره کاهش درآمدهای نفتی و افزایش بی‌انضباطی دولت در دوره افزایش درآمدهای نفتی است. به طوری که افزایش درآمدهای نفتی انبساط خاطر بیشتر برای هزینه‌کرد دولت فراهم کرده و از این طریق موجب گسترش هزینه‌های دولت شده است که در نهایت این امر منجر به کسری بودجه دولت می‌گردد.

یکی دیگر از بحث‌های مطرح در اقتصاد، اثر نوسانات نرخ ارز بر متغیرهای کلان اقتصادی است، نوسانات نرخ ارز هم بخش تقاضای کل اقتصاد و هم بخش عرضه اقتصاد را تحت تاثیر قرار می‌دهد و از این رو یکی از عوامل تاثیر گذار بر تورم است.

در کشوری مثل ایران که بیشتر درآمدهای دولت از محل عایدات ارز حاصل از صدور نفت است، اهمیت نرخ ارز به مراتب بیشتر می‌شود. زیرا این نرخ مستقیماً بر وضع مالی دولت موثر است در واقع می‌توان از لحاظ تئوریک اثر نرخ ارز بر کسری بودجه را بدین شرح تحلیل کرد که ضمن اینکه با افزایش نرخ ارز درآمدهای دولت از محل صادرات نفت بیشتر می‌شود، هزینه‌های دولت نیز به واسطه نرخ ارز افزایش می‌یابد چرا که با افزایش نرخ ارز هزینه‌های دولت هم از جنبه هزینه‌های کالاهای مصرفی داخلی و نیز کالاهای وارداتی افزایش می‌یابد و لذا بسته به

شدت تغییرات درآمد و هزینه‌های دولت، نرخ ارز می‌تواند بر کسری بودجه تاثیر مثبت یا منفی داشته باشد.

بنابراین اثرات تورم از دو بعد درآمدی و هزینه‌ای کسری بودجه را تحت تاثیر قرار می‌دهد و بسته به شدت واکنش اجزای کسری بودجه به تورم، کسری می‌تواند افزایش و یا کاهش یابد.

با عنایت به مبانی نظری می‌توان چنین استدلال کرد که تورم علیرغم این که موجب کاهش درآمدها و هزینه‌های حقیقی دولت شده است، لیکن به دلیل اینکه میزان کاهش هزینه‌های حقیقی بیشتر از میزان کاهش درآمدهای حقیقی دولت بوده، در مجموع تورم سبب شده است کسری بودجه کاهش یابد.

با افزایش تورم درآمدهای حقیقی مالیات دولت کاهش خواهد یافت. این موضوع با طولانی بودن وقفه مالیاتی تشدید خواهد شد. وجود راه‌های گوناگون گریز مالیاتی، عدم شاخص بندی مالیاتی معوقه، عدم استفاده از جریمه برای تاخیرهای مالیاتی، وجود درآمدهای نفتی به عنوان آسان‌ترین راه تامین بودجه، از مهم‌ترین عوامل وقفه‌های طولانی جمع‌آوری مالیات در ایران هستند.

در اقتصاد ایران از یک سو نرخ تورم بالا است و از سوی دیگر وقفه دریافت مالیات طولانی و هم سیستم مالیاتی کم کشش است بنابراین فرضیه تانزی^۱ مبنی بر اینکه افزایش تورم، درآمدهای حقیقی مالیاتی را کاهش می‌دهد قابل رد نیست و می‌توان بر این فرضیه صحه گذاشت.

از سویی سهم بالا از سهمیه بودجه دولت را مخارج جاری تشکیل می‌دهد. طبق نتایج به دست آمده از مطالعات انجام شده استدلال بر این است که مخارج دولت در شرایط تورمی در ایران کاهش می‌یابد. بنابراین فرضیه پاتینکین^۲ مبنی بر این که با افزایش تورم، مخارج حقیقی دولت نیز کاهش می‌یابد تایید شده و نهایتاً افزایش تورم از بعد مخارج، کسری بودجه را تحت تاثیر قرار می‌دهد. بنابراین تورم از طریق اثر تانزی و پاتینکین به‌طور معناداری کسری بودجه را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

هرچند افزایش تورم باعث کاهش مخارج حقیقی و درآمدهای حقیقی دولت می‌شود، لیکن اثر پاتینکین بر اثر تانزی غلبه کرده و تورم از بعد مخارج با فعال کردن اثر پاتینکین کسری بودجه را کاهش می‌دهد.

بنابراین نتیجه می‌گیریم که دولت با افزایش تورم کسری بودجه خود را جبران می‌کند. ■

یادداشت:

۱. تانزی (۱۹۸۷) به این عقیده است که افزایش نرخ تورم: Tanzi. ممکن است درآمدهای مالیاتی حقیقی را کاهش دهد و کسری بودجه را تشدید کند. به عبارت دیگر تانزی از ناحیه درآمد، کسری بودجه را تحت تاثیر قرار می‌دهد

۲. Patinkin: تعدیل کسری بودجه ناشی از کاهش مخارج حقیقی می‌شود. که از افزایش تورم حاصل می‌شود به اثر پاتینکین مشهور است. به عبارت دیگر پاتینکین از ناحیه هزینه‌ها، کسری بودجه را تحت تاثیر قرار می‌دهد



مونیک

اولین مقصد اروپایی بانک خاورمیانه

اتحادیه اروپا با شعب بانک‌های خارج از اتحادیه همانند یک بانک مستقل رفتار می‌کند. این بانک‌ها بایستی سرمایه مستقل داشته باشند، همانند یک نهاد مستقل ثبت شوند، مدیر یا مدیران عامل آن توسط نهادهای نظارتی تأیید شوند، فرایندهای داخلی، مدیریت‌های ریسک، تطبیق، کنترل‌های داخلی و بسیاری از جزئیات اسناد و نرم‌افزارها قبل از شروع بکار طراحی، تست و توسط نهاد مربوطه تأیید شوند.

در نتیجه ایجاد یک شعبه از بانک خاورمیانه دقیقاً به اندازه ایجاد یک بانک جدید در اتحادیه اروپا صبر و انرژی می‌طلبد. شاید دومین تصمیم مهم و تأثیرگذاری که پس از انتخاب کشور گرفته شد، ایجاد یک شعبه به جای شرکت تابعه بود، این تصمیم نقش بانک را از یک سهامدار فراتر می‌برد. با اینکه در هر دو طرف اروپایی و ایرانی به منظور تسهیل روابط اقتصادی علاقه به ایجاد روابط بانکی وجود داشت، تاسیس یک شعبه در اروپا سال‌های زیادی بود که توسط بانک‌های ایرانی انجام نشده بود. از طرف دیگر سیستم قانون‌گذاری و نظارتی بانکی آلمان به عنوان یکی از سختگیرترین و مستقل‌ترین سیستم‌های بانک مرکزی در جهان محسوب می‌شود.

مجوز نهایی از بانک مرکزی ایران و متعاقباً مجوز نهایی توسط BaFin در ماه ژوئن ۲۰۱۸ صادر گردید و بعد شعبه در شهر مونیک به ثبت رسید. پس از کسب تأییدات مراجع نظارتی، شعبه از تاریخ ۲۱ دسامبر ۲۰۱۸، هم‌زمان با پلدای سال ۹۷ شروع به فعالیت کرده است.



وحید مشرفی

مدیر بازاریابی و توسعه کسب‌وکار • شعبه مونیک بانک خاورمیانه

خدمات

برای درک گستره خدمات شعبه مونیک، لازم است دسترسی‌های آن را به ۳ شبکه انتقال پیام بین‌بانکی بیان کنیم. معمولاً یکی از مهم‌ترین سوالات مشتریان مربوط به ارتباط با سیستم‌های بانکی است. عضو بودن در شبکه بانکی اتحادیه اروپا و همچنین سوییفت، شعبه را قادر به ارائه حجم وسیعی از خدمات می‌کند اما با توجه به برخی مسائلی بین‌المللی که در حیطه بانکی نمی‌گنجد، همه این ظرفیت ایجاد شده قابل استفاده نیست.

• شعبه مونیک یک عضو مستقیم از SWIFT است، اما همان‌طور که می‌دانید این بدان معنا نیست که هر بانک در جهان روابط RMA با شعبه مونیک را قبول کند.

• TARGET۲ یک سیستم مشابه SWIFT اما با یک اتاق پایاپای در اتحادیه اروپاست. این سیستم پایاپای باعث می‌شود اعضا برای انتقال پول لزوماً نیاز به افتتاح حساب نزد یکدیگر و یا استفاده از بانک واسط نداشته باشند.

• SEPA یک سیستم انتقال وجه بین تمام بانک‌های اتحادیه اروپا است؛ اما یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های آن این است که بانک‌ها معمولاً ملاحظات مختلفی مانند تطبیق، سیاست‌های داخلی و حتی ساعات کاری را در آن در نظر می‌گیرند.

با توجه به موارد بالا کلیه خدمات معمول حوزه بین‌الملل در شعبه قابل ارائه است. شعبه مونیک می‌تواند به هر بانک اتحادیه که بخواهد با این شعبه ارتباط داشته باشد، دسترسی پیدا کند. مطابق مجوز شعبه می‌توان انواع حواله، اعتبار اسنادی، ضمانت‌نامه و تسهیلات اعتباری را ارائه نمود.

شعبه مونیک همانند بانک خاورمیانه در لیست تحریم‌های ثانویه ایالات متحده آمریکا قرار ندارد، در نتیجه با در نظر گرفتن لیست بانک‌های ایرانی که در اروپا فعالیت دارند درمی‌یابیم که چرا از دید بانک‌های اروپایی که قصد معامله با ایران را دارند؛ شعبه مونیک به عنوان کانال مالی مورد نظرشان به مشتری معرفی می‌شود. شعبه مونیک نیز، هم‌راستا با بانک خاورمیانه از این موقعیت برای حمایت تجارت‌های مربوط به غذا و دارو بهره برده است.

این شعبه در حال حاضر فقط برای شرکت‌ها افتتاح حساب می‌کند، اما برای انتقال وجوه تجاری لزوماً احتیاج به افتتاح حساب نزد شعبه نیست و بخصوص به شرکت‌های ایرانی توصیه می‌شود تا از طریق افتتاح حساب در بانک خاورمیانه و استفاده از خدمات بین‌المللی، فعالیت‌های بانکی خود را با شرکای تجاری خارجی خود به انجام برسانند. در صورت نیاز به استفاده از شعبه مونیک برای ارائه خدمت به شرکت‌های ایرانی، موضوع از طریق معاونت بین‌المللی بانک خاورمیانه به شعبه مونیک ارجاع می‌شود.

با توجه به قوانین اتحادیه اروپا، این شعبه همانند یک بانک کوچک سیستم‌ها و مراجع تصمیم‌گیری مستقل خود را دارد و طبیعتاً فرایندهای افتتاح حساب یا برخی فرایندهایی که لزوماً استاندارد بین‌المللی ندارند بسیار متفاوت است. بانک خاورمیانه و شعبه مونیک از طریق سوییفت همانند دو بانک مختلف رابطه کارگزاری دارند و تعداد زیادی از فعالیت‌های تجاری در حوزه‌های مذکور بین ایران و اروپا را از این طریق به انجام رسانده‌اند. شعبه همچنین درخواست رابطه کارگزاری چند بانک دیگر ایرانی را پذیرفته است.

اطلاعات شعبه مونیک و آدرس وب‌سایت آن در وب‌سایت بانک خاورمیانه قرار دارد و برحسب نیاز به‌روز می‌شود. ■

با تشکیل مجمع عمومی و آرای سهامداران

هیات مدیره جدید بانک خاورمیانه انتخاب شدند



۹ نفر اعضای اصلی و علی‌البدل با آرای کتبی سهامداران در روز یکشنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۸، از بین کاندیداهای تایید شده از سوی بانک مرکزی به عنوان هیات مدیره جدید بانک خاورمیانه انتخاب شدند.

پس از انتخاب هیات رئیسه مجمع برای برگزاری انتخابات هیات مدیره، دکتر پرویز عقیلی کرمانی؛ مدیرعامل بانک خاورمیانه به سخنرانی پرداخت و ضمن تشکر از اعضای هیات مدیره پیشین بانک به خاطر رهنمودهای مدیریتی آنان گفت: از زحمات هیات مدیره به ویژه آقایان امیر دادخواه و رضا سلطان‌زاده بسیار سپاسگزارم. این دو نفر به علت مشغله‌های شخصی و حضور دانشمندان در سفر نتوانستند امروز حضور داشته باشند و به همین علت نیز کاندیدای عضویت در هیات مدیره نشدند.

مدیرعامل بانک خاورمیانه ادامه داد: امروز بانک خاورمیانه در وضعیت بسیار خوبی به سر می‌برد و همه سرمایه‌های انسانی این بانک فراتر از حد انتظار در حال کار هستند. شعبه آلمان بانک خاورمیانه که اخیراً افتتاح شد تنها شعبه‌ای است که ایران توانسته بعد از پیروزی انقلاب در اروپای غربی تاسیس کند و اکنون این شعبه به خوبی در حال فعالیت است.

پس از سخنرانی دکتر عقیلی و معرفی کاندیدها، رأی‌گیری به صورت کتبی آغاز شد و سهامداران آرای خود را به صندوق ریختند. در این مجمع عمومی ۸۴٪ سهامداران حضور قانونی داشتند.

پس از شمارش و ثبت آرا، به ترتیب آقایان پرویز عقیلی کرمانی، جواد جوادی، خسرو ناییب اهرنجانی، سید حسین سلیمی، امیر حسین امین آزاد، روزبه پیروز و پرویز خاکپور به عنوان اعضای اصلی و مجید صفریان و علیرضا عدالت به عنوان اعضای علی‌البدل هیات مدیره انتخاب شدند.

گفتنی است در این مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده، منوچهر ملکبانی فرد، رییس و علی خلیلی، دبیر بودند. جواد خوانساری و حسن رسولیان به عنوان ناظر و نماینده سازمان بورس دیگر اعضای هیات رئیسه مجمع بودند.



افزایش انضباط پولی در کشور با اجرای عملیات بازار باز

باز اقدام می‌کند. به گفته وی، اجرا کردن عملیات بازار و شکل گیری بازار متشکل ارزی، نهادسازی مناسبی است که ابزارهای مورد نیاز بانک مرکزی را برای سیاست‌گذاری پولی و ارزی در اختیار این بانک می‌گذارد.

فرآیند عملیات بازار باز به این صورت است که در مواقع افزایش یا کاهش تقاضای ذخایر بانک‌ها که احتمال انحراف نرخ سود بازار بین بانکی (قیمت ذخایر) از میزان هدف‌گذاری وجود دارد، بانک مرکزی از طریق خرید یا فروش اوراق بهادار و عرضه یا جمع‌آوری ذخایر، نرخ سود بازار را به نزدیک نرخ سیاستی هدف‌گذاری شده هدایت می‌کند.

بر اساس سازوکار طراحی شده، بانک مرکزی برای ایجاد دامنه مجاز نرخ سود بازار یا کریدور نرخ سود، کف نرخ کریدور را به عنوان نرخ پذیرش ذخایر مازاد بانک‌ها (سپرده‌گیری از بانک‌ها) و سقف نرخ را به عنوان نرخ تزریق نقدینگی (وام‌دهی در قبال اخذ وثایق نقدشونده به بانک‌ها) تعیین می‌کند.

فرآیند راهبری نرخ‌های بازار از طریق عملیات بازار باز، در نهایت از طریق سازوکار تسری سیاست پولی به تغییرات در سایر نرخ‌های بهره در اقتصاد منجر شده و سطوح قیمت‌ها و فعالیت‌های واقعی اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

وی با بیان اینکه امیدواریم به زودی و به سرعت این ابزار جدید، اجرایی شود، اضافه کرد: عملیات بازار باز می‌تواند به ایجاد انضباط پولی در کشور کمک کند.

خوشبختانه در قانون بودجه نیز این موضوع پیش بینی شده و این امکان فراهم شده است که بخشی از سیاست‌های مربوط به تأمین مالی در بازار از این طریق صورت گیرد.

او درباره مشارکت بانک‌های خصوصی در اجرای این سیاست گفت: این عملیات با همکاری نزدیک بانک مرکزی، شبکه بانک‌های دولتی و خصوصی، فعالان اقتصادی و دولت انجام می‌شود.

عملیات بازار باز با کنار گذاشتن سیاست تعیین دستوری نرخ سود بانکی، اجازه می‌دهد نرخ سود در کانال مشخصی نوسان داشته باشد و همچنین نظام بانکی کشور را سروسامان دهد.

رئیس کل بانک مرکزی نیز درباره این سیاست جدید پولی می‌گوید: عملیات بازار باز، مهمترین ابزار برای کنترل نرخ بهره کوتاه مدت است و در بسیاری از بانک‌های مرکزی به کار می‌رود.

«عبدالناصر همتی» تأکید کرد: این بانک با اجماع نظرات، وسواس و دقت نظری خاص و با اطمینان حاصل کردن از آمادگی‌های مورد نیاز نسبت به عملیاتی کردن بازار متشکل ارزی و نیز عملیات بازار

رئیس کانون بانک‌ها و موسسه‌های اعتباری خصوصی با بیان اینکه «عملیات بازار باز» می‌تواند به افزایش انضباط پولی در کشور کمک کند، گفت: این عملیات با همکاری نزدیک بانک مرکزی، شبکه بانک‌های دولتی و خصوصی، فعالان اقتصادی و دولت انجام می‌شود.

موضوع کنترل سود بانکی و تأثیر آن بر دامن زدن به افزایش نقدینگی و تورم از دغدغه‌های مهم شبکه بانکی و نظام اقتصادی کشور در سال‌های اخیر بوده که بانک مرکزی با اجرای سیاست «عملیات بازار باز» قصد دارد آن را سروسامان دهد.

در واقع، جدی‌ترین اقدام برای مدیریت تورم و کنترل نرخ سود بانکی، عملیات بازار باز است که چندی پیش به تصویب «شورای پول و اعتبار» رسید و قرار است توسط بانک مرکزی اجرا شود.

«گوروش پرویزیان» رئیس کانون بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری خصوصی درباره اجرای عملیات بازار باز و نقش آن در اجرای سیاست‌های پولی و کنترل تورم، اظهار داشت: عملیات بازار باز از ابزارهایی است که می‌تواند به بانک مرکزی در اجرای سیاست‌های پولی کمک کرده و در ایجاد نظم مالی، تنظیم مناسبات بین بانک‌ها، بانک مرکزی، دولت و سایر فعالان اقتصادی کمک کند.



افزایش سرمایه ۴۳ درصدی بانک خاورمیانه

بهیئت مدیره بانک خاورمیانه پیشنهاد افزایش سرمایه خود را به سازمان بورس اعلام کرد. با انتشار یک اطلاعیه شفاف سازی، بانک خاورمیانه اعلام کرد: با توجه به ماده ۳ دستورالعمل مراحل زمانی افزایش سرمایه شرکت های ثبت شده نزد سازمان بورس و اوراق بهادار (مصوب ۱۷ مهر ۱۳۹۵ هیات مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار) هیات مدیره به منظور پیشنهاد افزایش سرمایه از مبلغ ۷.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال به مبلغ ۱۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال از محل «سود انباشته و سایر اندوخته‌ها» به منظور

بهبود نسبت کفایت سرمایه و افزایش سقف فردی تسهیلات و تعهدات که در ۲۶ خرداد ۱۳۹۸ به تصویب رسیده و برای اظهارنظر به حسابرس و بازرسی قانونی ارسال شد و پس از اظهارنظر بازرسی قانونی نسبت به گزارش مذکور اطلاع رسانی می‌شود.

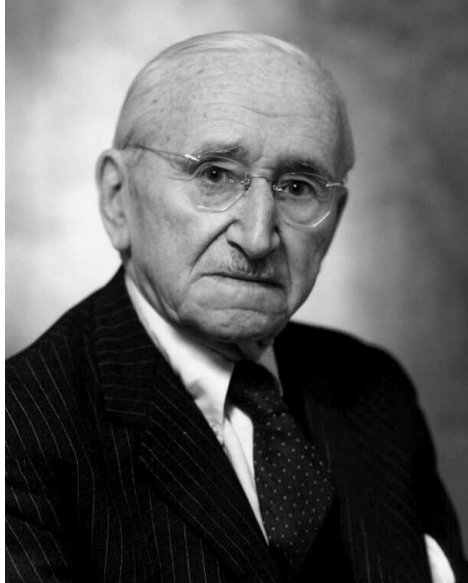
بر اساس این اطلاعیه شفاف سازی، افزایش سرمایه به میزان ۴۳ درصد و محل تامین از سود انباشته و اندوخته اعلام شده و انجام افزایش سرمایه منوط به موافقت سازمان بورس و اوراق بهادار و تصویب مجمع عمومی فوق العاده است.

تغییر نشانی شعبه زعفرانیه بانک خاورمیانه

شعبه زعفرانیه بانک خاورمیانه از ابتدای خرداد سال جاری به محل جدید منتقل شد.

محل جدید شعبه : تهران، زعفرانیه، خیابان مقدس اردبیلی، مرکز خرید پلا دیوم، بلوک ۱، طبقه نهم شمالی، شماره ۹۰۷ است.

با انتقال شعبه زعفرانیه تمامی خدمات این شعبه در آدرس جدید به قوت خود ادامه دارد و مشتریان می‌توانند با مراجعه به نشانی جدید همچنان از خدمات بانک خاورمیانه استفاده نمایند.



«هایک» و جریان بازار



آرین آقابگی

معاون شعبه دروس • بانک خاورمیانه

- هرچه دولت بیشتر به "برنامه‌ریزی" پردازد، برنامه ریزی برای "افراد" به مراتب دشوارتر می‌شود.. -

فردریش آگوست فون هایک

این ایده که هر آنچه آگاهانه طراحی و برنامه‌ریزی شود بهتر از چیزی است که به طور طبیعی رشد و تکامل یافته در مباحث مرتبط با فعالیت‌های اقتصادی و نوع نظام‌های اقتصادی کشورهای مختلف مشهود است. بازتاب این ایده به وضوح در اقتصادهای متکی بر سیستم‌های برنامه‌ریزی متمرکز و اقتصادهای دولتی قابل مشاهده است. همپای این تفکر، استدلالی که برای پشتیبانی از برنامه‌ریزی اقتصادی و مداخله‌گری دولت در اقتصاد ارائه می‌شود بر تنظیم منطقی اولویت‌ها و سازمان‌دهی کوشش‌های فردی در جهت نیل به اهداف مشترک تاکید دارد. به عبارت دیگر نظام اقتصادی براساس این تفکر رسالت همسو نمودن افراد و شناسایی اهداف مشترک را بر عهده می‌گیرد که البته با توجه به گستردگی و پیچیدگی جوامع بشری امری غیر ممکن است. گذار از نظام‌های سوسیالیستی در بلوک شرق به سمت نظام‌های مبتنی بر بازار حداقل در سه دهه اخیر مهر بطلانی بر این استدلال‌های ارائه شده در جهت دفاع از برنامه‌ریزی متمرکز اقتصادی و دخالت در جریان بازار بوده است. در مقابل این استدلال، جریان فکر دیگری قرار دارد که جریان بازاری را بر هر جریان دیگری در اقتصاد ارجح دانسته و معیارهای برتری آن را نسبت به نظام برنامه‌ریزی تبیین می‌کند. یکی از سردمداران این جریان فکری فردریش آگوست فون هایک، اقتصاددان و جامعه‌شناس برجسته اتریشی است که به عنوان یکی از مدافعان سرسخت نظام بازار در محافل اقتصادی شناخته شده است. وی در توضیح برتری نظام بازار آزاد این دلیل را مطرح می‌کند که نظام بازاری از این جهت بر هر نظام دیگری از جمله نظام مبتنی بر برنامه‌ریزی برتری دارد که در آن توافق بر سر اینکه چه اهدافی دنبال شود وجود ندارد. با توجه به این ویژگی، افراد جامعه با ارزش‌ها و اهداف متفاوت این امکان را خواهند داشت تا آزادانه در عین تعقیب منافع متقابل خود، در کنار یکدیگر به طور مسالمت آمیز زندگی کنند. از نظر هایک فعالیت‌های ناشی از جریان بازار حاصل طرح و برنامه‌ریزی آگاهانه و از پیش تعیین شده نیست و این فعالیت‌ها هیچ گونه هدف و مقصد خاصی را دنبال نمی‌کنند زیرا تجلی نیازهای خیل عظیمی از افراد با اهداف متفاوت‌اند.

با این حال یکی از نقدهایی که بر اقتصاد بازار وارد می‌شود فقدان یک نظام هدفمند است که به وسیله آن عملکرد افراد با اهداف مشترک را با یکدیگر همراستا و هماهنگ کند. در مقابل، از نقطه نظر طرفداران جریان بازار آزاد، این موضوع نه یک نقیصه بلکه یک مزیت مهم نظام بازار است که به افراد این امکان را می‌دهد که با وجود اهداف متفاوت با یکدیگر هماهنگ شوند. به عقیده این گروه، این نشانه‌ای از قدرت بازار است که افراد را مجبور می‌کند تا با هم شریک شوند. هایک در جای دیگر نیز از این هماهنگی بین افراد به عنوان وابستگی متقابل افراد به یکدیگر یاد کرده و آن را نتیجه نظم بازار می‌داند که به عقیده وی توسط هیچ نیرو یا نظام دیگری قابل دستیابی نیست. به دیگر بیان، این شبکه‌ای از روابط بازاری است که افراد مختلف در ملل مختلف را به یکدیگر متصل کرده است و این که افراد مختلف بتوانند به یک نظام مشترک اقتصادی با اهداف از پیش تعیین شده دست یابند به زعم وی توهمی بیش نیست.

در زمینه محدودیت سیاستگذاری اقتصادی در نظام بازاری، در نظر گرفتن تفاوت‌های بنیادین این نظام با نظام برنامه ریزی که با تمسک از ابزاری هدفمند برای دستیابی به اهداف مشخص شده عمل می‌کند، ضروری است. به بیان دقیق‌تر، از آنجایی که در نظام بازار معیار واحدی برای ارزش‌ها تعریف نشده، نظم بازاری صرفاً به هماهنگ کردن اهداف رقبا می‌پردازد. به عقیده هایک اگر در نظام بازار آزاد مجالی هم برای سیاستگذاری باشد - که از نظر وی هست - باید در جهت افزایش فرصت‌های تمامی افراد ناشناخته در بازار برای نیل به اهداف نامعلوم باشد. با این توضیح، سیاست‌های عمومی در جوامع آزاد نه تنها به دنبال تعریف معیارها و اهداف در جامعه نیست بلکه بر آن است تا امکان برآورده شدن اهداف فردی گوناگون را فراهم آورد.

شهر	شعبه	کد	نشانی	تلفن
تهران	آفتاب	۱۰۰۱	میدان ونک، خیابان شهید خادمی، تقاطع خیابان آفتاب، شماره ۱۱۸	۰۲۱-۸۸۶۲۳۷۵۰
تهران	نوبخت	۱۰۰۲	خیابان خرمشهر، خیابان شهید عربعلی، نبش خیابان یازدهم، شماره ۵۸	۰۲۱-۸۶۰۸۹۷۰۳
تهران	نیاوران	۱۰۰۳	خیابان شهید باهنر، بعد از سه راه یاسر، شماره ۲۹۹	۰۲۱-۲۲۷۵۹۳۹۸
تهران	الهیة	۱۰۰۴	خیابان شهید فیاضی، خیابان شهید آقابزرگی، نبش بن بست بیژن، شماره ۳۳	۰۲۱-۲۲۳۹۰۹۹۱
تهران	مهستان	۱۰۰۵	شهرک قدس، خیابان ایران زمین، شماره ۲۲۰۲	۰۲۱-۸۸۵۶۱۶۵۶
تهران	سعادت آباد	۱۰۰۶	سعادت آباد، میدان سرلشگر شهید طهرانی مقدم، نبش کوچه هفتم، شماره ۸۶	۰۲۱-۲۲۳۸۲۹۳۸
تهران	بخارست (مرکزی)	۱۰۰۷	خیابان احمد قصیر، نبش خیابان پنجم، شماره ۲	۰۲۱-۸۸۷۲۹۹۲۵
تهران	زعفرانیه	۱۰۰۸	زعفرانیه، خیابان مقدس اردبیلی، مرکز خرید پلادیوم، بلوک ۱، طبقه نهم شمالی، شماره ۹۰۷	۰۲۱-۲۶۳۵۵۷۰۴
تهران	ظفر	۱۰۰۹	خیابان شهید دستگردی، بین بلوار نلسون ماندلا و خیابان ولیعصر، شماره ۲۷۷	۰۲۱-۸۶۰۸۲۳۸۵
تهران	دروس	۱۰۱۱	خیابان یخچال، خیابان هدایت، نبش میدان هدایت، شماره ۶۵	۰۲۱-۲۲۵۶۰۶۷۷
اصفهان	اصفهان	۳۰۰۱	میدان فیض، نبش خیابان میر، شماره ۵	۰۳۱-۳۶۶۴۴۶۸۳
تبریز	تبریز	۴۵۰۱	شهرک ولی عصر، فلکه رودکی، خیابان رودکی، نبش کوچه سحر، شماره ۵۶۰	۰۴۱-۳۳۲۷۲۶۰۵
شیراز	شیراز	۷۲۰۱	بلوار ستارخان، نبش خیابان عقیف آباد، شماره ۱۲۷	۰۷۱-۳۶۲۶۸۸۰۷
مشهد	مشهد	۸۵۰۱	مشهد، بلوار سجاد، بین چهارراه بهار و چهارراه گلریز، شماره ۴۸	۰۵۱-۳۷۶۵۶۲۲۲
کرج	کرج (شعبه غیرنقدی)	۶۲۴۱	میدان امام حسین، بلوار چمران، مجتمع اداری بل سنتر، طبقه سوم، واحد ۳۰۲	۰۲۶-۳۲۸۶۷۳۰۰



بانک خاورمیانه علاوه بر ارائه تمامی خدمات یک بانک تجاری، سایر خدمات حوزه پول و سرمایه را به صورت مستقیم و یا از طریق شرکت های زیرمجموعه یا وابسته با رعایت مقررات و ضوابط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و سازمان بورس و اوراق بهادار فراهم کرده است.

شرکت کارگزاری بانک خاورمیانه

تهران، خیابان نلسون ماندلا (آفریقا)، خیابان دستگردی (ظفر) به سمت ولیعصر، شماره ۲۷۷
تلفن: ۸۶۰۸۳۵۶۴
mebbco.com

شرکت بیمه زندگی خاورمیانه

تهران، میدان آرژانتین، خیابان احمد قصیر (بخارست)، خیابان ششم، شماره ۷
تلفن: ۴۱۳۶۳۰۰۰
melico.ir

شرکت خدمات ارزی و صرافی خاورمیانه

تهران، میدان آرژانتین، خیابان احمد قصیر (بخارست)، نبش خیابان نهم، برج بخارست، طبقه دوم
تلفن: ۴۱۲۶۱۰۰۰
exmeh.com

ساختمان ادارات مرکزی

تهران، خیابان احمد قصیر (بخارست)، نبش خیابان پنجم، شماره ۲
تلفن: ۴۲۱۷ ۸۰۰۰
دورنگار: ۸۸۷۰ ۱۰۹۵
کدپستی: ۱۵۱۳۶۴۵۷۱۷
تهران، صندوق پستی: ۴۴۴۵ - ۱۵۸۷۵
www.middleeastbank.ir
info@middleeastbank.ir



به روز تر باشیم

موبایل بانک خاص مدیران شرکتها



بانک خاورمیانه
Middle East Bank



www.middleeastbank.ir
info@middleeastbank.ir